

NO 39 | MONDAY | 2022 APR 18

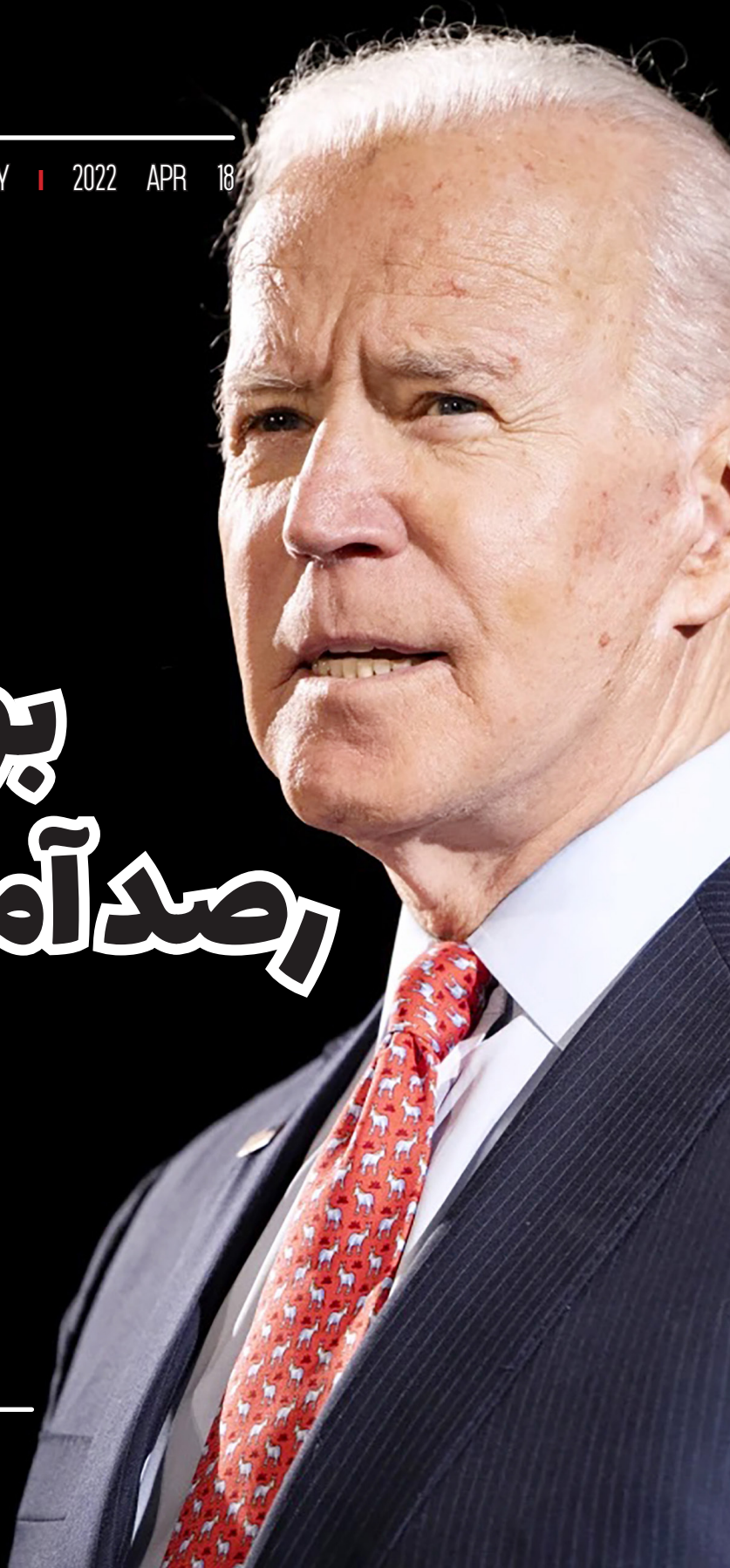
دوشنبه
بیست و نهم
سورین



مرکز مطالعات راهبردی

فروردین
۱۴۰۱

بولتی رصد آمریکا



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فهرست

صفحه	عنوان
۴	جنگ روسیه و اوکراین
۴۰	اقتصاد جهانی بعد از جنگ اوکراین
۴۹	نقد سیاستهای حکمرانی دولت بایدن
۵۸	در حمایت از سیاستهای بایدن
۶۱	انتخابات میان دوره ای کنگره
۷۰	نقد جمهوری خواهان
۷۵	در حاشیه سیاست و سیاستمداران
۸۸	نظام حقوقی آمریکا
۹۳	افزایش نرخ تورم و بیکاری در آمریکا
۱۰۰	افزایش قیمت گاز و بنزین در آمریکا
۱۰۷	کمپانی دیزنی و جنجال بر سر سیاست جنسی در برنامه سازی کودکان
۱۱۹	اعتراض به نژاد پرستی
۱۳۱	موضوعات دیگر

مشاهده

آخرین تحولات جنگ روسیه و اوکراین، یکی از پربحث‌ترین و پرتعدادترین‌ها در اخبار رسانه‌های ایالات متحده است. تحلیلگران اقتصادی نگران بحران‌های ناشی از تحریم‌های روسیه توسط اروپا و آمریکا هستند. بخشی از تحلیل‌ها معطوف به این گزاره است که برخی از جریان‌های رسانه‌ای نمی‌خواهند همه آن چیزی که در بحران اوکراین رقم خورده را بازنمایی کنند و اینکه این مدل تصویرسازی در سطح عمومی، منجر به تحلیل غیرواقعی از سیاست خارجی می‌شود. با این حال بخشی از تحلیل‌های رسانه‌ای نقد سیاست خارجی دولت جو بایدن در بحران اوکراین و افغانستان است. ضمن اینکه رسانه‌ها انتقادات تند و تیزی در اجرای سیاستهای داخلی جو بایدن مطرح می‌کنند. این انتقادات نسبت به رشد تورم، افزایش جرم و جنایت شهری و همچنین ورود مهاجران غیرقانونی در مرزها جنوبی مطرح میشود.

این حجم از انتقادات نسبت به ناکارآمدی دولت بایدن در حالی مطرح می‌شود که نیویورک تایمز و واشنگتن پست، دو تقویت‌کننده برجسته افکار همگن طبقه حاکم در آمریکا، پس از دو سال دوباره مسئله جنجالی «لپ‌تاپ هانتر بایدن» را مطرح کردند و صحت اخبار مربوط به آن را تأیید و تصدیق کردند.

یکی دیگر از خبرهای پردامنه رسانه‌های آمریکا نسبت به وقایعی است که در کمپانی والت دیزنی در هفته‌های اخیر رخ داده است. این کمپانی تولید انیمیشن به دلیل اختلاف بر سر قانون جنجالی فلوریدا موسوم به قانون «تگو همجنس‌گرا» در کانون توجه قرار گرفته است. این خبرها در بستر اجتماعی آمریکا، به دلیل طرح مباحث آموزش جنسی کودکان ۵ تا ۹ سال مورد توجه قرار گرفته است.

جنگ روسيه و اوکراين

Project Syndicate

پروژه سندیکت
استار آریانس

تنها راه پیش رو، مذاکره با پوتین است

اگر قدرت‌های جنگ سرد توانستند برای تکمیل پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای در دهه ۱۹۶۰ گرد هم آیند و طرف‌های متخاصم آمریکای مرکزی برای پایان دادن به درگیری‌هایشان در دهه ۱۹۸۰ توانستند به توافق برسند، امروز هم این اتفاق می‌تواند در اوکراین بیفتد. حقیقتاً هیچ جایگزینی برای این مسئله وجود ندارد.

آنتونیو گوتز، دبیر کل سازمان ملل متحد هشدار داد که اوکراین در برابر چشمان جهان در حال نابودی است و بنظر تنها گزینه معقول "توقف فوری خصومت‌ها و مذاکرات جدی بر اساس اصول منشور سازمان ملل متحد و قوانین بین‌المللی" باشد. اگرچه مذاکراتی بین اوکراین و روسیه صورت گرفته است، اما گزارش‌ها حاکی از شکست در پیشرفت است. در هر حال تنها راهکار امیدوار کننده، از طریق مذاکره است.

در اولین دوره ریاست جمهوری من به عنوان رئیس جمهور کاستاریکا در اواخر دهه ۱۹۸۰، وضعیت آمریکای مرکزی نیز غیرقابل حل تلقی می‌شد. جنگ‌های داخلی در گواتمالا، السالوادور و نیکاراگوئه منجر به خونریزی و رنج وحشتناکی شده بود و دستیابی به توافقات صلح جامع بین طرفین، حداقل از نظر به ظاهر واقع‌گرایان، مثل یک رویا بود. ولی ما موفق شدیم طرفین را دور هم جمع کنیم و جنگ‌ها پایان یافت.

هنوز هم چنین چیزی ممکن است. تهاجم روسیه نقض آشکار قوانین بین‌المللی و منشور سازمان ملل است، اما دستیابی به توافقی که صلح و امنیت را برای روسیه و اوکراین تضمین می‌کند ناممکن نیست. جایگزین‌ها را در نظر بگیرید؛ جامعه بین‌الملل با تحریم و تسلیحات به این حمله پاسخ داده است، اما کسی فکر نمی‌کند که تنها با اینها

بشود به رنج اوکراین پایان داد. مهمات ممکن است به مقاومت اوکراین کمک کند، اما ممکن است جنگ را طولانی تر و تعداد کشته‌ها و تلفات را بیشتر کند. شاید عده‌ای درگیری طولانی تر را به‌عنوان راهبرد برای از بین بردن نیروهای روسیه و فشار بر دولت ولادیمیر پوتین بدانند ولی حتی اگر همه چیز طبق نقشه پیش برود، هزینه‌های انسانی هنگفتی از دو طرف و ناآرامی های بیشتر در روسیه، سرکوب های شدیدتر و از دست دادن آزادی های اساسی و مدنی بیشتر را در پی خواهد داشت.

هرچه این درگیری طولانی تر شود و شکاف بین روسیه و دموکراسی‌های جهان بیشتر شود، پیگیری همکاری جهانی در زمینه تغییرات آب‌وهوایی، بهبود بیماری همه‌گیر، ثبات مالی، حاکمیت قانون و شاید مهم‌تر از همه، امنیت هسته‌ای دشوارتر خواهد بود. خطر هولوکاست هسته‌ای بیشتر خواهد شد. این شیخ قبلاً بر سایر ملاحظات ژئوپلیتیکی، منطقه‌ای و ملی سایه افکنده است.

همانطور که جورج اف. کنان، دیپلمات قرن بیستم بیان کرد: "آمادگی داشتن برای استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه سایر انسان‌ها، افرادی که نمی‌شناسیم، هرگز آنها را ندیده‌ایم و گناهکار یا بی‌گناه دانستن آنها بر عهده ما نیست و جوری ساختار طبیعی را که همه تمدن بر آن استوار است به خطر بیندازیم، گویی امنیت و منافع نسل خودمان از هر چیزی که در تمدن اتفاق افتاده یا می‌تواند اتفاق بیفتد مهمتر است، این چیزی کمتر از یک جسارت، کفر و یک اهانت در ابعاد هیولایی به خداوند نیست!"

امروز ما به تعهد همه طرف‌های درگیر نیاز داریم تا حداقل اولین نفری نباشند که از سلاح هسته‌ای استفاده می‌کنند یا تهدید به استفاده از آن می‌کنند. این امر همانطور که جان اف کندی در سال ۱۹۶۱ گفت و به آن عمل کرد. پس از فاجعه موشکی کوبا در سال ۱۹۶۲ مذاکراتی آغاز شد که به معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای منتهی شد که مبتنی بر وعده خلع سلاح هسته‌ای است. امروزه ۱۹۱ کشور از جمله روسیه، ایالات متحده و همه اعضای ناتو، عضو آن هستند.

اکنون هم قطعنامه اخیر مجمع عمومی سازمان ملل متحد در مورد اوکراین "بر حل فوری مسالمت آمیز مناقشه بین فدراسیون روسیه و اوکراین از طریق گفتگوهای سیاسی، مذاکرات، میانجیگری و دیگر ابزارهای صلح آمیز تاکید دارد." این کلمات انعکاس خواسته مردم است.

طرفین مذاکره، حتی مقامات عالی رتبه، باید در نظر داشته باشند که نمی‌توانند انتظار رسیدن به هر چه می‌خواهند را داشته باشند. آنها باید منافع و دیدگاه های طرف دیگر را درک کنند. اوکراین باید از حاکمیت، امنیت و دموکراسی خود اطمینان حاصل کند و روسیه نیز باید مطمئن باشد که به منافع امنیتی‌اش احترام گذاشته شده است. هر دو طرف باید برای انعطاف پذیری و امتیاز دادن آماده باشند.

به شرط تحقق این شرایط، مذاکرات می‌تواند به صلح منجر شود. در واقع، این تنها رویکردی است که می‌تواند یک چشم انداز پایدار ایجاد کند. شاید اکنون این چشم انداز دست نیافتنی به نظر برسد اما نباید امید خود را از دست دهیم. ما در دوران تاریکی زندگی می‌کنیم. اما گاهی تراژدی مجرای می‌شود که آینده های روشن تری از آن زاده شود. من در آمریکای مرکزی شاهد آن بودم. باشد که جهان در اوکراین به زودی شاهد آن باشد.

Bloomberg

نیال فرگوسن
بloomberg

پوتین تاریخ را اشتباه می‌فهمد

وزیر دفاع سابق آمریکا، اشتون کارتر زمانی اظهار داشت: زبانی که مردم در راهروهای قدرت صحبت می‌کنند زبان اقتصاد یا سیاست نیست بلکه تاریخ است. در حالی که جنگ اوکراین به پایان ماه اول خود نزدیک می‌شود، چه نوع تاریخی از تصمیمات امروز واشنگتن خبر می‌دهد؟

دیوید سانگر روز شنبه برای نیویورک تایمز گزارش داد: مقامات آمریکایی در مورد اینکه چقدر درس‌های جنگ‌های نیابتی جنگ سرد همانند جنگ اتحاد جماهیر شوروی در افغانستان، می‌تواند در جن جاری در اوکراین اعمال شود، اختلاف نظر دارند.

به گفته وی دولت بایدن به دنبال کمک کردن به اوکراین است آنها هم به نحوی که روسیه را باتلاقی گیر بیاندازد، بدون درگیری گسترده تر با یک دشمن دارای سلاح هسته ای یا قطع کردن راه‌های مختلف برای کاهش تنش موجود. به گفته مقامات، ماموران سیا کمک می‌کنند تا از رسیدن جعبه‌های کمک نظامی به اوکراین اطمینان حاصل شود. اما در حال حاضر آقای بایدن و کارکنانش سودمندی برای یک تلاش مخفی گسترده برای استفاده از آژانس جاسوسی برای حمل سلاح نمی‌بینند. همانطور که این کار را آمریکا در دهه هشتاد میلادی مقابل شوروی انجام داد.

با مطالعه دقیق به این نتیجه رسیده ام که آمریکا می‌خواهد این جنگ ادامه یابد. دولت نیز



به تامین سلاح و تجهیزات برای اوکراین ادامه خواهد داد و به متقاعد کردن سایر کشورهای سازمان پیمان آتلانتیک نیز برای تامین تسلیحات دفاعی ادامه خواهد داد. آخرین پیشنهاد ایالات متحده این بود که ترکیه سیستم پیشرفته ضد هوایی اس ۴۰۰- خود را که چند سال پیش از مسکو خریداری کرده بود در اختیار اوکراین قرار دهد.

به هر حال شکی وجود ندارد که روسیه متحمل تلفات جانی و تجهیزاتی زیادی شده است. یک روزنامه طرفدار کرملین در روسیه به تازگی اعداد وزارت دفاع روسیه را منتشر کرده است که نشان می‌دهد ۹۸۶۱ سرباز روسی در جنگ با اوکراین کشته شده‌اند و ۱۶۱۵۳ نفر زخمی. این اعداد در مقایسه با مرگ ۱۵۰۰۰ سرباز شوروی و ۳۵۰۰۰ زخمی آنها در طی ده سال جنگ افغانستان بسیار بالاست.

علاوه بر این شواهد بسیاری نیز وجود دارد که نشان می‌دهد تجهیزات آنها به هم ریخته است. نمونه‌ای از کامیون‌های تدارکاتی که به علت فرسودگی لاستیک‌ها و موتورهایشان رها شده‌اند. تاریخ همچنین موارد متعددی را از رژیم‌های استبدادی نشان می‌دهد که در سرعت در مواجهه با واژگون‌های نظامی از هم پاشیده‌اند. برای مثال صدام حسین، معمر قذافی و یا حکومت نظامی آرژانتین.

اگر ترکیبی از فرسایش در اوکراین و بحران‌های مالی ناشی از تحریم‌های داخلی و خارجی به سقوط پوتین منجر شود واقعا فوق‌العاده خواهد بود. تنها همین هدف را نیز با تایوان باید ادامه داد.

<https://cutt.ly/ADEMrvk>

RealClear Politics

تایملز استرین
ریال کلیئر پالیٹیکس

تا کر کارلسون: رسانه‌ها و سیاستمداران فاسد درباره زلنسکی و دموکراسی اوکراین به شما دروغ می‌گویند

تا کر کارلسون: دموکراسی دقیقاً چیست؟ خب، پلورا لبسم مشخصه آن است. در یک جامعه دموکراتیک، شهروندان می‌توانند هر نظری که می‌خواهند داشته باشند. اگر شهروندان از رهبری سیاسی خود ناراضی باشند، می‌توانند رهبران خود را برای تصدی پست به چالش بکشند.

این موارد ویژگی‌های دموکراسی نیستند، بلکه پیش‌نیازهای آن هستند. بنابراین، با در نظر گرفتن این موضوع، باید در مورد یک حزب سیاسی در اوکراین به نام «سکوی مخالف برای زندگی» بدانید. این حزب با ۴۳ کرسی در پارلمان، بزرگ‌ترین حزب مخالف در آن کشور است. در آخر هفته، رئیس‌جمهور اوکراین، ولودیمیر زلنسکی، این حزب را ممنوع کرده است. «سکوی اپوزیسیون برای زندگی» اکنون از هر گونه فعالیت در داخل اوکراین منع شده است.

بنابراین، زلنسکی با یک فرمان امکان نامزدی در برابر خود را برای ریاست‌جمهوری غیرممکن کرده است. او این کار را نه فقط با سکوی اپوزیسیون برای زندگی، بلکه با ده حزب سیاسی دیگر که معتقد بود به اندازه کافی به او وفادار نیستند، انجام داده است. البته بدیهی است که جنگی در اوکراین در جریان است و بر این اساس، زلنسکی حکومت نظامی اعلام کرده است، اما باید به شما بگوییم، هیچ مدرکی مبنی بر این که احزاب مخالف ممنوع شده به روسیه در جنگ علیه اوکراین کمک می‌کرده‌اند، وجود ندارد.

زلنسکی بعد از ممنوع کردن همه مخالفان، کنترل رسانه‌های کشور را نیز به دست گرفته است. بر مبنای فرمانی که زلنسکی امضا کرده، تمام کانال‌های تلویزیونی ملی در یک پلتفرم واحد تحت کنترل او ترکیب می‌شود.

زلنسکی کنترل کامل اوکراین را از مدت‌ها قبل از حمله روسیه و جنگ تحکیم کرده است. سال گذشته، او مخالف اصلی

سیاسی خود را دستگیر و دارایی‌هایش را توسط دولت توقیف کرده است. در همان زمان، سه کانال از محبوب‌ترین شبکه‌های تلویزیونی اوکراین را که از او انتقاد کرده بودند، تعطیل کرده است.

چیزی که ما به آن اهمیت می‌دهیم، چیزی که همه آمریکایی‌ها باید به آن اهمیت دهند این است که در آمریکا چه اتفاقی می‌افتد. آمریکا چراغ امید و آزادی برای بقیه جهان است. چگونه این موقعیت الهام‌بخش را حفظ کنیم؟ نه صرفاً با ارسال موشک به مردم، بلکه با آزادماندن خودمان. اگر ما آزاد نباشیم، آمریکا نمی‌تواند چراغ آزادی و نور در جهان باشد.

درست در همان روزی که زلنسکی رسانه‌های مخالف و همه احزاب سیاسی مخالف را تعطیل می‌کند، دروغ‌گوی حرفه‌ای و کارشناس مجله آتلانتیک، دیوید فروم، در توییت می‌نویسد: «اوکراین ممکن است اولین نمونه در تاریخ بشریت باشد که تحت فشار جنگ، بردبارتر و آزادتر شده است.»

کاملاً طبیعی است که اوکراینی‌ها را برای بیرون‌راندن مهاجمان تشویق کنیم. اما فقط به این دلیل که روسیه کار اشتباهی در اوکراین انجام می‌دهد، نمی‌توانیم در مورد دولت اوکراین دروغ بگوییم. در واقع، اگر واقعاً به مردم اوکراین اهمیت می‌دهید، نباید بگذارید که تحت یک حکومت دیکتاتور زندگی کنند.

اوکراین توسط همسایگانش مورد تهاجم قرار گرفته و ما با آن مخالفیم، اما این بدان معنا نیست که اوکراین یک کشور دموکراتیک است. این طور نیست و ما نباید به آمریکایی‌ها چنین چیزی بگوییم زیرا این یک دروغ است. ما باید حقیقت را بگوییم، اما عملاً هیچ کس حقیقت را نمی‌گوید. همه دروغ می‌گویند.

شاید کم‌کم دارید به این نتیجه می‌رسید که دولت آمریکا زلنسکی را دوست دارد، نه به این دلیل که او نماینده مردم اوکراین است، بلکه به این دلیل که زلنسکی دقیقاً رهبری است که آن‌ها دوست دارند، رهبری با قدرت‌های جنگی به شدت گسترش یافته تا هر کسی که شکایت کند را بکشد.

در این ویدیو مردی به نام گنادی دروزنکو است. دروزنکو یک پزشک مسئول بیمارستان صحرایی در اوکراین بوده که در «سی‌ان‌ان» ظاهر شده است. در این جا او به‌طور اتفاقی اعلام می‌کند که دستور اخته کردن سربازان اسیر روسی را داده است. گنادی دروزنکو: من همیشه یک انسان گرای بزرگ بوده‌ام و گفته‌ام که به محض زخمی شدن، او دیگر دشمن نیست، بلکه یک بیمار است. اما اکنون، یک دستورالعمل بسیار دقیق به من داده‌اند که باید همه مردان را اخته کنید، زیرا آن‌ها سوسک هستند و آدم نیستند. آن ویدیو، ناپدید شده است. ممکن است بشنوید که آن‌را به عنوان تبلیغات روسی رد کرده‌اند، اما این تبلیغات روسی نیست. این واقعی است.

گنادی دروزنکو صحت ویدیو را تأیید کرده است. بنابراین اگر کشتن اسرا یک جنایت جنگی باشد، اخته کردن آن‌ها نیز جنایت جنگی است.

در این بین، جنگی به نام آمریکا و با پول ما در جریان است، بنابراین منصفانه است بپرسیم طرفی که ما از آن حمایت می‌کنیم چگونه است. این یک جنگ با پیامدهای اخلاقی است. این جنگی است که کاخ سفید در تمام سطوح درگیر آن است. بنابراین، وقتی دولت اوکراین کاری انجام می‌دهد، ما علاقه داریم که بدانیم دقیقاً چیست و به چه معناست، اما بیش از هر چیزی، ما یک منفعت اساسی و یک تعهد اخلاقی داریم که آمریکا را آزاد نگه داریم. بنابراین، وقتی می‌بینید که دولت ما کسی را تحسین می‌کند که هر مخالفتی با او را خاموش می‌کند، باید کمی مکث کنید.



ASIATIMES

روزانه هیکنرون
لیبرالتیمز

چگونه رسانه‌ها مردم ایالات متحده را در وضعیت روان پریشی اوکراین و روسیه قرار می‌دهند؟

رسانه‌های خبری قدیمی ایالات متحده، عامل یک روان پریشی فزاینده اجتماعی در خصوص حملات روسیه به اوکراین شده‌اند

به وسیله یک جریان مداوم رسانه‌ای، اطلاعاتی مغرضانه، اغلب نادرست در مطبوعات منتشر می‌شود تا مردم را به سمت انتخاب سریع در یک درگیری پیچیده بین المللی سوق دهند. این جریان چه می‌کند؟ پرچم‌هایی را برای حمایت از طرف خود به اهتزاز در می‌آورد، چالپوسی رهبران جهانی را می‌کند، حتی رژه مسالمت‌آمیز خودروبی برگزار می‌کند و تمام این تلاش‌ها برای آنچیزی است که فکر میکند در حال رخ دادن است یعنی جنگ جهانی سوم. سخن گفتن علیه حملات روسیه به اوکراین و فهمیدن اینکه باید از مردم اوکراین حمایت کرد کار دشوار نیست با این حال، درخواست از ایالات متحده برای اقدام تهاجمی، مانند اجرای سریع منطقه پرواز ممنوع، نشان دهنده سطح رو به کاهش فهم پیچیدگی در روابط بین‌الملل است.

عمده نگرانی آمریکایی‌ها در خصوص بحران روسیه و اوکراین، ناشی از گزارش رسانه‌های خبری قدیمی است. پوشش جنگ، منافع خوبی برای رسانه‌های خبری دارد. این جریان رسانه‌ای، مطابق مفاهیم ناسیونالیستی، بازیگران بین‌المللی را شرور نشان می‌دهند و مخاطبان را هیجان زده و درگیر می‌کنند. در ادامه این فرآیند هم رسانه‌های خبری قدیمی جنونیستی اغلب مجموعه عملیات نظامی-صنعتی را طوطی وار تکرار میکنند و رأی‌دهندگان را به یک روان پریشی ملی بر سر مسائل خارجی سوق می‌دهند.

از شش سال قبل گزارش‌هایی مملو از نگرانی بر سر بحران روسیه آغاز شده بود و منجر به روان پریشی آمریکایی‌ها می‌شد. این جنس گزارش‌ها به آرامی و به‌طور روشمند توسط اخبار نادرست و بی‌اساس افکار عمومی را تحت تأثیر قرار میداد و مثلاً مدعی میشدند که روسیه نیروگاه برق ورمونت را هک کرده است، برای سربازان آمریکایی در افغانستان جایزه تعیین می‌کردند، نتایج انتخابات در سراسر جهان را تغییر دادند، و دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور وقت آمریکا را با این نوار بدنام به خطر انداختند.

این جنس تبلیغات، باعث برانگیخته شدن مخاطبان لیبرال شد تا روسیه را سرزنش کنند آن هم به خاطر همه چیزهایی

که در مورد ریاست جمهوری ترامپ نفرت داشتند. به طرز چشمگیری شکست فاجعه باری را هم برای رسانه‌های خبری شاهد بودیم و هم شرکت‌ها و صنایع نظرسنجی که در انتخابات ۲۰۱۶، با پیش بینی پیروزی هیلاری کلینتون منحرف شدند.

تهاجم غیرقانونی و غیرقابل توجیه ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه به اوکراین، فرصت سودآوری را برای رسانه‌های خبری قدیمی فراهم کرده است تا بیشتر علیه روسیه حمله وارد کنند. آنچه گفت به این معنا نیست که باید از روسیه یا پوتین در مطبوعات دفاع کرد. بلکه مسئله این است که شهروندان آمریکایی، مانند هر شهروندی در یک دموکراسی فرضی، به زمینه‌ای برای درک امور جهانی نیاز دارند و اصلاً به خاطر همین است که ایالات متحده از مطبوعات حمایت می‌کند.

نکته ای که در این بین وجود دارد این است که پیام‌ها و اقدامات طرفدار جنگ، این فرصت را دارند که به راحتی به گزارش‌های مفیدی برای رسانه‌ها بدل شوند و در نتیجه‌ی محتوایی که تولید می‌شود، مخاطبان آمریکایی عمدتاً از مسائل کلیدی روابط بین‌الملل بی‌اطلاع می‌مانند.

موسسه گالوپ در سال ۲۰۱۹ یک نظرسنجی به سفارش شورای روابط خارجی ترتیب داد که نشان می‌دهد کمتر از نیمی از پاسخ دهندگان افغانستان را به عنوان کشوری امن برای القاعده میدانند. یا بر اساس یک نظرسنجی قبل از حملات ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱؛ نیمی از مردم می‌توانستند عراق را روی نقشه شناسایی کنند. مسئله این است که کمپانی‌ها و رسانه‌های خبری، تقریباً هیچ زمینه تاریخی برای رویدادهای اوکراین ارائه نمی‌کنند. زمینه‌های تاریخی همچون روند صلح در توافق‌نامه‌های مینسک در سال‌های ۲۰۱۴ و ۲۰۱۵ یا کودتای ۲۰۱۴ اوکراین که مورد حمایت آمریکا بود یا عدم پایبندی ایالات متحده به وعده‌های خود. این رسانه نمی‌گویند که بریتانیا و فرانسه از گسترش سازمان پیمان آتلانتیک شمالی به اروپای شرقی حمایت کردند که در نهایت بر تصمیمات اخیر پوتین در سیاست خارجی تأثیر گذاشت.

این رسانه‌های خبری فقط بر روایت‌های تاریخی نادرست تکیه میکنند مثلاً ادعای اینکه پوتین می‌خواهد اتحاد جماهیر شوروی را مجدداً تأسیس کند. در حالی که روسیه حرکت به سمت کمونیسم را عامل زوال روسیه می‌داند. می‌توان با رهبری و رفتار روسیه و اوکراین مخالفت کرد: اولی مخالف حقوق مدنی و دموکراسی با جاه طلبی‌های امپریالیستی است و دومی توسط دولتی اداره می‌شود که نه از راه‌های دموکراتیک، بلکه توسط ایالات متحده به قدرت رسیده است.

یک سیاست خارجی دموکراتیک مستلزم پاسخ‌های سنجیده و تصمیمات استراتژیک است، به ویژه زمانی که پتانسیل جنگ هسته‌ای بسیار واقعی باشد. با این حال، به لطف شکست‌های مطبوعات، مردم آمریکا در موقعیت ضعیفی برای شکل دادن به این تصمیمات قرار دارند. در عوض، آن‌ها با تبلیغات در قالب سخنان بی‌اهمیت که به عنوان روزنامه‌نگاری ظاهر می‌شوند، بمباران می‌شوند.

اگر می‌خواهید جنگ جهانی سوم را متوقف کنید، باید رسانه‌های خبری قدیمی را حذف کنید و منوی اخبار خود را با دیدگاه‌ها و اطلاعات گسترده‌تر، مستقل‌تر و متنوع‌تر گسترش دهید که آینده جمعی ما به آن بستگی دارد.

<https://cutt.ly/6FQJMoa>

substack

فریدلرستک
سایستک

حالا ما قصد داریم همه آن‌ها را نابود کنیم. اتفاقی که در نخبگان روسیه پس از یک ماه جنگ می‌افتد

از آنجایی که آن‌ها تحریم‌هایی را علیه ما وضع کردند، قرار بود آن‌ها را نابود کنیم. اکنون برای خرید گاز از ما باید روبل در بورس مسکو بخرند. اما این تازه شروع است. حالا ما قصد داریم همه آن‌ها را نابود کنیم.

یکی از مقامات بلندپایه روسیه با اشتیاق به من می‌گوید. او مدت‌ها عضو تیم پوتین بوده، اما به عنوان یک متفکر لیبرال شناخته می‌شود. یک ماه پیش او نگرش دیگری داشت و با کمی ناراحتی گفت که مهمترین چیز این است که خونریزی در اوکراین را متوقف کنیم و سپس بفهمیم که چگونه در واقعیت جدید زندگی کنیم.

طی هفته گذشته، آیو با چندین نفر از نزدیکان پوتین و همچنین با ده‌ها کارمند دولتی در سطوح مختلف صحبت کرده است. من دو هدف داشتم. اول از همه، درک حال و هوای نخبگان روسیه و افراد نزدیک به آن‌ها پس از اعمال تحریم‌های بی‌سابقه علیه روسیه. ثانیاً، برای اینکه بفهمیم آیا کسی در تلاش است تا رئیس‌جمهور پوتین را متقاعد کند که خونریزی را متوقف کند و چرا رومن آبراموویچ نقش دیپلمات را بازی کرد.

به طور خلاصه، می‌توان گفت که در طول یک ماه گذشته، رویای پوتین برای تثبیت نخبگان روسیه محقق شده است. این افراد می‌دانند که زندگی آن‌ها اکنون فقط به روسیه گره خورده است و اینجاست که باید آن را بسازند. بعید است که انعقاد احتمالی یک معاهده صلح روحیه نخبگان روسیه را تغییر دهد. یک منبع نزدیک به کرملین می‌گوید «ما از نقطه بی‌بازگشت عبور کردیم. همه می‌دانند که صلح برقرار خواهد شد، اما این صلح، زندگی قبلی را بر نمی‌گرداند.»

اگرچه روسیه به طور رسمی نه یک جنگ، بلکه یک "عملیات ویژه" انجام می‌دهد، تبلیغات دولتی روسیه با تمام

ظرفیت کار می کنند. کانال‌های دولتی تقریباً منحصراً برنامه‌های خبری مبتنی بر جلسات توجیهی وزارت دفاع و سایر اطلاعات رسمی و همچنین برنامه‌های گفتگوی تبلیغاتی را پخش می کنند. مردم در حال شستشوی مغزی هستند تا باور کنند روسیه با نازی‌هایی که خودشان حمله به دونباس را تدارک دیده بودند می جنگد. برای ایجاد ترس بیشتر، داستان‌هایی درباره آزمایشگاه‌های زیستی اوکراین گفته می شود، جایی که سلاح‌های بیولوژیکی علیه اسلاوها با حمایت ایالات متحده ساخته می شدند.

پوتین خود به صراحت گفته است که مخالفان جنگ را دشمنان روسیه می داند که در راستای منافع کشورهای غربی عمل می کنند. پوتین در ۱۶ مارس گفت کشورهای غربی سعی خواهند کرد روی ستون به اصطلاح پنجم، روی خائن، روی کسانی که در اینجا، در کشور ما پول در می آورند، اما آنجا زندگی می کنند، شرط بندی کنند.» همه این‌ها به دنبال موجی از نارضایتی عمومی از جنگ بود. در روزهای اول، مردم به خیابان‌ها ریختند و نامه‌های سرگشاده و طومارها را امضا کردند، در حالی که هنرمندان، کارگردانان، نویسندگان و شخصیت‌های مشهور ملی در شبکه‌های اجتماعی علیه جنگ صحبت کردند. این خیلی طول نکشید. در عرض یک هفته، مقامات تقریباً تمام رسانه‌های مستقل را مسدود و تعطیل کردند، شهروندان را با قوانین جدید در مورد سانسور نظامی ترساندند، و به اعتراضات خیابانی کوچک‌ترین فرصتی برای تبدیل شدن به اعتراضات توده‌ای ندادند و مردم را در وانت‌های پلیس جمع کردند. طبق گزارش او وی دی اینفو، در دو هفته اول، پلیس ۱۵۰۰۰ نفر را بازداشت کرد.

افرادی که من با آن‌ها مصاحبه کردم یک صدا گفتند که برای بسیاری از شهروندان عادی حداقل تا زمانی که بیکاری افزایش نیافته است، تحریم‌ها و سایر پیامدهای اقتصادی و سیاسی جنگ نتیجه معکوس با آنچه کشورهای غربی ممکن است داشته باشند، داشته است. خروج دسته جمعی برندهای غربی (ایکیا، اپل، زارا، مک دونالد، کارلسبرگ و غیره)، تعلیق کسب و کار، ممنوعیت پروازها، کاهش ارزش روبل، سختی خرید دلار و یورو، همه این‌ها باعث شده بسیاری از روس‌ها فکر کنند که تمام دنیا با آن‌ها مخالف هستند و این باعث می شود رفتار خاصی داشته باشند.

به گفته مرکز افکار عمومی طرفدار کرملین، ۷۴ درصد از مردم روسیه از «عملیات نظامی ویژه» در اوکراین حمایت می کنند، در حالی که سطح اعتماد به پوتین از زمان آغاز عملیات از ۶۷.۲ درصد به ۸۰.۶ درصد افزایش یافته است.

فریدیلی پیشنهادهای اوکراین را به روسیه منتشر کرد که ولادیمیر مدینسکی دستیار رئیس جمهور به مسکو آورد. در حالی که مذاکره-کنندگان اوکراینی با رئیس جمهور خود ارتباط مستقیم دارند، نمایندگان روسی در طول مذاکرات تنها با رئیس اداره ریاست جمهوری، آنتون واینو، ارتباط برقرار می کنند. یک منبع آگاه از جزئیات مذاکرات می گوید، پیشنهادات اوکراینی در سطح کاری با طرف روسی مورد توافق قرار گرفت، اما مسکو ممکن است پیشنهادات متقابل تندی ارائه دهد. وی خاطر نشان می کند که فرصتی برای توقف کامل جنگ و اعلام آتش بس موقت در مذاکرات روز سه شنبه وجود داشت، اما هر دو طرف به امید موفقیت‌های نظامی جدید از آن اجتناب کردند.



Atlantic Council

الیهت کورن
اتلانسیک

چرا غرب نمی‌تواند بپذیرد که اوکراین برنده میدان است؟

هنگامی که در موج ۲۰۰۷ از عراق بازدید کردم، متوجه شدم که آگاهی عموم در واشنگتن معمولاً بین دو تا چهار هفته از دید میدانی عقب می‌ماند؛ چیزی مشابه وضعیت امروزه. تحلیلگران و مفسران با اکراه اعلام کرده‌اند که تهاجم روسیه به اوکراین مسدود شده و جنگ به بن‌بست رسیده است. حقیقت محتمل تر این است که اوکراینی‌ها برنده هستند. پس چرا تحلیلگران غربی نمی‌توانند به این حقیقت اعتراف کنند؟ اکثر دانشمندان حرفه‌ای ارتش روسیه ابتدا پیروزی سریع و قاطع روسیه را پیش‌بینی کردند؛ سپس استدلال کرد که روس‌ها مکث می‌کنند، از اشتباهات خود درس می‌گیرند و تجدید قوا می‌کنند. سپس به این نتیجه رسیدند که اگر روس‌ها از دُکترین خود پیروی می‌کردند، عملاً عملکرد بسیار بهتری داشتند. جنگ تمام نشده است و آمار و ارقام همچنان به نفع روسیه است. شکست تحلیلی آن‌ها تنها یکی از عناصر این جنگ در آینده خواهد بود که ارزش مطالعه دارد.

در عین حال، تحلیلگران کمی از ارتش اوکراین وجود دارند و غرب تمایل دارد پیشرفت حاصل شده اوکراین از سال ۲۰۱۴ تا کنون راه نادیده بگیرد. ارتش اوکراین نه تنها با انگیزه و دارای رهبری خوب است بلکه از نظر تاکتیکی نیز مهارت دارد و پیاده نظام سبک را با سلاح‌های ضد تانک، پهپادها و آتش توپخانه برای شکست مکرر تشکیلات نظامی بسیار بزرگ‌تر روسیه، ادغام کرده است. اوکراینی‌ها از نقاط قوت خود در مناطق شهری دفاع می‌کنند و از بین آن‌ها مانور می‌دهند. عدم تمایل به اعتراف به آنچه در اوکراین روی می‌دهد شاید تا حدی ناشی از حمایتی است که محققان نسبت به موضوع

خود احساس می‌کنند، اما بیشتر از تمایل به تأکید بر فناوری، اعداد و دکتترین ناشی می‌شود. ارتش روسیه از برخی جهات بسیار مغزی باقی می‌ماند و روشن‌فکران به راحتی می‌توانند تفکر تاکتیکی و عملیاتی ظریف را تحسین کنند؛ اما سپاه افسران روسیه امروز، مثل همیشه، ضعیف و فاسد است.

با این حال، بزرگ‌ترین مانع غرب برای پذیرش موفقیت این است که ما در ۲۰ سال گذشته عادت کرده‌ایم که جناح خود را ناکارآمد و بی‌کفایت بدانیم. اکنون زمان آن رسیده است که فراتر بنگریم و تفکر کنیم.

شواهد دال بر پیروزی اوکراین در این جنگ فراوان است، اگر فقط به داده‌های موجود دقت کنیم. عدم پیشرفت روسیه در خط مقدم، شکست تقریباً تمام حملات هوایی روسیه و ناتوانی آن‌ها در نابودی نیروی هوایی اوکراین و سیستم پدافند هوایی و فلج چند هفته‌ای ستون تدارکاتی ۴۰ مایلی در شمال کی‌یف، همگی گواه بر این پیروزی می‌دهند. تلفات روسیه خیره‌کننده است؛ بسته به منبع خبری، بین هفت هزار تا چهارده هزار سرباز کشته شده‌اند.

همچنین این اشتباهات تاکتیکی مکرر قابل مشاهده در ویدیوها را نیز باید در نظر گرفت: وسایل نقلیه انباشته شده در جاده‌ها، عدم پوشش پیاده نظام از جناحین، عدم وجود آتش توپخانه‌ای هماهنگ شده، عدم پشتیبانی بالگردها از بالا، واکنش‌های مضطربانه به کمین‌ها و نسبت تخریب یک به یک وسایل نقلیه تخریب شده؛ تمامی این موارد نشان دهنده ارتشی است که تمایلی به جنگیدن ندارد.

اکثر مفسران دیدگاه بسیار محدودی نسبت به این درگیری دارند و آن را صرفاً بین روسیه و اوکراین معرفی می‌کنند؛ با این حال، مانند بسیاری از جنگ‌ها، این جنگ توسط دو ائتلاف به راه انداخته شده است که عمدتاً و نه منحصراً توسط روسیه و اوکراین صورت می‌گیرد. روس‌ها تعدادی نیروهای کمکی چچنی دارند که هنوز اثربخشی زیادی از خود نشان نداده‌اند. آن‌ها ممکن است تعدادی سوری را جذب کنند و متحدی دو دل در بلاروس پیدا کنند.

اوکراینی‌ها نیز نیروهای کمکی خود را دارند، حدود پانزده هزار داوطلب خارجی، که برخی احتمالاً برای متحدان خود بی‌ارزش یا خطرناک هستند، اما برخی دیگر ارزشمند هستند. مهم‌تر از آن، آن‌ها صنایع نظامی کشورهایی از جمله آمریکا، سوئد، ترکیه و جمهوری چک را پشت سر دارند. هر روز هزاران سلاح پیشرفته وارد اوکراین می‌شوند؛ بهترین موشک‌های ضد تانک و ضد هوایی در جهان، به علاوه پهپادها، تفنگ‌های تک‌تیرانداز، و تمام تجهیزات جنگی. علاوه بر این، باید توجه داشت که آمریکا نه تنها در مورد تمایلات روسیه، بلکه در مورد نیت و عملیات واقعی آن اطلاعات بسیار خوبی داشته است. هیچ مدرکی در دسترس عموم وجود ندارد که روس‌ها بتوانند در مقیاس بزرگ مجدداً تجدیدقوا کنند. اگر اوکراینی‌ها به پیروزی ادامه دهند، ممکن است شاهد فروپاشی بیشتر واحدهای روسی و شاید تسلیم‌ها و فرارهای دسته جمعی باشیم. متأسفانه، ارتش روسیه به طرز دیوانه‌واری تنها کاری را که به خوبی انجام می‌دهد، دو برابر کردن بمباران شهرها و کشتن غیرنظامیان است. ما باید مقدمات محاکمه جنایات جنگی را فراهم کنیم و نام متهمان را همان‌طور که باید در طول جنگ جهانی دوم انجام می‌دادیم، آغاز کنیم.

اقدام نهایی باید با درک این موضوع هدایت شود که پوتین در واقع مرد بسیار بدی است، اما گوشه‌گیر نیست؛ وقتی که می‌خواهد به جاده خاکی بزند، مطمئن می‌شود که همه با خبر شوند. تا آن زمان، طریقه پایان دادن به جنگ با حداقل رنجش‌های انسانی، غلو کردن است.



دیپیک گلکمن
رسانه پی پی

پوتین نمی رود، روسیه سقوط نمی کند،

پس بایدن در مورد اوکراین چه خواهد کرد؟

ناتو می گوید که مرحله نظامی درگیری در اوکراین هنوز به پایان نرسیده است. البته هیچ کس به زلنسکی (رئیس جمهور اوکراین) اجازه صلح نخواهد داد. اوکراین یک سوژه نیست، بلکه یک شی است، بطوریکه رژیم زلنسکی به منزله یک ابزار است. بنابراین، لازم است اهداف دشمن را در نظر گرفت و از دوره مرحله نظامی عملیات برای ادامه تخریب زیرساخت های نظامی اوکراین و در نظر گرفتن مسیر ناتو برای طولانی کردن درگیری استفاده کرد. توصیه می شود که به سمت تخریب تأسیسات صنعتی در سرزمین های اوکراین که خارج از منافع ما هستند، فکر کنیم، به ویژه توجه به آن چیزهایی که اوکراین، به دلایل واضح، قادر به بازبازی آنها نیست. بعدها، چنین فرصت مناسبی ممکن است که پیش نیاید.

جمعیت اوکراین از چهل و پنج میلیون نفر به شصت و سه میلیون نفر تا سال ۲۰۲۰ کاهش یافته است. پنج میلیون نفر دیگر نیز فرار کرده اند. پوتین در ۲۳ فوریه ادعا کرد که غرب قصد دارد اوکراین

را به یک پلت فرم موشکی ناتو با فاصله سیصد مایلی تا مسکو تبدیل کند.

روسیه می‌خواهد اوکراین را مجبور به پذیرش بی‌طرفی بین روسیه و غرب به همراه کنترل روسیه بر استان‌های جنوب شرقی آن کشور کند. این وحشتناک است. اما پوتین چه چیزی را متوقف می‌کند؟ در همین حال، محبوبیت پوتین به میزان هفتاد و هشت درصد بر اساس نظرسنجی‌های مستقل است که تحلیلگران غربی فکر می‌کنند دقیق هستند.

به گفته یک اقتصاددان، ارزش روبل زیاد شده و به همان مقدار قبل از حمله بازگشته است. بایدن اعلام کرد که پوتین «نمی‌تواند در قدرت بماند.» اما چین در گوشه‌ای نشسته و از این نمایش لذت می‌برد و هند نیز حاضر به حمایت از تحریم‌ها علیه روسیه نیست و کالاهای مصرفی روس‌ها را به فروش می‌رساند.

مقام‌های آمریکا می‌توانند درباره جنایت‌های جنگی روسیه فریاد بزنند. من فکر می‌کنم که روسیه سقوط نمی‌کند، و ارتش روسیه اوکراین را تخریب می‌کند.

آخرین خبر: وال استریت ژورنال گزارش می‌دهد:

آقای شولز آخرین فشار را برای توافق بین مسکو و کیف وارد می‌کند. او در ۱۹ فوریه در مونیخ به آقای زلنسکی گفت که اوکراین باید از خواسته‌های خود در ناتو چشم پوشی کند و بی‌طرفی خود را به عنوان بخشی از یک توافق امنیتی گسترده تر اروپا بین غرب و روسیه اعلام کند. این پیمان توسط آقای پوتین و آقای بایدن امضا خواهد شد که به طور مشترک امنیت اوکراین را تضمین می‌کنند.

آقای زلنسکی گفت که نمی‌توان به پوتین برای حفظ چنین توافقی اعتماد کرد و اکثر اوکراینی‌ها خواهان پیوستن به ناتو هستند. پاسخ او مقامات آلمانی درباره از بین رفتن شانس نگران کرد. دستیاران آقای شولز معتقد بودند که آقای پوتین فشار نظامی خود را بر مرزهای اوکراین حفظ خواهد کرد تا اقتصاد این کشور را از بین ببرد و در نهایت به سمت اشغال این کشور برود.

رهبان آمریکا و اروپا یک تماس ویدیویی برگزار کردند. مکرون به آقای بایدن گفت: «من فکر می‌کنم آخرین کسی که هنوز می‌تواند کاری انجام دهد، تو هستی، آیا برای ملاقات با پوتین آماده هستید؟» بایدن موافقت کرد و از آقای مکرون خواست که این پیام را به آقای پوتین منتقل کند.

آقای مکرون شب ۲۰ فوریه را به تناوب با آقای پوتین و آقای بایدن تلفنی گذراند.

این مرد فرانسوی هنوز در ساعت ۳ بامداد به وقت مسکو با آقای پوتین صحبت می‌کرد و در حال مذاکره در مورد بیانیه مطبوعاتی بود که برنامه نشست آمریکا و روسیه را اعلام می‌کرد.

آقای پوتین گفت که تصمیم گرفته است استقلال مناطق تحت محاصره جدایی طلبان در شرق اوکراین را به رسمیت بشناسد. او گفت که فاشیست‌ها قدرت را در کیف به دست گرفته‌اند، در حالی که ناتو به نگرانی‌های امنیتی او پاسخی نداده و در حال برنامه‌ریزی برای استقرار موشک‌های هسته‌ای در اوکراین است.

FOREIGN AFFAIRS

ظریف‌انگیز
سلامت‌دل‌چراغ

بازی خطرناک و طولانی در اوکراین

قبل از ۲۴ فوریه و بحران اوکراین، به دلیل افزایش هزینه‌ی عملیات‌های نظامی روسیه در خاک اوکراین، ایالات متحده با تهدید او به مجازات اقتصادی، به دنبال جلوگیری از حمله پوتین بود. اما تلاش‌های آمریکا برای جلوگیری از تهاجم روسیه به اوکراین با شکست رو به رو شد.

در واکنش به تهاجم پوتین، ایالات متحده همراه با متحدان خود تحریم‌های بی‌سابقه‌ای را علیه روسیه اعمال کردند از جمله مسدود کردن ذخایر بانک مرکزی و ارسال صدها میلیون دلار تجهیزات برای حمایت از ارتش اوکراین. فوریت و ضرورت مقابله با پوتین این سوال را مبهم کرده است که بحران اوکراین چه معنایی برای آمریکا دارد؟ به عبارتی اهداف ایالات متحده چه باید باشد؟

رئیس‌جمهور آمریکا در ورشو گفت: "محض خاطر خدا، پوتین نباید بر سر قدرت بماند." این بازتاب عقیده عمومی است که ایالات متحده باید مجازات پوتین را در اولویت قرار دهد، در غیر این صورت به طور مستقیم برکنار شود (با این حال، کاخ سفید بعداً این سیاست ایالات متحده را رد کرد). ایالات متحده باید مراقب صدای آژیر تغییر رژیم باشد، که در نگاه اول راه حلی عادلانه و موفق به نظر می‌رسد اما تجربه اخیر ایالات متحده در عراق و لیبی نشان می‌دهد که نتایج مطلوبی را به همراه نداشته است.

با ادامه یافتن جنگ، روسیه به نسخه‌ی بزرگ دیگری از کره‌ی شمالی تبدیل می‌گردد و اهداف حیاتی آمریکا به خطر می‌افتد.

در کوتاه مدت، اهداف اصلی ایالات متحده این است که مانع پیروزی پوتین شود، از تشدید درگیری جلوگیری کند و هزینه‌های انسانی و اقتصادی را به حداقل برساند. در درازمدت رفتار روسیه را به گونه‌ای شکل دهد که منافع ژئوپلیتیکی

آمریکا و ثبات بین‌المللی خود را حفظ کند و درگیری‌های منطقه‌ای را در آینده کاهش دهد. بعید است که مقاومت شجاعانه اوکراین، حتی اگر با فشار فزاینده غرب بر مسکو همراه باشد، بتواند بر مزیت‌های نظامی روسیه غلبه کند، چه رسد به برکناری پوتین. بدون توافق با کرملین، نتیجه احتمالاً یک جنگ طولانی و سخت است که در آن روسیه پیروز خواهد شد، خصومت کنونی بین روسیه و غرب را تقویت شده و منجر به تضعیف ثبات منطقه‌ای و جهانی ایالات متحده در بلندمدت می‌شود.

اگر جنگ اوکراین طول بکشد، تحقق اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت ایالات متحده، اگر نگوئیم غیرممکن، بسیار دشوار خواهد بود. صرف نظر از ناخوشایند بودن توافق با پوتین پس از کشتاری که او به راه انداخته، ایالات متحده باید هرچه سریع‌تر به دنبال حل و فصل مناقشات از طریق مذاکره باشد.

پوتین به پیروزی سریعی که می‌خواست نرسید. هدف اولیه او از جنگ مشخص بود: تغییر رژیم با حداقل نیروی نظامی، فرار دولت ولودیمیر زلنسکی، تسلیم سریع ارتش اوکراین و تضمین پیروزی سریع روسیه. پوتین همچنین انتظار داشت دولت‌های اروپایی به روابط اقتصادی خود با روسیه ادامه بدهند و به دنبال شکاف‌هایی که در اتحاد فرآتلانتیک ایجاد می‌شود بتوانند به نفع خود از آن استفاده کنند. که اشتباه پیش بینی کرد

با این حال، عقب نشینی‌های روسیه به معنی شکست آن نیست. به نظر می‌رسد پوتین از تغییر رژیم به استراتژی کاهش هزینه‌ها روی آورده است که تلاش می‌کند زلنسکی را به پذیرش شرایط صلح خود یعنی به رسمیت شناختن مناطق شرقی دونتسک و لووانسک اوکراین وادار کند. ارتش روسیه علیرغم شکست‌هایش می‌تواند در هفته‌ها و ماه‌های آینده، پیروزی را از آن خود کند که بدون شک این یک پیروزی خونین و وحشیانه خواهد بود.

اگر پوتین پس از کارزار طولانی به اهداف و شروط خود برای صلح برسد، شکست استراتژیک بزرگی برای آمریکا خواهد بود. تا زمانی که جنگ بین روسیه و اوکراین ادامه داشته باشد، خطر رویارویی مستقیم بین روسیه و ایالات متحده و متحدانش که روی هم بیش از ۹۰ درصد تسلیحات هسته‌ای جهان را در اختیار دارند، همچنان بالا خواهد بود و منجر به تشدید پیامدهای اقتصادی منطقه‌ای و جهانی و به طور بالقوه باعث ایجاد یک رکود بزرگ جهانی خواهد شد.

به نظر می‌رسد رئیس‌جمهور اوکراین، مایل به پذیرش بی‌طرفی دائمی و عدم پیوستن به ناتو است اما کیف هرگز با شرایط موافقت نخواهد کرد. مسکو بر گسترش اختیارات نیابتی جدایی طلب روسیه در دونتسک و لووانسک، در مقایسه با قبل از جنگ بیشتر پافشاری می‌کند.

آمریکا در صدد منصرف کردن روسیه از تبدیل شدن به یک سرکش بین‌المللی و جلوگیری از دوقطبی جدید می‌باشد. صلح با مذاکره در هفته‌های آتی که امکان کاهش برخی تحریم‌ها را فراهم می‌کند، اولین گام مهم برای تحقق مقاصد ایالات متحده خواهد بود.

اگر کرملین بر این باور باشد که استراتژی ایالات متحده در جهت تغییر رژیم روسیه است، به شدت واکنش نشان خواهد داد. در نتیجه به گفته‌ی کارشناسان، دنبال کردن اهداف کوتاه مدت و بلندمدت (ثبات و صلح در داخل و اطراف اوکراین) ایالات متحده در اوکراین، ملزم به صبوری و خونسردی است که مذاکره اولین گام در مانع پیروزی روسیه و تحقیق اهداف مذکور است.

revolver

بوتلر

جنبش اول آمریکا مشکلی به نام شان هیتی دارد

در سال ۲۰۱۶، دونالد ترامپ نشان داد که یک نامزد جمهوری خواه می تواند بدون سوگند وفاداری به حزب جنگ دائمی نامزد شود و پیروز شود. او در سکوی «اول آمریکا» شرکت کرد و از آن لحظه تقریباً همه سیاستمداران و مفسران جمهوری خواه حداقل به این ایده پرداختند.

اما اکنون، همه اینها به خاطر اوکراین کنار گذاشته می شود. این یک چیز است که ببینیم دمکراتها مشتاقانه به سیاه، وزارت خارجه و پنتاگون می پیوندند و خواستار تشدید دخالت آمریکا در درگیری اوکراین و روسیه هستند. این صفتی از نظر سیاسی کاملاً منطقی است؛ چرا جناح چپ با همان دولت امنیت ملی که همه ارزشهای آن را پذیرفته است و خود را برای هدف قرار دادن دشمنان سیاسی داخلی چپ در سمت راست تغییر داده است، همسو نمی شود؟

با این حال، دیدن قانونگذاران جناح سمت راست که موضع یکسانی دارند، هم گیج کننده و هم رقت انگیز است. رابطه بین دولت امنیت ملی و اکثر قانونگذاران و کارشناسان جمهوری خواه به طور فزاینده ای شبیه رابطه بین یک شوهر آزارگر و همسر کتک خورده اش است.

هنگامی که ولادیمیر زلنسکی، رئیس جمهور اوکراین صبح چهارشنبه در مقابل کنگره آمریکا سخنرانی کرد، جمهوری خواهان قبل و پس از سخن هایش او را تشویق کردند.

زلنسکی در سخنرانی خود خواستار ایجاد منطقه پرواز ممنوع، ارسال جت های جنگنده به اوکراین و حتی تحریم های سخت گیرانه بیشتر علیه روسیه شد. این یک درخواست برای تشدید دراماتیک درگیری به سمت جنگ جهانی سوم بود. و جمهوری خواهان دو بار پیاپی او را تشویق کردند. در حالی که جهان در آستانه هولوکاست هسته ای قرار دارد، جمهوری خواهان رهبری را تشویق کردند که می گوید جنگ جهانی سوم از قبل آغاز شده است.

پس از سخنرانی زلنسکی، جمهوری خواهان ساخارین به روی آنتن رفتند و از بایدن خواستند تا جت های جنگنده را به اوکراین بفرستد.

آمریکا به عنوان یک ابرقدرت جهانی اشتباهات زیادی مرتکب شده است، اما جنگ عراق بدترین آنها بود. این جنگ کاملاً اختیاری، به راحتی قابل اجتناب، از نظر استراتژیک بی ارزش، به طرز وحشتناکی متلف و در دسرساز

بود.

نظرسنجی اخیر مرکز تحقیقات پیو نشان داد که جمهوری خواهان حتی بیشتر از دموکرات‌ها مشتاق حمایت از اوکراین هستند. شاید بتوان گفت آن‌ها در دام هنجیتی افتاده‌اند.

در رأی‌گیری اخیر، تنها تعداد انگشت‌شماری از نمایندگان جمهوری خواه جرأت کردند که با امنیت ملی در مورد تشدید تحریم‌ها علیه روسیه، مخالفت کنند.

شاید این چیزی بیش از یک تصادف ساده باشد. برای جلوگیری از افتادن در دام هنجیتی، باید اراده، شجاعت، هوش و استقلال مالی برای زیر سؤال بردن روایات دولتی امنیتی داشت. البته، توضیحات احتمالی دیگری نیز وجود دارد که چرا بسیاری از به اصطلاح محافظه‌کاران و جمهوری خواهان خود را در دام هنجیتی می‌بینند:

بدبینی سیاسی: اقول جو بایدن یک کیسه بوکس مهیا برای به ثمر رساندن ضربه‌های بی‌ارزش است.

« مالکیت لیب‌ها»: محافظه‌کاران حملات کوتاه مدت به جناح چپ را به یافتن بهترین سیاست برای آمریکا، ترجیح می‌دهند. آمریکایی‌ها تاریخ زیادی نمی‌خوانند؛ بنابراین حتی جمهوری خواهان منتخب هیچ درسی از تاریخ نگرفته‌اند جز اینکه هیتلر یعنی بد و منظور از رهبران خارجی یعنی هیتلر.

برای جمهوری خواهان، طرح سرسختی در مورد اوکراین یا هر مسئله خارجی دیگر مکانیسمی است برای مقابله با این که قدرت دروغین را نشان دهد و (از رأی‌دهندگان و شاید از خودشان) پنهان کنند که چقدر در برابر یک تهدید واقعی، وجودی ناتوان و ضعیف بوده‌اند؛ این یعنی تهاجم فرهنگی بی‌وقفه بر مردم آمریکا.

وقتی خطرات مربوط به حاکمیت اوکراین است، جمهوری خواهان محکم، متحد و حتی متعصب هستند؛ اما هنگامی که خطر، تبدیل تدریجی و صریح رأی‌دهندگان خود به شهروندان درجه پنجم باشد، اتحاد و شور و شوق از بین می‌رود.

در سال ۲۰۲۲ و در آمریکا، درخواست جنگ جهانی سوم برای جمهوری خواهان بسیار آسان‌تر از این است که آن‌ها بخواهند رأی‌دهندگان خود را از خارج جایگزین کنند، در مدارس هدف تبلیغات نفرت نژادی قرار نگیرند، یا به دلیل شرکت در اعتراض اشتباه به زندان رها نشوند.

برای راست‌گرایان، جنگ یک عصای حمایت‌کننده دائمی است؛ راهی برای نادیده گرفتن مسائل واقعی (مسائلی که در آن منافع خود را از دست می‌دهند) و زندگی در یک دنیای خیالی راحت با وضوح اخلاقی آسان و تسلط مطلق آمریکا. درخواست تشدید تحریم‌ها در اروپای شرقی راهی برای جمهوری خواهان است که وقتی کنترل کشور خود را کاملاً از دست داده‌اند، احساس سرسختی کنند. در این روش طعنه‌آمیز تاریک، جمهوری خواهان در واقع چیزی مشترک با اوکراینی‌هایی دارند که می‌خواهند نجات دهند؛ هر دو نسبت به کشوری که در وهله اول کنترلی بر آن ندارند، میهن‌پرست هستند.

حزب جمهوری خواه، فاکس نیوز، و دیگر سنگرهای «محافظه‌کاری» آمریکا هرگز قادر با شایسته این نیستند که آمریکا را دوباره بزرگ کنند و به شکوه برسانند؛ مگر اینکه آن‌ها خود را از دام هنجیتی رها کنند؛ الزامی که هر زمان که واقعاً اهمیت دارد، پشت مجموعه‌ای ناز مسائل نظامی، صنعتی و جهانی گرای پست سر بگذارند.

<https://cutt.ly/XFQX2nL>



ام‌ان‌اس
سپس رکورد

علت حضور غافلگیر کننده زلنسکی در گرمی

رئیس‌جمهور اوکراین در مراسم اهدای جوایز گرمی، با خطاب به سالنی از نیم تنه های پر زرق و برق و کت‌های اورسایز هنری، یک یادآوری ساده داشت. ولودیمیر زلنسکی در پیامی غافلگیرکننده و از ضبط شده که در مراسم دیشب پخش شد، گفت: "موسیقی دانان ما به جای تاکسیدو، زره می‌پوشند." سخنرانی او مملو از عبارات تلنگری بود، اما جمله تاکسیدو بیش از همه خودنمایی کرد. به خاطر حس ضربه خوردن، یا حداقل به چالش کشیده شدن افراد مشهور و فرهنگی که او همچنین از آنها کمک می‌خواست. کنشگری که مورد حمایت هالیوود است اغلب با بدبینی مواجه می‌شود که قابل درک است.

حس چندش و مور مور شدن چهره ها در تمام دنیا از ویدیو "imagine" گال گدوت در اوایل همه‌گیری، هرگز درست نمی‌شود.

یکی از سوالاتی که فصل جوایز گرمی امسال را توصیف می‌کند، چگونه پرداختن به جنگ در اوکراین بوده است:

در ماه مارس، شان پن قول داد که اگر اسکار از زلنسکی برای سخنرانی دعوت نشود، اسکار خودش را نابود خواهد کرد. در حالی که واندا سایکس از مفید بودن چنین فراخوان‌هایی ابراز تردید کرد و گفت: "هالیوود، ما هم ممکنه یکم زیادی خودشیفته شویم."

او یک منظوری داشت. وقتی یک دیکتاتور در حال بمباران ملتی در آن سوی جهان است، آیا لفاظی سلبریتی‌های میلیونر می‌تواند کاری جز متوجه کردن بحث به خودشان انجام دهد؟ گرمی به این سوال پاسخ

مثبت و سردی داد.

خطاب هوشمندانه و قوی زلنسکی، بلافاصله حال و هوای مراسم لاس وگاس را تغییر داد. او با پوشیدن یک تی شرت امضا و صحبت به زبان انگلیسی، ویرانی هایی را که روسیه به بار آورده بود، از جمله جزئیات تلخ کشته شدن ۱۵۳ کودک در جنگ را شرح داد. او بر قدرت صدا تأکید کرد. مرگ چگونه دنیا را از آن می‌رباید و چگونه سخن گفتن می‌تواند جان انسان‌ها را نجات دهد. او در یک سطر سخنرانی گفت: "جنگ به ما اجازه نمی‌دهد انتخاب کنیم چه کسی زنده و چه کسی در سکوت ابدی بماند."

او به موسیقیدانان اوکراینی اشاره کرد که برای مجروحان در بیمارستان‌ها آواز می‌خوانند، حتی برای کسانی که نمی‌توانند صدایشان را بشنوند. "او همچنین از بینندگان خواست که در شبکه‌های اجتماعی و تلویزیون حقیقت را در مورد جنگ بگویند. - یک درخواست پراهمیت، با توجه به اینکه ادعاهای روسیه درباره جنگ دروغ‌هایی حيله‌آمیز است.

خواننده جان لجنند، پس از سخنرانی زلنسکی اجرایی داشت که هم مشارکت او و هم قطعات دکور (پیانو، گروه کر، صحنه تاریک) در ابتدا به طرز نگران‌کننده‌ای آشنا بنظر می‌رسید. پس از فراخوان ویژه زلنسکی، یک تصنیف جمع آوری اعانه دیگر اصلا گزینه مناسبی به نظر نمی‌رسید.

آهنگ او "free" جدید بود و اشعاری در مورد موشک را با نقل قول هایی از کتاب معنوی "برخیز ای موسی" می‌کرد. اصلی تر از همه، هنرمندان اوکراینی واقعی بودند که ادامه اجرا را بدست گرفتند.

سیوزانا ایگلیدان، یک نوازنده متولد اودسا و ساکن دنور، بیانیه‌ای را به سادگی با سازی که می‌نواخت بیان کرد: باندورای عود شکل که زمانی توسط مقامات شوروی در تلاش برای سرکوب سنت‌های عامیانه اوکراین هدف قرار گرفت، اکنون نماد مقاومت این کشور است. خواننده میکا نیوتن به او ملحق شد که خواهرش بنا بر متن روی صفحه در خدمت ارتش اوکراین بود. سپس شاعر لیوبا یاکیمچوک که گفته شد تنها چند روز قبل از اوکراین آمده است، شعری شبیه به دعا را سرود: "مارا برای شهرهای ویران شده ببخش، هرچند دشمنان خود را به خاطر آنها نبخشیم." سخنانش طوفانی بود، اما انتقال او مسئله ای واقعی بود. زیرا او برای محافظت از شوهر، والدین، فرزند و میهن خود عجز می‌کرد.

نمایش در نهایت با فضای ناراحت و اشکآوری تمام شد، یک آبجوی قوی غلیانگر.

که بر جک غفلت زدگی ذاتی رویدادهایی مانند گرمی را سوراخ کرد و حاوی یک فراخوان واقعی برای عمل کردن بود: متن صفحه بینندگان را به وبسایت شهروندان جهانی هدایت کرد تا کمک‌های مالی را برای امداد در اوکراین جمع‌آوری کند. موثرترین پاسخ به شک و تردیدها درباره مناسب بودن وقت از جانب خود زلنسکی بود. او که مشغول تلاش برای نجات کشورش است، به وضوح نیاز استراتژیک به فوریت جهانی مانند جنگ را می‌بیند. علاوه بر این، او می‌داند که کلمات خوش آوا مانند آهنگ‌ها، می‌توانند با متاثر کردن مردم، آنها را تحریک کند. او پرسید "جنگ...چه چیزی بیشتر مخالف موسیقی است؟"

"سکوت شهرهای ویران و مردم کشته شده."

POLITICO

تولش سده چک
پولیکو

روسیه پوتین در حال حاضر در حال فروپاشی است

چرا روسیه سر میز مذاکره است؟ از آنجا که پوتین می‌داند که حتی اگر او کراین را بگیرد و تمام جمعیت آن را مطیع یا تبعید کند، نمی‌تواند در این جنگ پیروز شود. به این دلیل است که روسیه قبلاً یک اقتصاد مرده بود و پوتین این را می‌داند.

هزینه‌های اقتصادی و سیاسی طرد جهانی اقتصاد روسیه را در ماه‌ها سقوط خواهد داد و همچنین ماشین جنگی پوتین را. گام‌های بیشتر مانند خاموش کردن درآمد‌های انرژی پوتین تنها می‌تواند زوال مرد بیمار اروپا را مضاعف کند.

تحریم‌ها به تنهایی پوتین را مجبور به معکوس کردن مسیر در کوتاه مدت نکرده است و قطعاً این کار را نخواهد کرد، زیرا تهدید قحطی یک تروریست را مجبور به تسلیم نمی‌کند. اما تا چند ماه دیگر اوضاع متفاوت خواهد بود. پوتین حتی ممکن است از نظر نظامی شکست نخورد، اما از نظر اقتصادی شکست خواهد خورد. تنها چند ماه باقی مانده است که اقتصاد بیمار روسیه شروع به غوغای مرگ کند.

اولاً، اقتصاد روسیه حتی قبل از جنگ نیز بیمار بود. بر خلاف چین توتالیترا، اقتصاد روسیه مستحکم نیست و ساختار

آن در ۳۰ سال گذشته تغییر چندانی نکرده است. مردم روسیه - بر خلاف سرخ پوستان یا چینی‌ها - هیچ ثروتمندتر نشده‌اند. در مقابل، روسیه استثنایی است که حتی با ثروتمندتر شدن تمام جهان، مردم در آنجا فقیرتر شده‌اند. در کنار الیگارش‌ها، نیمی از جمعیت هم اکنون ۲۵ درصد فقیرتر از سال ۱۹۸۰ هستند.

تهاجم پوتین از نظر مالی بیش از حد اهرم روسیه را به نقطه شکستن وارد کرده است. تأمین مالی این جنگ حتی اگر قرار بود اقتصاد روسیه را شکوفا کند دیگر بعید به نظر می‌رسد. روسیه به سادگی یک دولت ثروتمند نیست که بتواند یک جنگ گران‌قیمت را برای گسترش امپراتوری خود تحمل کند.

ثانیا، فدراسیون روسیه در آستانه دولت صلیب پیش فرض : ورشکستگی توسط واکنش زنجیره ای. دولت به دلیل ذخایر یخ زده اش نمی‌تواند بدهی‌های خود را بپردازد. اگرچه روسیه سطح بدهی پایینی دارد، اما تنها ۱۸ درصد تولید ناخالص داخلی (در مقابل، آمریکا ۱۰۰ درصد، اتحادیه اروپا به طور متوسط ۷۶ درصد و ژاپن بیش از ۲۵۰ درصد) دارد، این مقایسه‌ها گمراه کننده است. یادداشت‌های روسیه بی فایده خواهد بود زیرا هیچ کس قرار نیست به آن پول زیادی قرض دهد و روسیه به پول زیادی نیاز خواهد داشت. حتی چین متزلزل محاسبه خواهد کرد که شانس روسیه برای پیروزی در جنگ اوکراین و عدم فروپاشی اقتصاد روسیه پایین است و به احتمال زیاد بر این اساس عمل خواهد کرد. بنابراین روسیه باید از بخش بانکداری داخلی خود که هم اکنون نیز به دلیل دزدیدن‌های پایدار در بانک‌های روسیه در آستانه سقوط قرار دارد، قرض بگیرد. بانک مرکزی آن در تلاش است تا آنچه را که می‌تواند برای جلوگیری از این سناریو انجام دهد، اما در درازمدت بخش بانکی روسیه نمی‌تواند فشار را حفظ کند. راه حل این است که ملی کردن بانک‌ها، و یا بستن آن‌ها (و بورس) به طوری که مردم قادر به دسترسی به پول خود نباشند یا چاپ پولی که باعث تورم سرسام آور می‌شود. گذشته از این، اژانس‌های رتبه بندی روسیه را به حدی کاهش داده‌اند که هیچ نهاد عاقلی به آن پول قرض نمی‌دهد.

ثانیا، روسیه از ۳۰ سال توسعه اقتصادی عقب نشینی کرده است و تمام دستاوردهای پس از شوروی را از بین برده است. بیشتر شرکت‌های بزرگ غربی روسیه را ترک کرده‌اند و به طور ماهوی شکوه نمادین مک دونالد را که در سال ۱۹۹۰ در میدان پوشکین افتتاح شد، باز کرده‌اند. تا یک ماه پیش اقتصاد روسیه سی و یکمین اقتصاد بزرگ جهان بود. از آغاز جنگ، کل روسیه بزرگ به حدود مقام بیستم سقوط کرده است و اندازه اقتصاد آن در میان سقوط شدید روبل به سطح هلند کاهش یافته است. زنجیره‌های تولیدی و تأمین نیز در حال فروپاشی هستند، بنابراین مغازه‌های بسته ممکن است به زودی به بورس‌های بسته، بانک‌های بسته، و شرکت‌های خارجی بسته اضافه شوند.

در نهایت دولت روسیه بیش از ۴۰ درصد درآمد خود را از بخش انرژی به دست می‌آورد که ۶۰ درصد صادرات روسیه را نیز به خود می‌گیرد. اگر از بخش قابل توجهی از این درآمد محروم شود، فدراسیون روسیه خط دیگری از نکول را تجربه خواهد کرد: ناتوانی در پرداخت حقوق بازنشستگان، کارمندان دولتی، معلمان، و پلیس و به طور بحرانی، تأمین مالی ارتش خود.

با فروریختن زندگی و معیشت خود روس‌ها، رژیم پوتین به احتمال زیاد به دست همان نیروهای مردمی سقوط می‌کند که سه دهه پیش رژیم‌های بلوک شوروی را سرنگون کردند.



کریستین فلوریان
سی‌ان‌ان

پوتین می‌داند که کنترل تاریخ، کلید تمام قدرت است

به گزارش سی‌ان‌ان مانند جنگ‌های قبلی، حمله روسیه به اوکراین نه تنها به زندها بلکه به مرده‌ها نیز رحم نمی‌کند. بطوریکه اگر در اثر حمله شواهد گذشته از جمله ساختارهای فیزیکی نمادین، آرشیهوا و اسناد به طور عمدی یا تصادفی از بین برود، این خطر وجود دارد که ردپای گذشته در تاریخ بطور کلی پاک شود.

میزان تلفات و مکان‌های ویران شده در اوکراین غیرقابل تصور است. این ایده که همین افراد ممکن است بخش‌های غیرقابل جایگزینی از تاریخ خود را از دست بدهند، تنها این تراژدی غیرقابل درک را تشدید می‌کند.

به عنوان یک مورخ، تحقیقات و نوشته‌های من بر تلاش‌های نسل‌های پیشین برای ثبت حال و حفظ آثار گذشته‌شان تکیه دارد. اینکه هر گونه سوابق تاریخی از تاریخ طولانی آشفستگی اروپای شرقی جان سالم به در برده باشد، چیزی جز یک معجزه نمی‌تواند باشد. آرشیهوا بارها از بین رفته‌اند. جنگ کنونی روسیه علیه اوکراین نمونه دیگری از این تاریخ طولانی حمله‌ها و فتوحات است.

با توجه به تاریخ دشواری که این سوابق قبلاً تحمل کرده اند، بررسی تخریب آرشیهو در جنگ فعلی اوکراین بسیار دردناک است. اسناد مربوط به قحطی بزرگ ۱۹۳۲-۱۹۳۳ (هولودومور) را در نظر بگیرید، که در آرشیهو دولتی اوکراین در کیف ذخیره شده است، بطوریکه هم از رژیم

سرکوبگر استالین و هم از آسیب‌ها در جریان محاصره شهر توسط نازی‌ها در طول اولین نبرد کیف در سال ۱۹۴۱ جان سالم به در برده است. این شهر تنها مکانی در سراسر اتحاد جماهیر شوروی سابق است که محققان می‌توانند آزادانه به سوابق سرویس‌های ویژه شوروی (کا گ ب) دسترسی داشته باشند.

همچنین آثاری از گذشته مانند کلیسای جامع پر زرق و برق سنت سوفیا در کیف، که در قرن یازدهم، و در زمان قرون وسطایی کیوان روس، تأسیس شد، بطوریکه هم اوکراین و هم روسیه از آن زمان ریشه‌های خود را به آن ارتباط می‌دهند نیز در خطر هستند.

این بنای تاریخی معماری بیزانسی از تهاجم مغول، انقلاب روسیه و آتش توپخانه و بمباران در جنگ جهانی دوم و سایر بلاهای طبیعی جان سالم به در برد. مصنوعات و سوابقی که در زمان حاضر بسیار زیاد بوده‌اند تا به دست ما رسیده‌اند، یک بار دیگر بدون هیچ ردی ناپدید می‌شوند، به خصوص که اوکراین منابع لازم برای محافظت از آن‌ها در برابر تخریب از طریق فناوری‌هایی مانند دیجیتالی کردن گسترده آرشیوهای تاریخی را ندارد.

سال گذشته، گروه حقوق بین‌الملل معروف مموریال، که فهرستی از زندانیان سیاسی از جمله قربانیان «اتهامات اثبات نشده بر اساس شواهد ساختگی به دلیل وابستگی مذهبی‌شان» را نگه می‌داشت، به‌طور غیر رسمی در روسیه منحل شد. در حالی که این سوابق به صورت فیزیکی از بین نرفتند، اقدامات پوتین به منزله تلاش برای پاک کردن مدارک بسیار رنج‌آور است.

مانند بسیاری از نقاط جهان، اوکراین تاریخ پیچیده داشته است. نسل‌هایی از مردم از قومیت‌های مختلف مانند یهودی، اوکراینی و لهستانی در اوکراین امروزی زندگی کرده‌اند و در تاریخ آن مشارکت داشته‌اند. لهستانی‌ها و اوکراینی‌هایی که ادعای مالکیت زمینی را که هر دو گروه در آن زندگی می‌کردند به چالش می‌کشیدند، در موارد متعدد یکدیگر را سلاخی کردند.

میلیون‌ها اوکراینی، عمدتاً دهقان، در قحطی بزرگ که به دنبال کمپین جمع‌سازی استالین در دهه ۱۹۳۰ به وقوع پیوست، جان خود را از دست دادند. تقریباً صد هزار نفر از اوکراینی‌ها در جنگ جهانی دوم به عنوان داوطلب در ارتش اس‌اس ثبت نام کردند و به آلمان نازی در پاکسازی منطقه از یهودیان کمک کردند.

یکی از مکان‌هایی که این تاریخ پیچیده را به بهترین شکل منعکس می‌کند، باین یار محل کشتار هولوکاست در حومه کیف است، که در اوایل ماه جاری توسط یک موشک روسی که به نظر می‌رسید یک برج تلویزیونی نزدیک را هدف قرار می‌داد، به شدت آسیب دید.

اوکراین مکانی است که جهت حفظ شواهد جنایات گذشته، کارهای قهرمانانه و زندگی روزمره تلاش‌های فوق‌العاده‌ای را می‌طلبد. در این منطقه، دفن گذشته همیشه از نظر سیاسی مصلحت بوده است، همانطور که کندن آن و دستکاری آن به راحتی انجام شده است. هم مردم محلی و هم دولت‌هایی که بر آن‌ها حکومت می‌کردند به شیوه‌های پیچیده‌ای با گذشته درگیر

شده‌اند و تلاش‌های آن‌ها برای پنهان کردن یا آشکار کردن عناصر تاریخ منطقه، ردپای عمیقی در چشم‌انداز فرهنگی و آرشیو اوکراین بر جای گذاشته است. طی چند هفته گذشته بارها به ما گفته شده است که تاریخ، پوتین را به‌خاطر اقداماتش در اوکراین به سختی قضاوت خواهد کرد. تلاش‌هایی برای تخلیه و حفظ میراث فرهنگی و آثار تاریخی در اوکراین در حال انجام است. در لویو، کارگران موزه محلی، داربست‌هایی را در اطراف محراب‌های کلیساهای قرون وسطایی و رنسانس شهر ساخته‌اند. متصدیان شهر کیف همراه با آثار هنری که از حملات موشکی نجات داده‌اند، خود را در زیرزمین‌ها محصور کرده‌اند. در ایوانکیف، مردی به موزه محلی دوید تا آثار هنری را از شعله‌های آتش بیرون بکشد. این ابتکارات یادآور کمپین‌های جنگ جهانی دوم برای نجات آثار هنری اروپایی از نابودی دوران جنگ است، مانند برنامه معروف یادبودها، هنرهای زیبا و آرشیو که به «مردان بنای یادبود» نیز معروف است. این سازمان که در سال ۱۹۴۳ تأسیس شد، تا کنون بیش از پنج میلیون اقلام فرهنگی غارت شده را ردیابی کرده است.

گذشته از این، ابتکارات مردمی کمتر شناخته شده‌ای نیز برای ثبت زندگی روزمره و مستندسازی جنایات علیه غیرنظامیان در اروپای جنگ جهانی دوم وجود داشت. شاید بزرگترین آن‌ها تلاش امانوئل رینگلوم، مورخ یهودی-لهستانی برای مستندسازی زندگی در محله یهودی نشین ورشو با جمع‌آوری خاطرات و اسناد، و مأموریت دادن به دیگر ساکنان گتو برای نوشتن تجربیاتشان بود. این اسناد در داخل قوطی‌های شیر و در زیرزمین‌های سراسر گتوی ورشو مخفی شده بودند، بطوریکه در سال ۱۹۴۶ دوباره کشف شدند.

از بین رفتن اسناد مکتوب ممکن است همیشه واکنش عاطفی مشابهی همانند از دست دادن یک کلیسای زیبای قرون وسطایی یا مجسمه مسیح که قدمت آن به قرن یازدهم بازمی‌گردد، نداشته باشد. هر کسی که تا به حال در یک آرشیو کار کرده است می‌تواند تأیید کند که اسناد داستان‌های قدرتمندی را نه تنها از طریق متن بلکه از طریق احساس، ظاهر و بوی خود روایت می‌کنند. آن‌ها هم شکنندگی زندگی انسان و هم قدرت فوق‌العاده حافظه را به مورخ یادآوری می‌کنند. به همین دلیل است که تخلیه مجموعه‌های آرشیوی از مناطقی که در اوکراین تحت محاصره قرار گرفته‌اند بسیار مهم است. در بسیاری از نقاط، به ویژه در غرب اوکراین، ممکن است برای دیجیتالی کردن مطالب آرشیوی دیر نشده باشد. با این حال، حتی در زمان صلح، بایگانی‌ها در اوکراین منابع کافی نداشتند.

در حالی که نبرد ادامه دارد، ما نمی‌توانیم انتظار داشته باشیم که اوکراینی‌ها به تنهایی و بدون حمایت مالی قابل توجه از خارج، سوابق تاریخی اوکراین را نجات دهند. تلاش آن‌ها واقعاً قهرمانانه است.



فریدالکسیس
سی‌ان‌ان

روسیه بر روی امپراتوری دروغ بنا شده است. این بزرگترین مانع مذاکرات صلح است

برای لحظه‌ای کوتاه در این هفته، به طور مبهم به نظر می‌رسید که ممکن است روسیه حملات وحشیانه خود را در بخش‌هایی از اوکراین کاهش دهد. پس از گفت‌وگوی نمایندگان روسیه با یک هیئت اوکراینی در استانبول ترکیه، معاون وزیر دفاع روسیه اعلام کرد که مسکو نیروهای خود را عقب می‌کشد و فعالیت‌های نظامی را در اطراف شهرهای کیف و چرنیهف به شدت کاهش می‌دهد تا «اعتماد متقابل» تقویت شود.

اما کسانی که به روسیه در زمان رهبر آن ولادیمیر پوتین توجه زیادی داشتند، بهتر از این می‌دانستند که حرف خود را قبول کنند. حتی در شرایطی که قیمت نفت کاهش یافت و بازارهای سهام در واکنش به نشانه‌هایی از پیشرفت بالقوه بالا رفتند، جو بایدن، رئیس‌جمهور آمریکا بدبین بود و گفت: «ما خواهیم دید که آیا آن‌ها آنچه را که پیشنهاد می‌کنند دنبال می‌کنند یا خیر.»

در عرض چند ساعت، گلوله‌ها و موشک‌های روسیه ساختمان‌ها را در چرنیهف و حومه کیف بمباران کردند. ولادیسلاو آتروشکو، شهردار چرنیهف، با توصیف یک حمله عظیم به مردم شهر گفت: «این تایید دیگری است که روسیه همیشه دروغ می‌گوید.»

برای روسیه پوتین جنگی لازم نبود تا جریانی از دروغ و اطلاعات نادرست راه اندازی کند. فریب‌ها از دهه‌ها پیش آغاز شد و هرگز متوقف نشد. جنگ به جهان این امکان را داد که آن را در زمان واقعی مشاهده کند.

چگونه می‌توان با یک همکار که به طور معمول، مکرر و بدون اغماض دروغ می‌گوید، مذاکره کرد؟ چگونه با رژیمی که

سابقه چندین دهه نقض تعهدات بین المللی خود را دارد، مذاکره می کنید؟ از جمله بسیاری از وعده های شکسته شده، یادداشت بوداپست در سال ۱۹۹۴ است، زمانی که روسیه در ازای موافقت اوکراین برای تحویل سلاح های هسته ای که از دوران شوروی در اختیار داشت، متعهد شد به مرزها، حاکمیت و استقلال اوکراین احترام بگذارد. و در توافقنامه "قانون تاسیس" روسیه با ناتو در سال ۱۹۹۷، نه تنها متعهد به دموکراسی و حاکمیت قانون، بلکه از "تهدید یا استفاده از زور... علیه هر کشور دیگری، حاکمیت، تمامیت ارضی یا استقلال سیاسی آن" خودداری خواهد کرد.

اکنون، اطلاعات ایالات متحده مدعی است که پوتین توسط ژنرال های خود در مورد میزان خسارات روسیه همراه شده است. اگر خود پوتین اکنون قربانی اطلاعات نادرست اعضای حلقه درونی خود در این لحظه حساس شده باشد، این یک مورد عالی از عدالت شاعرانه خواهد بود: تمرین کننده پیشرو در زمینه نورپردازی تاکتیکی با گاز در جهان، که بر روی گلدسته خود بلند شده است!

پوتین از همان روزهای اولیه به قدرت رسیدن خود، امپراتوری دروغین را ساخت. پوتین از ریشه های مبهم بمب گذاری های آپارتمانی در مسکو در سال ۱۹۹۹ به عنوان بهانه ای استفاده کرد تا چچن را پودر کند و خود را به عنوان مدافع عضلانی مردم روسیه معرفی کند، درست در زمان پیروزی در اولین انتخابات ریاست جمهوری اش. در طول دو دهه آینده، پوتین ردپای آشکاری از دروغ و فریب را بر جای خواهد گذاشت: مرگ مرموز برجسته ترین رقبای خود؛ مسمومیت های منتقدان؛ اتهامات ساختگی علیه رقبای خود که اکنون زندانی شده اند؛ دخالت در انتخابات در ایالات متحده و سایر دموکراسی ها.

حتی نگران کننده تر، انحصار موفقیت آمیز قدرت پوتین در روسیه، او را به نمادی از قدرتمندان بالقوه در سراسر جهان تبدیل کرد، زیرا پوپولیست هایی با تمایلات استبدادی کمپین های اطلاعات نادرست او را برای جستجو و حفظ قدرت تکرار می کنند. تصادفی نیست که دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق آمریکا، که پوتین را تحسین کرد و همین هفته بار دیگر از او کمک خواست، چهار سال در مقام ریاست جمهوری خود را با دروغگویی به مردم قالب کرد و تقریباً ۱۸ ماه پس از آن هنوز هم درباره شکست در انتخابات ۲۰۲۰ دروغ می گوید.

به شهروندان روسیه گفته می شود که اوکراین در حال توسعه سلاح های بیولوژیکی است، اگرچه ایالات متحده و متحدانش هشدار داده اند که روسیه می تواند از این بهانه برای انجام حملات بیولوژیکی یا شیمیایی خود استفاده کند. روسیه همچنین پیشنهاد کرده است که اوکراین خواهان تسلیحات هسته ای است، حتی اگر کرملین خود پیشنهاد کرده باشد که ممکن است به استفاده از آن ها متوسل شود.

مهم نیست که این جنگ چگونه به پایان می رسد و چگونه می توان خطوط را ترسیم کرد، روسیه همچنان در آن سوی مرز خواهد ایستاد. این واقعیت اوکراین است. روزی پوتین دیگر قدرت را در دست نخواهد داشت. اما در حال حاضر واقعیت این است که این جنگ بر سر میز مذاکره حل نخواهد شد، حتی اگر هر دو طرف در نهایت به توافق برسند.

طرح کلی آن توافق نهایی تا حد زیادی محصول آنچه در میدان نبرد اتفاق می افتد خواهد بود. برای موفقیت در میز مذاکره، اوکراین با کمک غرب باید در کارزار نظامی خود پیروز شود و اهرم کافی به دست آورد که واقعیت غیرقابل انکار ساختگی های پوتین را تحت الشعاع قرار دهد.

Bloomberg

بloomberg
تل تل نیوز

هفت سناریو از بدترین سناریوهای جنگ اوکراین

پیش بینی نتیجه جنگ اوکراین با پاسخ دادن به این هفت پرسش:

۱. آیا روس‌ها موفق به تصرف کیف در عرض دو، سه یا چهار هفته می‌شوند یا

هرگز نمی‌توانند؟

پاسخ "خیر" هست. هرچند این احتمال وجود دارد که کرملین تنها برای مدت کوتاهی برخی نیروهای خود را از مرزهای کیف خارج کرده باشد اما قطعا در برنامه‌های خود تغییراتی ایجاد کرده‌اند. در ۲۵ مارس، ژنرال‌های روسی ادعا کردند که هدف از حملات خود دفع سربازان اوکراینی بوده است و نه اشغال کی‌یف یا خارکف. قصد اصلی روسیه به تحت سلطه درآوردن کامل منطقه دونباس بوده است و همچنان این هدف را دنبال می‌کند. طبیعتا روسیه از آغاز هجوم به اوکراین خسارات سنگینی را متحمل شده است. به هر حال، خواهیم دید که آیا پوتین موفق به محاصره‌ی نیروهای اوکراینی در دونباس می‌شود یا ممکن است به یک "پل زمینی" از روسیه به کریمه، امتداد ساحل دریای آزوف، دست یابد یا خیر. با استناد به جنگ وحشیانه

ماریوپل چیزی که قاطعانه می‌توان گفت این است که نبرد روندی کند و خونین خواهد بود.

۲. آیا تحریم‌ها علیه روسیه چنان رکود اقتصادی شدیدی ایجاد می‌کند که مانع

پیروزی پوتین شود؟

اگرچه محدودیت‌های غرب تأثیر قابل توجه و سختی را بر اقتصاد روسیه داشته، اما من همچنان معتقدم که این تحریم‌ها، روسیه را به اندازه کافی برای پایان دادن به جنگ از پا در نیاورده است. تا زمانی که دولت آلمان تحریم صادرات محموله‌های نفت روسیه را پشت سر می‌گذارد، پوتین به تولید ارز کافی برای حفظ اقتصاد جنگی خود ادامه خواهد داد. بهبود قابل توجه نرخ مبادله روبل در برابر دلار قانع کننده ترین شاهد برای این امر است. به طوری که قبل از درگیری، یک دلار به ارزش ۸۱ روبل بود. نرخ ارز پس از تهاجم به ۱۴۰ رسید اما به دلیل ترکیبی از پرداخت‌های خارجی برای نفت و گاز و همچنین کنترل سرمایه روسیه، این رقم در روز پنجشنبه به ۸۱ بازگشت.

۳. آیا ترکیب بحران نظامی و اقتصادی منجر به کودتای کاخ علیه پوتین می‌شود؟

دولت بایدن تغییر رژیم در مسکو را پیش بینی کرده است. نه تنها دولت آمریکا پوتین را جنایتکار جنگی معرفی کرده بلکه اقداماتی را برای محاکمه مرتکبان روسی به جنایات جنگی در اوکراین آغاز کرده است. اما مقامات ایالات متحده خواستار تغییر دیدگاه بایدن و عقب نشینی اش از این موضع بودند. اما کل بیانات سخنرانی بایدن به کرات به فرو ریختن دیوار برلین و اتحاد جماهیر شوروی اشاره داشت و نبرد جدیدی را پیش بینی می‌کرد "میان دموکراسی و خودکامگی، بین آزادی و سرکوب، بین نظم مبتنی بر قوانین و نظم حاکم با زور وحشیانه." من مطمئنم هدف ایالات متحده (برخی از متحدان اروپایی آن) خلاص شدن از شر پوتین است.

۴. آیا ترس پوتین از خطر سقوط، او را به انجام اقدامات ناشی از ناامیدی مانند

تهدید هسته‌ای سوق می‌دهد؟

به نظر می‌رسد آمریکا بسیار مطمئن است از اینکه تحلیل یافتن نیروهای روس در اوکراین به همراه تحریم‌هایی که بر روسیه اعمال می‌کند، یک بحران سیاسی در مسکو به بار خواهد آورد؛ دقیقاً مانند بحرانی که ۳۱ سال پیش اتحاد جماهیر شوروی را فروپاشونید. در هر صورت، پوتین مانند مستبدان خاورمیانه نیست که در طول جنگ عراق از قدرت کنار برود. او هم اکنون دارای سلاح‌های کشتار جمعی است، از قبیل بزرگترین زرادخانه کلاهک‌های هسته‌ای در جهان، سلاح‌های شیمیایی و بیولوژیکی.

هر چه اوضاع روسیه در جنگ‌های فعلی‌اش بدتر شود، احتمال دارد پوتین به سلاح شیمیایی روی آورد. هدف او از سال ۲۰۱۴ این بوده است که نگذارد اوکراین به یک دموکراسی پایدار غرب گرا تبدیل شود و از ادغام آن در سازمان ناتو و اتحادیه اروپا جلوگیری کند. امروز روسیه هیچ شانسی در جنگ با ناتو نخواهد داشت، به همین دلیل پوتین آماده است که در صورت لشکرکشی غرب به روسیه از سلاح‌های هسته‌ای تاکتیکی استفاده کند.

۵. آیا توجه مردم به جنگ اوکراین تحلیل یافته و افکار عمومی به سوی سایر اخبار و مسائل در جهان کشیده شده است؟

ظاهراً انحرافات افکار عمومی زمانی شروع شد که خبر سیلی زدن ویل اسمیت، به مجری مراسم اسکار در پایگاه‌های خبری جهان منتشر یافت. اگر بخواهم دقیق تر بگویم، در ماه‌های آینده، می‌توان حمایت مردم در کشورهای غربی از آرمان اوکراین را با افزایش قیمت‌های مواد غذایی و سوخت و همچنین از اینکه اوکراین به جای اینکه پیروز شود صرفاً جان سالم بدر می‌برد (در حقیقت اوکراین در صدد شکست نخوردن در جنگ است نه پیروزی) محک زد.

۶. منظور از خسارت‌های جانبی چیست؟

جهان با مشکل جدی تورم و روبه وخیم شدن مواجه است و بانک‌های مرکزی به طور جد پشت این جریان هستند. هرچه جنگ اوکراین بیشتر طول بکشد، خطر رکود تورمی آشکار (تورم بالا بدون رشد اقتصادی یا رشد منفی) افزایش می‌یابد. این مسئله در کشورهایی که برای تامین انرژی، غلات و کود به اوکراین و روسیه وابسته هستند، مشکل و سخت‌تر خواهد بود.

<https://cutt.ly/tFaDplj>

the FEDERALIST

فدرالیست
سومانترا لایبر

تمرکز بر روسیه به جای چین، بزرگ‌ترین اشتباه سیاست خارجی آمریکا خواهد بود

با سپری شدن یک ماه از جنگ اوکراین در بحبوحه مذاکرات صلح احتمالی، یک ارزیابی استراتژیک لازم است. روس‌ها فکر می‌کردند که جنگی آسان و سریع در پیش رو دارند، اوکراینی‌ها به سادگی تسلیم می‌شوند و مردم برای استقبال از روس‌ها به عنوان رها دهندگان، قیام می‌کنند. تصمیم‌گیری استراتژیک روسیه که توسط حباب‌های عقیدتی بدتر شده بود، به اندازه ماجراجویی‌های بریتانیا و آمریکا در عراق و لیبی آزاردهنده بود. فرسایش افسران روسی در این جنگ در سطحی است که به ندرت در هیچ درگیری اخیر مشاهده شده است. روسیه پیش‌بینی نمی‌کرد که تاکتیک‌های قدیمی عملیات اکراین، ماهواره‌های منسوخ شده و پهپادها حرکات آن‌ها را ردیابی می‌کنند. این واقعیت که مسکو این مهم را در برنامه‌های جنگی خود محاسبه نکرده است، نشانه‌ای

از انحطاط است که با آموزش افسران پرافتخار آن در دوران شوروی، فاصله زیادی دارد. بخش اعظم نیروی دریایی و نیروی هوایی روسیه با توجه به شدت درگیری هنوز مورد استفاده قرار نمی‌گیرد و از نظر عملکردی در دسترس نیست و این ظن را پدید می‌آورند که روس‌ها در حال حفظ تسلیحات و سکوهای سطح بالای خود، در صورت تبدیل جنگ به درگیری قاره‌ای هستند. هدف روسیه صرفاً جلوگیری از پیوستن اوکراین، گرجستان و بلاروس به ناتو نیست؛ چرا که قبلاً به این موفقیت رسیده است؛ آن‌ها همچنین توانسته‌اند کل شرق و جنوب اوکراین را قطع کنند. روسیه ممکن است همچنان در جنگ پیروز شود و به بی‌طرفی منطقه‌ای اوکراین دست یابد. اوکراین باید از فرصت استفاده می‌کند تا یک «اعلامیه بی‌طرفی» به سبک اتریشی در دوران جنگ سرد شکل دهد؛ که منجر به بی‌طرف شدن کشور از نظر قانون اساسی می‌شد و می‌توانست از اتحادیه اروپا و ناتو بودجه دریافت کند و شکوفا شود.

پیامدهای بلند مدت

متأسفانه پیامدهای طولانی مدت این جنگ برای غرب نیز تیره و تار است. اگر واقع‌گرایان به جای تمرکز بر منافع محدود و عوام‌گرا، به دفاع از میدان شعاری «ارزش‌ها» ادامه دهند، هر یک از محدودیت‌های محافظه‌کاران و دستاوردهای واقع‌گرایانه در چند سال اخیر با خطر معکوس شدن مواجه می‌شوند.

۷۸ کارشناس، نامه‌ای سرگشاده علیه ایده کاملاً بی‌اهمیت منطقه پرواز ممنوع در یک منطقه جنگی فعال با حضور یک قدرت بزرگ هسته‌ای، نوشتند و ممانعت کردند. یک استراتژی کلان محافظه‌کار واقع‌گرا که بر مرزهای جنوبی آمریکا متمرکز است و از اروپایی‌ها برای پرداخت هزینه دفاع از اروپا مشاجره می‌کند، ابتدا به یک فاضلی واقع‌گرایانه و استراتژی روابط عمومی نیاز دارد. باید منافع عمومی را به زبانی که مردم عادی بفهمند و تقدیر کنند، مورد بحث قرار داد.

جنگ در حال دفن بین‌المللی لیبرال

همان‌طور که «فایننشال تایمز» خاطرنشان کرد، از ۲۴ فوریه، غرب بیش از آنچه در سال‌ها نشان داده، به وحدت رسیده است؛ با این حال بیشتر مردم جهان در حاشیه‌اند و منتظرند ببینند به کدام سمت می‌رود.

جنگ ثابت می‌کند که قدرت‌های بزرگ می‌توانند قدرت‌های بزرگ دیگر را بازدارند و تنها بازیگرانی هستند که اهمیت دارند؛ ملی‌گرایی قوی‌ترین نیروی اجتماعی است که به ارزش‌ها، هنجارها و قوانین برتری دارد؛ بنابراین کاملاً واضح است که جنگ «بین‌المللی‌گرایی لیبرال» را نجات نمی‌دهد و بلکه آن را به گور می‌برد.

دو تا از بزرگ‌ترین قدرت‌های غیر غربی، صرفاً به این دلیل که قدرت‌های بزرگ باید حوزه‌های نفوذ خود را داشته باشند، یا بی‌طرف هستند یا به طور ضمنی از روسیه حمایت می‌کنند. قدرت‌های موازنه کننده در اروپا نیز مخالف بودند که ناتو یک هم‌جنگ باشد.

واقع‌گرایی اصلاً انزواگرایی نیست

واقع‌گرایان سیاست خارجی انگلیسی - آمریکایی صلح‌طلب یا انزواطلب نیستند. آن‌ها به سادگی یک تهدید استراتژیک بزرگ‌تر در چین را در اولویت قرار می‌دهند. احتمال کشاندن یک قدرت بزرگ به جنگ به دلیل اشتباهات احمقانه یا بیش از حد متحدان کوچک‌تر پیرامونی، تهدیدی به مراتب بزرگ‌تر است.

روسیه که از قبل در اوکراین گرفتار شده، یک تهدید سلطه‌گر قابل مقایسه با آلمان نازی نیست. جمعیت کل اتحادیه اروپا حدود ۴۵۰ میلیون نفر است که بیشتر از آمریکا (۳۳۹ میلیون) و بسیار بیشتر از روسیه (۱۴۴ میلیون) است. تولید ناخالص داخلی اتحادیه اروپا نیز کمتر از روسیه است و تنها چهار بودجه دفاعی اروپا در مجموع بزرگ‌تر از روسیه است؛ با این حال، به جای یک محور واقعی مادی به آسیا، آمریکا در حال حاضر بیش از صد هزار سرباز در اروپا مستقر کرده است.

در سطح جهانی، بزرگ‌ترین رقیب آینده چین است. آن‌ها چیزی بیش از این که آمریکا به اروپا کشیده شود، ترجیح نمی‌دهند. در آخر، هدف آمریکا نباید طولانی کردن جنگ، بلکه تمرکز بر چین به عنوان یک تهدید در حال افزایش باشد. بی‌طرفی اوکراین این موضوع را برای همیشه حل می‌کرد؛ اما روسیه قبلاً به دلیل جنگ به آغوش چینی‌ها رانده شده است.

تمرکز اعتقادی بر بخشی از درگیری در گوشه و کنار اروپای شرقی برای تضمین تداوم یک انقلاب لیبرال دموکراتیک، اساساً استراتژی کلان آمریکا را که از لحاظ تاریخی سعی در تجزیه روسیه و چین داشت، تضعیف می‌کند. در نهایت، سوق دادن روسیه به سمت چین، می‌تواند بزرگ‌ترین اشتباه تاریخی ما باشد.

<https://cutt.ly/UFQVlfj>

Vox

چین کربلای
ولکس

چه راه حل دیپلماتیکی ممکن است به جنگ در اوکراین پایان دهد؟

جنگ در اوکراین پنج هفته است که ادامه دارد. تقریباً برای مدت طولانی، مقامات روسیه و اوکراین در تلاش برای مذاکره بودند. در روزهای آغازین جنگ، مذاکرات پیشرفت چندانی نداشت. به نظر می‌رسد اوکراین خواستار آتش بس فوری و خروج نیروهای روسی است. روسیه اما ایده‌های کاملاً متفاوتی داشت. برخی از خواسته‌های تهاجمی را مطرح کرد. از جمله بی‌طرفی اوکراین و عدم عضویت در سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو). به اصطلاح غیرنظامی‌سازی و نازی‌زدایی؛ حفاظت از زبان روسی در اوکراین؛ و اینکه اوکراین کریمه را به عنوان بخشی از روسیه به رسمیت می‌شناسد و استقلال دونتسک و لوهانسک را به رسمیت می‌شناسد، دو منطقه در شرق اوکراین که ولادیمیر پوتین در آستانه تهاجم همه‌جانبه خود استقلال آن‌ها را اعلام کرده بود. در روزهای اخیر بارقه‌هایی از خوش بینی ظاهر شده است. اوکراین پیشنهادهای جدی ارائه کرده است که حول محور تعهد به بی‌طرفی دائمی و توافقی مبنی بر عدم عضویت در ناتو در ازای تضمین‌های امنیتی است. همچنین گزارش شده است که روسیه در مورد برخی از خواسته‌های قبلی خود، از جمله نازی‌سازی، یک نیرنگ احتمالی برای تغییر رژیم و غیرنظامی کردن، که نشانه این است که موفقیت‌های اوکراین در میدان نبرد تاکنون، کرملین را وادار کرده است تا احتمالاً در برخی از حداکثری‌ترین خواسته‌های خود تجدید نظر کند، کوتاهی کرده است.

اما این‌ها در واقع فقط زوزه‌هایی از پیشرفت هستند و ممکن است چندان دوام نداشته باشند. روسیه، این هفته، قول داد به نام اعتماد متقابل، فعالیت‌های نظامی در اطراف کیف و چرنیهف را به شدت کاهش دهد، هرچند گزارش‌ها از گلوله باران کردن در آن مناطق حکایت داشت. برخی، از جمله مقامات ایالات متحده و ناتو، ابراز تردید کرده‌اند که مسکو صادق است و در عوض از گفتگوها برای خرید زمان استفاده می‌کند، بنابراین می‌تواند تهاجم خود را مجدداً سازماندهی کند و به طور بالقوه بر مناطقی در شرق و جنوب اوکراین متمرکز شود. از آن زمان، روسیه و اوکراین، جدیت مذاکرات را کم‌اهمیت جلوه داده‌اند، حتی با وجود از سرگیری مذاکرات در روز جمعه.

و شکاف‌های بزرگ باقی می‌ماند. شاید حل‌نشده‌ترین مشکل آینده شبه جزیره کریمه باشد که روسیه در سال ۲۰۱۴ آن را ضمیمه کرد و دونتسک و لوهانسک که روسیه و شبه نظامیان تحت حمایت روسیه بخش‌هایی از آن را کنترل می‌کنند. بعید است که مقامات اوکراین با تجزیه شدن کشورشان موافقت کنند.

چشم‌انداز یک توافق صلح سریع بین اوکراین و روسیه بعید است. شاید بهترین حالت کوتاه مدت این باشد که هر دو طرف آتش بسی را که شامل چارچوبی برای توافق است میانجیگری کنند و سپس جزئیات را در طول زمان بررسی کنند. اما جنگ ادامه دارد. یک اوکراین بی طرف احتمالاً در هر توافق صلح محوری خواهد بود. به طور کلی، این احتمالاً به این معنی است که اوکراین باید با باقی ماندن یک قدرت غیرهسته‌ای موافقت کند، جاه‌طلبی‌های خود برای پیوستن به ناتو را کنار بگذارد و از هرگونه تأسیسات یا نیروهای ناتو در خاک خود صرف نظر کند، در ازای نوعی تضمین‌های امنیتی. اوکراین اعلام کرده است که این موضوع را به همه پرسى می‌کشد، که در آن پیشنهاد تغییر قانون اساسی برای حذف هر گونه آرزوی ناتو و پذیرش وضعیت بی طرفی دائمی می‌شود.

هم اوکراین و هم روسیه ممکن است چیزی دلپذیر در این ایده پیدا کنند. ولادیمیر زلنسکی، رئیس‌جمهور اوکراین قبلاً ادعان کرده بود که اوکراین در واقع به ناتو نمی‌پیوندد، اما در حال حاضر اوکراین به داشتن حق عضویت در اتحادیه اروپا متعهد است. روسیه نگرانی‌های امنیتی مشروعی در مورد حضور ناتو در مرزهای خود دارد، بنابراین اوکراین از نظر نظامی بی طرف نیز ممکن است چیزی باشد که روسیه می‌تواند آن را بپذیرد، اگر دور نگه داشتن ناتو از اوکراین و دور از مرزهای روسیه، نتیجه‌ای است که پوتین می‌تواند در داخل کشور آن را توجیه کند. دیمیتری اسکوف، سخنگوی کرملین پیشتر گفته بود که توافق برای اوکراین بی طرف می‌تواند نوعی مصالحه باشد.

اما این به جزئیات بستگی دارد. اوکراین متعهد به بی طرفی پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی شد. هر یک از نوسانات آن از بی طرفی معمولاً در پاسخ به تهدیدات یا تجاوز روسیه بود. پس از اینکه روسیه کریمه را ضمیمه کرد و به شرق اوکراین حمله کرد، اوکراین به طور رسمی وضعیت بی طرف خود را در سال ۲۰۱۴ کنار گذاشت.

غرب تحریم‌های بی سابقه‌ای را علیه روسیه اعمال کرده است و احتمالاً این درد به مرور زمان بیشتر خواهد شد. ایالات متحده نشان داده است که مایل است از اوکراین در مذاکرات خود حمایت کند، اما هر چه این جنگ طولانی تر شود، کاهش تحریم‌ها نیز ممکن است امری ضروری علیه روسیه باشد.

اما هر معامله‌ای حداقل تا حدی بر اساس آنچه در میدان جنگ اتفاق می‌افتد شکل خواهد گرفت. و روسیه جنگ علیه اوکراین را متوقف نکرده است اما پیروز هم نشده است.

اقتصاد جهانی بعد از جنگ اوکراین

Forbes

مقیاس آبرو و کرسی طلوع

فرهنگ

تاجر میلیاردر کن گریفین در بین دسته‌ای از قوهای سیاه حرکت می‌کند

کن گریفین متفکرانه به دیواری از پنجره‌ها در طبقه دهم یک ساختمان اداری میدتاون منهتن خیره شده است، یکی از سه مکان در شهر نیویورک که توسط صندوق سرمایه گذاری ۴۷ میلیارد دلاری وی، سیتادل، مستقر در شیکاگو، اشغال شده است. اوایل مارس است. یورش مکانیزه ولادیمیر پوتین به اوکراین متوقف شده است. او اکنون تهدیدهای پنهانی در مورد حملات هسته‌ای می‌کند. از نقطه نظر گریفین هیچ ابر قارچی در افق وجود ندارد، اما چشم انداز برای سرمایه‌گذار عمیقانگران کننده است.

شاخص اس اند پی ۵۰۰ تا به امروز ۱۲ درصد کاهش یافته است. سهام اروپا نزدیک به ۱۸ درصد کاهش یافتند. قیمت نفت در حال افزایش است. این هجوم اخبار بد در سال ۲۰۲۱ برای سیتادل (صندوق سرمایه گذاری چندملیتی آمریکایی) داغ می‌شود، سالی که صندوق تأمین ۲۶ درصد افزایش یافت و گریفین شخصاً ۲.۵ میلیارد دلار درآمد داشت. او اکنون ۲۷.۲ میلیارد دلار سرمایه دارد، اما چیزهای بزرگتر از اندازه ثروت شخصی خود در ذهن دارد.

او می گوید ادامه آشکار شدن این فاجعه در اوکراین یک خطای عظیم غیراجباری بشر است. با نگاهی به گذشته، شاید این ایده خوبی برای اوکراین نبود که در دهه ۱۹۹۰ از توصیه های آمریکا استفاده می کرد و تسلیحات هسته ای خود را پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به روسیه بازگرداند. با بیدار شدن مجدد کشورهای ناتو نسبت به تهدید وجودی روسیه، گریفین به دینفعان آشکار تسلیح مجدد، یعنی سهام دفاعی و انرژی اشاره می کند که در حال حاضر در سطوح بالا معامله می شوند. اما این تفکر کوتاه مدت است. در دراز مدت، گریفین می بیند که دسته ای از قوهای سیاه در حال ظهور هستند. او پیش بینی می کند که شدت و ماهیت تحریم هایی که غرب علیه روسیه اعمال کرده است، تأثیر طولانی مدتی بر نظام مالی جهانی مبتنی بر دلار خواهد داشت. او می گوید که حرکات بی سابقه قدرت های غربی برای جلوگیری از دسترسی روسیه به بازارهای سرمایه، منادی سلاح سازی دلار است.

عواقب جدی خواهد داشت، به طوری که روسیه، چین و دیگران هیچ گزینه ای جز تنوع بخشیدن به دلار نمی بینند. دلارزدایی توسط بلوک تجاری چین، روسیه، ایران و برزیل می تواند به راحتی به حذف شرکت ها و سرمایه گذاران آمریکایی از بازارهای با رشد سریع تبدیل شود. آیا ما بذره های دوران برتری تکنولوژیک آمریکا را کاشته ایم؟ گریفین می پرسد. ارزش گوش دادن به او را دارد. گریفین مردی با تصویر بزرگ است که سابقه او در وال استریت تقریباً بی نظیر است. او در ۳۱ سال گذشته تنها دو سال افت داشته است و سرمایه گذارانش به طور متوسط سالانه ۱۹ درصد درآمد داشته اند. آنچه باعث این بازده ها شده است، مطالعه دقیق او از روندهای کلان و موقعیت منحصر به فرد قدرتمند او در یکی از نقاط تکیه گاه مالی جهانی است. سیتادل سکیوریتیز، دیگر تجارت گریفین، یکی از بزرگترین بازارسازان آمریکا است. وقتی صحبت از سهام به میان می آید، این شرکت بیش از ۲۵ درصد از کل معاملات ایالات متحده، ۴۰ درصد از معاملات خرده فروشی و بیش از ۳۰ درصد از حجم گزینه های سهام را به خود اختصاص می دهد. گریفین از ریاضیدانان و دانشمندان باهوشی استفاده می کند که از فناوری های پیشرفته، یادگیری ماشینی و هوش مصنوعی برای تجزیه و تحلیل حجم عظیمی از داده ها در زمان واقعی استفاده می کنند. در نتیجه، سیتادل سکیوریتیز در حال گسترش به بازارهای جدید است و سریعتر از صندوق تامین گریفین رشد می کند.

گریفین معتقد است تورم، بانک های مرکزی جهان را مجبور می کند تا نرخ های بهره را با شدت بیشتری کاهش دهند. این نوید خوبی برای اروپا نیست، جایی که افزایش بی سابقه قیمت برق و گاز طبیعی (به بیش از ۱۰ برابر قیمت ایالات متحده) در حال حاضر مانع از تولید مواد شیمیایی و کودهای مشتق شده از گاز شده است.

برای گریفین گیج کننده است که آمریکا با وجود منابع طبیعی فراوان، از نظر نفتی خود کفا نیست. او می گوید که این نوعی تورم است که توسط تصمیمات سیاسی ما در واشنگتن تحمیل شده است. ما از داشتن چنین مخازن عمیق انرژی در آمریکا، مانند ترکیبی از سوخت های فسیلی، نفت، گاز طبیعی و وسعت بزرگ کشورمان برای بهره مندی از خورشید و باد، خوشبختیم. این برای کشور ما با همه مزیت های تکنولوژیکی و زمین شناسی که برای انرژی به هر کشور دیگری وابسته است، کاملاً غیر قابل قبول است.

گریفین می گوید شما به سلسله مراتب نیاز دارید، به ساختار رهبری نیاز دارید، به تصمیم گیری روشن و خطوط روشن قدرت نیاز دارید. فرهنگ جوایز مشارکت، رهبرانی را که برای اداره کشورمان در تجارت یا سیاست نیاز داریم، ایجاد نمی کند.

<https://cutt.ly/3FQVU0K>

Bloomberg

محمدالطریان
بازارهای مالی

جنگ اوکراین مهاجرت سرمایه گذاران به بازارهای خصوصی را تسریع می کند

بسیاری از تفسیرها در مورد پیامدهای جنگ اوکراین برای صنعت مدیریت سرمایه گذاری، به ویژه در بحث سرریزها برای بخش های مختلف، فوری و محدود هستند. با این حال، با کوچک نمایی، برخی از پیامدهای بلندمدت برای بازارهای دولتی و خصوصی آشکارتر می شوند.

این جنگ شش تحول مهم سکولار را تشدید و تسریع می کند که پیش از حمله اولین نیروهای روسی به اوکراین در حال وقوع بودند. در واقع، در آستانه تهاجم:

۱. تورم قبلا یک مشکل بود؛ فدرال رزرو قبلا پشت منحنی قرار داشت؛ در حال از دست دادن کنترل سیاست پولی بود؛ و روزهای تزریق انبوه نقدینگی رو به پایان بود.
۲. با وجود بسیاری از گزینه های سیاستی که عملا توسط واکنش عظیم به همه گیری تمام شده است، احتمال رکود تورمی برای اقتصاد جهانی از قبل یک خطر بود. و در سوی دیگر توزیع احتمال نتایج بالقوه، سناریوی صعودی رشد بالا و تورم گذرا رو به کاهش بود.
۳. تنش های پایدار چین و ایالات متحده، همراه با سیاسی شدن و سلاحی شدن تحریم های تجاری در دوران دولت ترامپ به عنوان یک باد مخالف برای تداوم جهانی سازی و آزادسازی تعاملات فرامرزی اقتصادی و مالی عمل کردند.
۴. نیاز به تشدید نبرد با تغییرات آب و هوایی و همچنین درک پیچیدگی های مسائل انتقالی، از جمله جایگزینی

منظم سوخت-های فسیلی، ضروری بود.

۵. چین و برخی از کشورهای دیگر به دنبال راه‌های بیشتری برای ایجاد لوله‌های بزرگتر در اطراف هسته اصلی نظم پولی بین-المللی تحت سلطه غرب بودند.

۶. شرکت‌ها تحت فشار مجموعه گسترده‌تری از دینفغان، تحت فشار قرار گرفتند تا مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود را جدی‌تر بپذیرند، از جمله شروع به خود تحریمی بیشتر از فعالیت‌های مضر. جنگ علاوه بر تسریع و تشدید این تحولات، دامنه تعاملات آن‌ها را نیز افزایش داده است و جهان نتایج بالقوه را نه تنها بسیار گسترده‌تر، بلکه بیشتر به مسیر وابسته می‌کند.

از قضا، پیچیدگی نتایج بالقوه یک پیامد بسیار ساده برای صنعت مدیریت سرمایه‌گذاری دارد: مهاجرت بزرگتر از بازارهای عمومی به بازارهای خصوصی مانند سهام خصوصی، سرمایه ریسک‌پذیر، اعتبار خصوصی و دارایی‌های واقعی.

عوامل در اینجا بسیار فراتر از این طنز هستند که، در بازارهای عمومی با بازده اوراق قرضه که هنوز سرکوب شده و اطمینان از بازده واقعی منفی قابل توجهی از وجه نقد وجود دارد، علی‌رغم بدتر شدن چشم‌انداز بنیادهای اقتصادی و شرکتی، سهام دارایی منتخب باقی می‌ماند. در واقع، بسیاری از ماهیت "دارایی‌های بدون ریسک"، و همبستگی‌های آرامش‌بخش مرتبط با آن‌ها، فرسایش یافته است.

بازارهای خصوصی پتانسیل انعطاف‌پذیری را ارائه می‌دهند که در این دنیای نامطمئن‌تر مورد نیاز است. این شامل طیف گسترده‌تری از تکنیک‌های سرمایه‌گذاری، دامنه انعطاف‌پذیری ساختاری است که همراه با وثیقه بازاربایی صریح و ساختار هوشمند، قیمت‌گذاری مناسب‌تر نقدینگی، و توانایی ساختاری بیشتر برای ماندن در تجارت در دوره‌های نوسان ناپایدار است.

افزایش تقاضا برای بازارهای خصوصی باید با انتخاب‌های گسترده‌تر و بهتری که توسط صنعت ارائه می‌شود برآورده شود. شرکت‌های مدیریت سرمایه‌گذاری باید درجه بیشتری از تنوع شناختی، ذهنیت چند رشته‌ای بیشتر، جایگاه جهانی‌تر (از جمله در کشورهای در حال توسعه بیشتر)، و حضور محلی خوب و قابلیت‌های اجرایی قوی‌تر را روی میز بیاورند. صلاحیت‌های قانونی بسیار مهم‌تر خواهد بود، و همچنین زیرساخت‌های انطباق برای هدایت دنیایی از تحریم‌های اولیه و ثانویه بالون اهمیت خواهند داشت.

در دنیایی که در آن تزیق‌های نقدینگی عظیم سرمایه‌گذاران را در برابر هرگونه باد مخالف محافظت می‌کرد، بازارهای عمومی پتانسیل قابل توجهی را ارائه می‌کردند، به ویژه زمانی که اهرمی برای آن‌ها وجود داشت. در همین حال، شکست در ماتریس همبستگی سنتی برای سهام و اوراق قرضه، همراه با سرکوب نوسانات، تنها روند صعودی را افزایش داد.

تهاجم روسیه به اوکراین دور شدن از این جهان را سرعت می‌بخشد، روندی که از قبل آغاز شده بود. به طور فزاینده‌ای سرمایه‌گذاران باید تخصیص‌های بزرگتری را به بازارهای خصوصی در نظر بگیرند هم برای به حداکثر رساندن بازده و هم برای جلوگیری از خطرات. و صنعت باید هم در ارائه و هم در مدیریت خود را تطبیق دهد.

UnHerd

آن‌هرده
ژورنالیستی

اقدام به تحریم روسیه می‌تواند غرب را سرنگون کند

غرب به دنبال ایالات متحده، با اعمال یک دسته تحریم‌های "فلج‌کننده" به حمله روسیه واکنش نشان داده است. به گفته وزیر دارایی فرانسه، این یک "جنگ اقتصادی و مالی تمام عیار" است که هدف آن فروپاشی اقتصاد روسیه است. با این حال به نظر بسیاری از تحریم‌های کنونی محدودیت‌های تکراری هستند که در گذشته علیه چندین کشور به کار رفته‌اند. تعدادی از آنها از جمله ممنوعیت صادرات و مسدود کردن دارایی‌های خاص، از زمان الحاق کریمه در سال ۲۰۱۴ بر روسیه اعمال شده است.

بحث برانگیزترین جنبه این تحریم‌های جدید بدون شک مسدود کردن ذخایر طلا و ارز خارجی روسیه (حدود نیمی از کل ذخایر آن) است، ولی حتی این هم بی‌سابقه نیست؛ سال گذشته ایالات متحده ذخایر خارجی در اختیار بانک مرکزی افغانستان را به منظور جلوگیری از دسترسی طالبان به وجوه آن مسدود کرد. ایالات متحده همچنین قبلاً ذخایر ارزی ایران، سوریه و ونزوئلا را مسدود کرده است.

با این حال هرگز قبلاً این همه تحریم به طور همزمان اعمال نشده بود؛ در حال حاضر ۶۰۰۰ تحریم مختلف علیه روسیه اعمال شده است که بیشتر از تحریم‌های موجود علیه ایران، سوریه و کره شمالی است. هیچ یک از اهداف تحریمی قبلی

به اندازه روسیه، یکی از اعضای گروه ۲۰ و بزرگترین قدرت هسته ای جهان، ابدانقدر قدرتمند نبودند. کارشناسان غربی چندان تردید ندارند که تحریم ها اقتصاد روسیه را تحت تأثیر قرار می دهد، نارضایتی را در بین مردم و نخبگان روسیه به طور یکسان ایجاد می کند و احتمالاً حتی باعث سقوط رژیم پوتین می شود. اما تاریخ چیز دیگری می گوید، عراق یا اخیراً ایران را ببینید؛ بیشتر بنظر می آید این جدیدترین اشتباه محاسباتی استراتژیک غرب در فهرست بلند بالای اشتباهات استراتژیک باشد که خروج بدنام از افغانستان تنها نمونه اخیر آن است.

از این گذشته، روسیه مدت زیادی است که برای این لحظه آماده شده است. پس از موج اول تحریم های غرب در سال ۲۰۱۴ و تا حدی در تلافی علیه آنها، پوتین راهبردی را آغاز کرد که تحلیلگران آن را استراتژی "دژ روسیه" نامیدند؛ جمع ذخایر بین المللی کشور و تنوع بخشیدن به آنها به دور از دلار آمریکا و پوند انگلیس، تقویت همکاری اقتصادی با چین و دنبال کردن استراتژی های جایگزینی واردات در چندین صنعت از جمله غذا، دارو و فناوری، در تلاش برای مصون نگه داشتن روسیه از شوک های خارجی تا حد امکان از جمله این اقدامات است.

ظاهراً اینها و دیگر اقدامات روسیه دارند نتیجه می دهند؛ در حالی که روبل از زمان شروع درگیری حدود ۴۰ درصد ارزش خود را دارد، به نظر می رسد سقوط آزاد پول روسیه فعلاً متوقف شده است، حتی طی دو هفته گذشته افزایش یافته است. در حال حاضر، حساب مالی روسیه (اختلاف بین پولی که در داخل و خارج از کشور جریان دارد) فاجعه آمیز نیست. فراموش نکنیم که منبع اصلی ذخایر ارزی روسیه یعنی صادرات نفت و گاز، به دلایل واضح از تحریم ها مستثنی شده است. برای اکثر کشورهای اروپایی، روسیه بخش عظیمی از واردات نفت و گاز و سایر کالاهای اصلی آنها را به خود اختصاص داده است و به همین سادگی هیچ راهی برای جایگزینی آن منابع انرژی در عرض یک یا دو روز وجود ندارد.

خلاصه و مفید، هیچ خطری برای تمام شدن ذخایر و ناتوانی در پرداخت هزینه واردات روسیه را تهدید نمی کند. اما حتی با فرض اینکه غرب تصمیم گرفته یک شبه تمام واردات خود از روسیه را متوقف کند، دلیلی ندارد که خیال کنیم این امر ماشین نظامی روسیه را متوقف خواهد کرد. همانطور که نخست وزیر فنلاند اخیراً اعلام کرد، این تصور که "ما جنگ روسیه را با خرید گاز و نفت تامین مالی می کنیم" اساساً غلط است.

با تلاش های موفقیت آمیز دولت روسیه برای تقویت تولیدات کشاورزی داخلی، حتی اگر درآمدهای صادراتی آن به شدت کاهش یابد که بعید است، این کشور بر خلاف سایر نقاط جهان گرسنه نمی ماند و به احتمال زیاد می تواند به تأمین مالی تلاش های جنگی خود ادامه دهد.

چین در حمایت از روسیه بسیار آشکار بوده است. پکن در حال حاضر شریک تجاری اصلی کرملین است و به تنهایی می تواند مقادیر زیادی انرژی و کالاهای روسیه را جذب و همچنین اساساً هر کالای صنعتی و مصرفی را که روسیه در حال حاضر از غرب وارد می کند، در اختیار روسیه قرار دهد.

پیش از این گفتیم که حداقل در کوتاه مدت، ایالات متحده از درگیری در اوکراین سود خواهد برد. اما در دراز مدت، به آرامی آشکار می شود که نظم جهانی غرب به رهبری ایالات متحده آسیب خواهد دید. در این شبهه جنگ سرد جدید، کشورهای "غیر متعهد" می توانند دریابند که نسبت به امپراتوری جهانی آمریکا در موقعیت بهتری برای اثبات حاکمیت خود هستند. "فروپاشی اقتصاد روسیه را بیخیال شوید" این ممکنه نتیجه جنگ اقتصادی جدید غرب باشد.

AG AMERICAN GREATNESS

امریکن گریٹنس
رائزنگ ایمپائل

تجارت «سیاست واقعی» برای یک نمایش عروسکی

همانطور که هارولد ویلسون نخست وزیر بریتانیا گفته است، در سیاست یک هفته زمان زیادی است. جو بایدن بیچاره با این حرف بدون شک موافق است. حدوداً همین یک هفته پیش، در ۲۶ مارس بود که گفت: ”در نتیجه تحریم‌های بی سابقه ما، روبل تقریباً بلافاصله به رابل تبدیل شد.“ (بازی با کلمات_ رابل: خرد و خاکشیر)

واحد پول روسیه با افت شدیدی روبرو شد. اما تقریباً بلافاصله پس از آن بهبود یافت. چرا؟

من فکر می‌کنم توضیح بهتر این است که پوتین قبلاً این بازی را کرده است، پس کم و بیش در حمله به اوکراین می‌دانست چه انتظاری داشته باشد. مطبوعات غربی مملو از داستان‌های غم‌انگیز درباره این است که چگونه مستر کارت و ویزا هنگام اعلام تحریم بایدن از انجام تراکنش‌های خود دست کشیدند بود. اما این بار پوتین آماده بود. او قبلاً سیستم پرداخت کارت خود را پیاده سازی کرده بود. طنز ماجرا اینجاست که «بانک مرکزی روسیه به جای دریافت هزینه‌های ویزا و مستر کارت، ۸.۲ میلیارد روبل سود خالص یا حدود ۹۴ میلیون دلار به نرخ ارز فعلی جمع‌آوری کرد. روسیه در واقع از تحریم‌های ویزا و مستر کارت سود برد. ”پیامدهای ناخواسته“

من و بسیاری از مفسران دیگر قبلاً خاطرنشان کرده‌ایم که ”تحریم‌های روسیه“ احتمالاً به اندازه تحریم‌شدگان به

تحریم‌کنندگان آسیب می‌زند. این را در نظر بگیرید: گروه‌هایی از ملت‌ها مدت‌هاست که به دنبال جایگزین‌های دلاری هستند. این تحریم‌های اخیر صرفاً سرعت را افزایش داده است. جهان دیگر دلار را یک بستر پولی قابل اعتماد نخواهد دید. و بله، دنیا پر است از مردم و کشورهایی که دولت ایالات متحده آنها را نابکار می‌داند. آیا دنیا زمان کافی برای تحریم کردن همه آنها دارد؟ بیل کریستول حسابی سرش شلوغ خواهد بود. جان میرشایمر، مفسر سیاست خارجی "واقع‌گرا" در یک سخنرانی در سال ۲۰۱۵، توضیح داد که چرا فکر می‌کند ویرانی آشکار در اوکراین در درجه اول تقصیر غرب است.

او می‌گوید: "بحث من این است که غرب، به ویژه ایالات متحده، مسئول اصلی این فاجعه است. اما هیچ سیاستگذار امریکایی و تقریباً هیچکس در تشکیلات سیاست خارجی آمریکا نمی‌خواهد این را تصدیق کند و می‌گویند که روس‌ها مسئول هستند." اما نکته اصلی او است که منافع واقعی آمریکا چیست؟

میرشایمر استدلال می‌کند: "ما اولاً باید از اروپا خارج شویم تا با چین مثل لیزر تا کنیم." افرادی در سطوح بالا هستند که ممکن است با این نظر موافق باشند. اما به یاد دارید زمانی را که دونالد ترامپ گفت اینکه آمریکا با روسیه خوب باشد، یک چیز خوب است، نه بد؟ این نکته دوم میرشایمر است: "ما باید برای ایجاد روابط دوستانه با روس‌ها اضافه‌کاری کنیم." روس‌ها بخشی از تعادل ائتلاف ما علیه چین هستند. اگر در جهانی زندگی می‌کنید که در آن سه قدرت بزرگ وجود دارد (چین، روسیه، و ایالات متحده) و یکی از آن قدرت‌های بزرگ یعنی چین رقیب است و شما ایالات متحده هستید، باید روسیه در سمت شما باشد. در عوض، کاری که ما با سیاست‌های احمقانه خود در اروپای شرقی انجام داده‌ایم، راندن روس‌ها به آغوش چینی‌ها است.

این من را به برخی از نظرات جیمز ریکاردز، تحلیلگر مالی در مورد دروغ پراکنی از روایات رسمی در زمان جنگ می‌رساند: حمله روسیه به اوکراین بی‌دلیل بود، حمله برق‌آسا سه روزه پوتین در کیف شکست خورد، نیروهای روسی گرفتار شده‌اند و سربازان دلاور اوکراینی با کمک تسلیحات ناتو در حال دفاع قدرتمند هستند و زمین‌های از دست رفته را باز پس می‌گیرند. ریکاردز، مانند میرشایمر، تفسیر متفاوتی ارائه می‌دهد. به گفته وی، "داستان واقعی" این است که "تهاجم روسیه نتیجه نهایی ۱۴ سال تحریک غرب است، از جمله اعلامیه‌های مکرر مبنی بر پیوستن اوکراین به ناتو و کودتا تحت حمایت ایالات متحده در سال ۲۰۱۴ که رئیس‌جمهور سابق روسیه را آواره کرد.

اما زلنسکی "چرچیل جدید" چطور؟ ریکاردز اذعان می‌کند که جنبه مثبت آن است که او موفق شد خود را به عنوان یک رهبر قدرتمند در زمان جنگ معرفی کند و در مقابل پوتین بزرگ و بد ایستادگی کند. او کاریز ماتیک، مبارز و نابغه روابط عمومی است. جای تعجب نیست که کنگره ایالات متحده او را مورد تشویق قرار داد. اما شخصیت پیچیده‌ای دارد. همانطور که ریکاردز خاطر نشان می‌کند، زلنسکی یک الیگارش فاسد است که میلیون‌ها دلار پنهان شده در خارج از ساحل است. علاوه بر این، غیرنظامیان بی‌گناه از جمله زنان و کودکان، تحت رهبری شکست خورده او و ناتوانی در کنار آمدن با پوتین قبل از شروع تهاجم، جان خود را از دست می‌دهند. لپ کلام، زلنسکی روی حمایت بایدن و غرب شرط بست و شکست خورد. ریکاردز خاطر نشان می‌کند که تحریم‌ها جنگ را هرگز متوقف نمی‌کند. در نهایت بیشترین آسیب را به شهروندان و مصرف‌کنندگان روزمره خواهند رساند.

این پایان پیش‌بینی بیل کریستول یا فرانسیس فوکویاما نیست. در نهایت "بهترین غافلگیری، نبودن هیچ غافلگیری است."

<https://cutt.ly/XFaS9Hw>

نقد سیاست‌های حکمرانی دولت بایدن



طالک کوه
فکتس فیروز

بایدن قبل از اینکه طوفان به دموکراتها برسد، باید روی این ۵ موضوع متمرکز شود

وقتی رئیس‌جمهور آمریکا در موقعیتی قرار می‌گیرد که باید با یک ظالم شرور در اتفاقات روسیه مقابله کند، شرایط و افکار عمومی به نفع رئیس‌جمهور است اما جوییدن با کاهش تعداد موافقت‌ها مواجه است. سیاست‌های پرزیدنت بایدن نتوانست کشور را جمع کند. او با ناتوانی در دور شدن از سیاست‌های چپ‌گرایانه در مواجهه با تورم بالاتر، افزایش جرم و جنایت شهری و تعداد بی‌سابقه مهاجران غیرقانونی جدید در مرز جنوبی بر مشکلات خود و دموکرات‌ها اضافه کرد.

اولین موردی که در لیست تغییر وضعیت امروز قرار دارد معطوف به سیاست انرژی این دولت است. زمانی که بایدن وارد قدرت شد، قیمت بنزین پایین بود. اما اکنون میانگین ملی آن بیش از چهار دلار در هر گالن است و در برخی ایالت‌ها و مناطق بسیار بالاتر است.

تورم موضوع شماره یک است که باعث کاهش اقبال و توجه به رئیس‌جمهور می‌شود، با این حال واکنش دولت بیشتر معطوف به مقصر دانستن شرکت‌های بزرگ، متهم کردن شرکت‌های نفتی به سودجویی و پیشنهاد مالیات بر ثروتمندان بوده است. در همین حال، رئیس‌جمهور خط لوله کیستون را لغو کرد، صدور مجوزهای جدید نفت و گاز فدرال را متوقف کرد و پرسنلی که با صنعت انرژی مخالف هستند را برای مدیریت این شرایط منصوب کرد. رئیس‌جمهور باید سیاست دولت خود را مجدداً متعادل کند تا افق منابع جدید انرژی را گسترش

دهد و در عین حال استقلال انرژی آمریکا را تقویت کند.

مورد بعدی در لیست تغییر، مربوط به مسئله مهاجرت است. این مورد قرار بود توسط معاون رئیس جمهور کامالا هریس، که قول داده بود به دلایل اصلی مهاجرت برسد، اداره شود. او نه به آن دلایل ریشه‌ای رسیده است و نه از اندازه مشکل کاسته است. اما آنچه که قرار بود یک سیاست انسانی‌تر باشد، در عوض تبدیل به یک مرز باز شده است. تعداد مهاجرانی که از مرزهای جنوبی سرازیر می‌شوند اکنون به دو میلیون نفر نزدیک شده است. رای دهندگان در جنوب تگزاس علیه دموکرات‌ها روی آورده‌اند. عموم مردم در حمایت از افزایش مهاجرت قانونی و دادن مسیری برای شهروندی به دیگران ثابت قدم بوده‌اند اما آن‌ها همچنین خواهان اجرای سختگیرانه سیاست مرزی هستند.

جرم و جنایت در شهرهای بزرگ نیز در حال افزایش است. دادستان‌های منطقه‌ای مترقی و قوانین سست‌شده وثیقه، مقصر سرگردانی مجرمان در خیابان‌ها هستند. از دهه ۱۹۹۰ تاکنون جرم و جنایت به یک موضوع ملی تبدیل نشده بود و دموکرات‌ها قوانین بیشتری برای اسلحه ارائه می‌دادند که البته این برای جلب نظر رأی دهندگان کافی نیست. با افزایش جرم و جنایت در شهرهای بزرگ، جنبش «کاهش بودجه پلیس» به شدت رشد کرده است. مردم از قضات می‌خواهند که اختیارات روشنی برای زندانی کردن مجرمان جرایم خشونت آمیز داشته باشند و خواهان افزایش بودجه پلیس هستند. سناتور بایدن تمام تلاش خود را برای جلوگیری از افزایش نرخ جرم و جنایت در دهه ۹۰ انجام داد، زیرا با رئیس جمهور بیل کلینتون برای تصویب لایحه جنایت کار می‌کرد، ۱۰۰ هزار پلیس جدید را تحت فشار قرار داد و گلوله‌های قاتل پلیس را ممنوع کرد. امروز، او می‌تواند یک لایحه دوحزبی ضد جنایت تهیه کند که به استانداردهای سخت پلیس نیاز دارد.

در حومه شهرها والدین خواستار کنترل بیشتر آموزش فرزندان‌شان هستند چون در طول همه گیری کرونا، فرزندان‌شان عمدتاً در خانه تحصیلات اندک یا بدون آموزش دریافت کرده‌اند. پیروزی گلن یونکین در ویرجینیا تا حد زیادی نشانه این شورش والدین در حومه شهر بود. اگر دولت بایدن انحصاراً با اتحادیه معلمان به جای والدین کنار بیاید، مهمترین گروه نوسانی را که در دوران دولت ترامپ برنده شد، از دست خواهد داد.

در سیاست خارجی هم شاهدیم که بایدن پس از خروج فاجعه بار از افغانستان حالا باید با بحران جنگ اوکراین دست و پنجه نرم می‌کند. در ابتدا بایدن در نظرسنجی‌ها، رتبه خوبی داشت، اما با بدتر شدن بحران، محبوبیت او در سیاست خارجی به ۳۵ درصد کاهش یافت. گاف او برای تغییر رژیم پوتین تنها نگرانی رای دهندگان در مورد توانایی او برای حکومت کردن تقویت کرد. بایدن باید هواپیماهای جت درخواستی و تسلیحات پیشرفته را بدون تاخیر به اوکراین بفرستد، در غیر این صورت، خسارت به اوکراین ضرر زیادی برای بایدن به همراه خواهد داشت. بایدن این فرصت را داشته و دارد که به مرکز حرکت کند و توجه کافی رای دهندگان حومه شهر و مستقل را به حزب بازگرداند. او تاکنون سیاست‌های چپ‌گرایانه خود را دوچندان کرده است. در نتیجه، گردبادی به سمت حزب دموکرات در حال حرکت است و شش ماه پس از شروع کاهش چشمگیر محبوبیت بایدن، اوضاع تقریباً در همه موارد بدتر شده است.



ایرپهرل
واشنگتن اکزیمینر

تولیدکنندگان انرژی باعث افزایش قیمت گاز نمی‌شوند

خانواده‌ها تحت تاثیر تورم سرسام آور و بالاترین قیمت بنزین در تاریخ هستند. چگونه به اینجا رسیدیم؟ پاسخ ساده است: انتخاب سیاست ضعیف توسط دولت بایدن.

من تعجب نکردم که جن ساکي، سخنگوی کاخ سفید را دیدم که تلاش می‌کند این انتخاب‌های سیاسی را با سرزنش تولیدکنندگان انرژی سرپوش بگذارد. او نکاتی را که اکنون در میان لیبرال‌های واشنگتن فراگیر شده است، گفت که شرکت‌های انرژی بیش از ۹۰۰۰ مجوز استفاده‌نشده برای حفاری نفت و گاز در زمین‌های فدرال دارند و بنابراین نیازی به کمک دولت بایدن ندارند. این ممکن است گمراه کننده‌ترین آماری باشد که در واشنگتن منتشر شده است، از زمانی که به مردم گفته شد لایحه «بازسازی بهتر از قبل» هزینه صفر دلاری برای مالیات دهندگان دارد.

ادعای ۹۰۰۰ مجوز استفاده نشده در چندین جبهه گمراه کننده است. اولاً، اداره مدیریت زمین هزاران مجوز دیگر را که برای استفاده از مجوزهای قبلاً تأیید شده لازم است تأیید نمی‌کند. عملیات نفت و گاز بسیار پیچیده و فنی است و برای شروع تولید یک پروژه اغلب به چندین مجوز تأیید شده نیاز دارد. قانون

فدرال مستلزم تایید مجوز در زمین‌های فدرال ظرف ۳۰ روز پس از ارسال است. با این حال، در دولت بایدن، برخی از مجوزها بیش از یک سال است که در وزارت کشور از بین رفته است.

عدم فروش اجاره جدید باعث شده است که برخی از مجوزهای تایید شده نیز بی فایده باشند. با توجه به ماهیت تکه تکه نحوه اجاره زمین و نیاز به حفاری افقی برای بهره برداری از منابع، گاهی اوقات برای زمین‌های مجاور اجاره نامه‌های موجود نیاز است تا استخراج ارزشمند باشد. برای به دست آوردن این زمین، تولیدکنندگان آن را برای دفتر آمایش سرزمین شناسایی می‌کنند تا در فروش اجاره بعدی، که معمولاً هر سه ماه یکبار اتفاق می‌افتد، قرار دهند. با گذشت یک سال از این دولت، هنوز یک فروش اجاره‌ای در زمین‌های فدرال وجود نداشته است، و مجوزهایی را که به زمین اضافی نیاز دارند بی‌ارزش می‌کند.

گروه‌های محیط زیست نیز از سیستم دادگاه فدرال به عنوان سلاحی علیه تولید انرژی داخلی استفاده می‌کنند. گروه‌هایی مانند نگهبانان وایلدارس (سازمان غیرانتفاعی زیست‌محیطی مردمی) از دفتر آمایش سرزمین شکایت کرده‌اند و گفته‌اند که تأثیرات آب‌وهوایی را به عنوان بخشی از فرآیند اجاره خود به درستی در نظر نمی‌گیرد. اگرچه دادگاه‌ها اعتبار چندین مورد از اجاره‌نامه‌های مورد بحث را تایید کرده‌اند، دولت بایدن همچنان از تایید مجوز برای آن‌ها خودداری می‌کند.

به همین دلیل است که قانون امنیت و شفافیت انرژی آمریکا را معرفی کردم. این قانون با الزام دفتر آمایش سرزمین به از سرگیری فروش اجاره بلافاصله در ایالت‌های تحت پوشش قانون لیزینگ معدنی، از جمله ایالت من در نیومکزیکو، به مقابله با بحران انرژی ما کمک می‌کند. علاوه بر این، دفتر آمایش سرزمین را ملزم می‌کند که فروش اجاره جایگزین را برای جبران پنج فروش از دست رفته از زمان روی کار آمدن جو بایدن، انجام دهد.

این لایحه همچنین از وزارت کشور می‌خواهد که تعداد مجوزهایی را که در هر دفتر آمایش سرزمینی در سراسر کشور منتظر تایید هستند، به کنگره گزارش دهد. این گزارش باید شامل شرح مفصلی از دلیل ارسال مجوزهای خاص به واشنگتن دی سی برای تایید به جای پیروی از رویه عادی تایید در سطح محلی باشد. این تضمین می‌کند که دامنه کامل مجوزهای عقب افتاده شفاف می‌شود.

در نهایت، لایحه من دفتر آمایش سرزمین را ملزم می‌کند که روند عادی تایید مجوزهای اجاره نامه‌هایی را که اعتبار آن‌ها توسط دادگاه فدرال تایید شده است، ادامه دهد. این امر صدها مجوز را در سراسر کشور آزاد می‌کند و تقریباً بلافاصله امکان تولید بیشتر را فراهم می‌کند.

قیمت‌های بسیار بالای بنزین امروز یک انتخاب سیاسی بود، نه یک حادثه اجتناب ناپذیر. مهم نیست که مقامات کاخ سفید و لیبرال‌های کنگره چقدر آمار گمراه‌کننده را به سمت مردم پرتاب می‌کنند، مقصر هزینه‌های بالای انرژی بر عهده آن‌هاست. زمان معکوس کردن سیاست‌های شکست خورده آن‌ها فرا رسیده است و قانون امنیت انرژی و شفافیت آمریکا اولین گام بزرگ برای پایان دادن به این بحران و بازگرداندن استقلال انرژی است.

RealClear Education

وبسایت واقعیت
وبسایت تحلیل و پیش‌بینی

قوانین جدید بایدن می‌تواند منشورها را کاهش دهد

ماه گذشته، دولت بایدن مقررات جدیدی را در مورد برنامه مدارس منشور فدرال اعلام کرد. سی اس پی (سیاست امنیت موضوعی) برای ارائه یک منبع مالی برای مدارس منشور برای گسترش دسترسی دانش آموزان به گزینه های مدارس با کیفیت بالا و همچنین کمک به مدارس در تامین تسهیلات طراحی شده است. مقررات ظاهراً برای ایجاد نظارت بهتر طراحی شده است. اما آنها تا حد زیادی مبتنی بر بحث‌های ناهنجار درباره منشور هستند و تأثیری ترسناک بر یکی از مهم‌ترین گزینه‌های آموزشی برای خانواده‌ها در سراسر ایالات متحده خواهند داشت.

چندین جنبه نگران کننده در مقررات جدید وجود دارد. یکی از نگران کننده‌ترین موارد این است که منشورها برای تأمین بودجه بر اساس اینکه آیا در مناطقی هستند که دانش آموزان اضافی در مدارس سنتی و محلی قرار دارند، ارزیابی می‌شوند. این ماده یک سوء تفاهم اساسی از هدف مدارس منشور را نشان می‌دهد. مدارس منشور بسیار بیشتر از یک دریچه سرریز برای نیازهای مازاد ظرفیت یک منطقه مدرسه هستند. آنها قصد دارند با رهایی از قوانین موجود که مانع نوآوری می‌شود، رقابت را برای مدارس موجود ارائه دهند. تنها با ارائه این رقابت است که منشورهای می‌توانند برای بهبود عملکرد منطقه تلاش کنند، زیرا مدارس سنتی برای بهبود انگیزه خواهند داشت.

یکی دیگر از مقررات مشکل ساز مربوط به این الزام است که مدارس منشور ثابت کنند که به دانش آموزان با پیشینه های مختلف خدمت می کنند. به نظر می رسد که مدارس منشور، طرحی مفصل برای بازگرداندن جیم کرو در آمریکای مدرن دارند، اما هیچ مدرکی برای حمایت از این ادعا وجود ندارد. در حالی که مدارس منشور همیشه همان توازن نژادی مدارس دولتی معمولی را نشان نمی دهند، این دقیقاً به این دلیل است که منشور در جوامعی با دانش آموزان در معرض خطر وجود دارد. طبق داده های اخیر، مدارس منشور نسبت به کل جمعیت به درصد بیشتری از آمریکایی های آفریقایی تبار (۲۴.۹٪) و اسپانیایی ها (۳۵.۲٪) خدمات می دهند.

مسائل دیگری نیز وجود دارد. منشورها به شدت تشویق می شوند تا با مدارس دولتی محلی در مناطقی که در بسیاری از موارد، شرکای ناخواسته هستند، مشارکت کنند. منشورها همچنین ملزم به ارائه گزارش های گسترده در مورد کالاها و خدماتی هستند که از نهادهای انتفاعی خریداری می کنند. این مقررات چیزی بیش از مشغله های بوروکراتیک نیست و تهدید می کند که زمان و منابع را از آموزش دانش آموزان می گیرد.

بیباید به مثالی نگاه کنیم که چگونه قوانین جدید دولت بایدن تأثیر منفی بر دانشجویان دارد. در دهه گذشته، ویسکانسین بیش از ۹۵ میلیون دلار از سی اس پی برای حمایت از منشورهای با کیفیت بالا در این ایالت دریافت کرده است که بخش قابل توجهی از آن به چارترهای میلوکی اختصاص یافته است. و در حالی که مدارس دولتی سنتی میلوکی همچنان به شکست نسلی از دانش آموزان عمدتاً اقلیت ادامه می دهند، تا حدی به لطف این بودجه، منشورهای شهرها چراغی از امید را ارائه کرده اند. به عنوان مثال، آخرین آزمون دولتی میزان مهارت در هنرهای ریاضی و زبان را زیر ۲۰ درصد در سطح منطقه نشان داد. با این حال، مدارس منشور محلی به طور مستمر از همتایان خود در این آزمون بهتر عمل کرده اند، و تمرکز آن ها بر تامین نیازهای خاص جوامع خود به ثمر نشسته است.

یکی از این منشورها توسط مدافع حقوق مدنی و سرپرست سابق مدارس دولتی میلوکی، هوارد فولر، تأسیس شد. این مدرسه از سال ۲۰۱۲ دارای نرخ پذیرش ۱۰۰ درصدی برای جمعیتی از دانش آموزان عمدتاً کم درآمد در داخل شهر بوده است. طبق مقررات بایدن، به دلیل کاهش جمعیت میلوکی ها و جمعیت دانش آموزانی که در آن ها خدمت می کنند، مدرسه ای مانند فولر احتمالاً واجد شرایط دریافت کمک هزینه نیستند. بنابراین، مدارس منشور در میلوکی نمونه کاملی از مشکلات این تغییرات نظارتی را ارائه می دهند.

باراک اوباما، رئیس جمهور سابق، از طرفداران بزرگ منشورها بود، که از نزدیک شاهد موفقیت آن ها در شیکاگو بود. اوباما در اولین مبارزات انتخاباتی خود متعهد شد که حمایت فدرال از مدارس منشور را دو برابر کند تا بتوان تعداد بیشتری را ایجاد کرد. در حالی که او کاملاً به این هدف نرسید، بودجه برنامه دوره جورج دبلیو بوش را به میزان قابل توجهی افزایش داد. با این حال، حمایت از مدارس منشور عمدتاً در میان دموکرات های ملی در دوره بایدن به یک تحقیر تبدیل شده است. برای درک دلیل این موضوع، نیازی به بررسی پرونده های مالی کمپین نیست. از آنجایی که مدارس دولتی سنتی رقابتی را ارائه می کنند، اکنون مدارس منشور در میان اعضای اتحادیه های مدارس دولتی به عنوان بخشی از دستور کار گسترده تر انتخاب مدرسه هستند. اما از آنجایی که حمایت مردمی از انتخاب مدرسه در سراسر کشور همچنان قوی است، مخالفان مدارس منشور ممکن است به زودی متوجه شوند که انتخاب اتحادیه به جای خانواده های کم درآمد اشتباه بوده است.



استفان کریج
پنچن مکینا

شما باور نخواهید کرد که دولت بایدن چه کسی را مقصر بحران مرزی می‌داند (این ترامپ نیست)

به گفته ران کلین، رئیس دفتر جو بایدن، رئیس جمهور آمریکا، بحران مرزی تقصیر کنگره است که به دولت بایدن منابع بیشتری نمی‌دهد.

با حضور در برنامه این هفته شبکه ای بی سی در روز یکشنبه، کلین - به گفته برخی منابع، قدرت واقعی پشت تاج و تخت - به مجری جورج استفانو پولوس اعتراف کرد که "ما باید در مرز کار بیشتری انجام دهیم" و به بینندگان یادآور شد که رئیس جمهور یک طرح مهاجرتی به کنگره در اولین روز ریاست جمهوری خود ارسال کرده است. کلین گفت که ما به طور مداوم منابع بیشتری را درخواست کرده‌ایم.

آیا کاخ سفید فراموش کرده است که حزب خودشان هنوز مسئول کنگره است؟ یا اینکه امروز بازی سرزنش، تمرین لباسی برای سال آینده است، زمانی که جمهوری خواهان احتمالاً این کار را خواهند کرد؟ یا آیا این دولت بدبخت فقط در برابر بحرانی که خودش ایجاد کرده است شکست می‌خورد؟ از میان همه بحران‌های مختلفی که بایدن در روز اول به ارث برد، مرز یکی از آن‌ها نبود. در مارس سال گذشته، تنها دو ماه پس از روی کار آمدن بایدن، سزارت امنیت میهن ایالات متحده آمریکا گزارش داد که عبور غیرقانونی از مرزها در حال رسیدن به بالاترین سطح خود در دو دهه اخیر است. در آن زمان، کاخ سفید ادعا کرد که این افزایش عظیم صرفاً یک رویداد فصلی است و چیزی در اینجا قابل مشاهده نیست.

اما لورا ریس، محقق امنیت داخلی بنیاد هریتیج، داستان متفاوتی را به دیلی سیگنال گفت:

«اگر به اعداد و ارقام نگاه کنید، مطمئناً این یک جریان فصلی نیست که در حال حاضر شاهد آن هستیم. به عنوان

مثال، ۶۹۰۰۰ بیگانه غیرقانونی در نوامبر ۲۰۲۰ دستگیر شدند، اما فقط در فوریه سال جاری بیش از ۱۰۰۰۰۰ نفر دستگیر شدند. و انتظار می رود این رقم برای مارس به بیش از ۱۲۰۰۰۰ افزایش یابد.»

به گفته فدراسیون اصلاحات مهاجرتی آمریکا سال ۲۰۲۱ به طور کلی بدتر بود:

در طول سال مالی ۲۰۲۱، گمرک و حفاظت مرزی ایالات متحده آمریکا با ۱.۷۴ میلیون بیگانه غیرقانونی روبرو شد که تقریباً ۳۸۰ درصد از ۴۵۸۰۸۸ نفر در سال مالی ۲۰۲۰ بیشتر است. در طول سه ماه آخر دونالد ترامپ به عنوان رئیس جمهور، نگرانی‌ها در حدود ۷۵۰۰۰ نفر در ماه قبل از آن که بلافاصله پس از روی کار آمدن بایدن افزایش یافت، نسبتاً ثابت ماند. با این حال، در دو ماه اول ریاست جمهوری بایدن، نگرانی‌ها بیش از ۱۲۰ درصد افزایش یافت. وقتی تعداد دستگیری‌ها ۱۲۰ درصد افزایش می‌یابد اما عبور غیرقانونی ۳۸۰ درصد افزایش می‌یابد، این افزایش دستگیری جای افتخار ندارد.

به گزارش فاکس نیوز، مطابق با نظرسنجی‌های مختلف، بایدن با ۳۷ درصد موافقت و ۵۸ درصد مخالفت مدیریت بحران مرزی داشت.

با همانطور که فدراسیون اصلاحات مهاجرتی آمریکا نتیجه گیری کرد، در جهانی که با فراحی‌زی مشخص شده است، تقریباً قابل توجه است که دولت بایدن موفق شده است کاری را به قدری ضعیف انجام دهد که اکنون اکثریت قریب به اتفاق آمریکایی‌ها علیه او در این موضوع متحد شده‌اند.

پس چه اتفاقی افتاد؟

درست مانند جنگ روز اول بایدن در مورد تولید انرژی داخلی، بایدن یک جنگ روز اول را علیه کنترل‌های معقول مهاجرت ایجاد کرد.

یکی از اولین اقدامات بایدن در مقام ریاست جمهوری، تعلیق (و بعداً برای همیشه لغو) سیاست موفقیت آمیز مانند در مکزیک رئیس جمهور دونالد ترامپ، که پناهجویان را ملزم می‌کرد تا زمانی که درخواست‌های مهاجرتی آنها بررسی می‌شد، در مکزیک بمانند، بود. در همان زمان، بایدن دستور پایان فوری ساخت دیوار مرزی را صادر کرد.

ماه آینده، بایدن به عنوان ۴۲ پایان می‌دهد، که در حال حاضر امکان حذف سریع بیگانگان غیرقانونی مثبت برای کووید را فراهم می‌کند. سی ان ان هفته گذشته گزارش داد که سناتورهای دموکرات به طور فزاینده‌ای نسبت به برنامه دولت‌ها برای لغو محدودیت‌های همه گیر دوران ترامپ در مرز ایالات متحده و مکزیک که عملاً مانع از ورود مهاجران به ایالات متحده می‌شد، محتاط هستند.

کنگره، مهم نیست کاخ سفید چه می‌گوید، باعث بحران مرزی نشد. جو بایدن این کار را کرد و به انجامش ادامه می‌دهد.

لازم نیست یک نظریه پرداز توطئه حدس بزند که بایدن سال گذشته طرح مرزی خود را به کنگره فرستاد و انتظار داشت که دموکرات‌های دیگر هرگز آن را تأیید نکنند، زیرا درست مانند خود بایدن، تعداد دموکرات‌های زیادی در کنگره وجود دارند که برای جلوگیری از کنترل‌های مرزی موثر سرمایه گذاری کرده‌اند. همانطور که من یک سال است گفته‌ام، این یک بحران از نظر طراحی است.

در حمایت از سیاست‌های بایدن

THE IRISH TIMES

آلن شاتر
دائریش تایمز

خشم بایدن مستحق حمایت است نه انتقاد

جذاب ترین ویژگی بایدن اصالت اوست. او در طول زندگی سیاسی خود از موارد عاطفی در لحظات حساس برخوردار بوده است تا آنچه را که فکر می کند بیان کند.

پس از مرگ غم انگیز پسرش بو بایدن در اثر سرطان، بایدن به این زودی تمایلی به نامزدی نداشت. اگر بایدن اعلام نامزدی می کرد، ممکن بود که از ریاست جمهوری ترامپ در امان بمانیم.

بایدن در یک سخنرانی مهم آخر هفته گذشته در لهستان، با اشاره به حمله روسیه به اوکراین و وحشیگری نیروهای روسی و مسئولیت ولادیمیر پوتین در تخریب شهرها، شهرکها و دهکدههای اوکراینی، اعلام کرد: «به خاطر خدا، این مرد نمی تواند در قدرت بماند.» این صرفاً یک فریاد عدالت خواهانه حاصل از خشم بود که از بی اخلاقی مطلق وعدم توجه به حقوقی بین الملل توسط پوتین و بلایی که او به اشتباه بر کشور همسایه و مریم آن وارد کرده بود، ناشی شد. سیاست واقعی ممکن است ایجاب کند که بایدن در آینده با پوتین تعامل داشته باشد، اما نیازی به پنهان کردن انزجار خود از جنایات جنگی ناشی از جنگ توسط پوتین ندارد.

خشم بایدن، عملی غیر متظره بود که سخنرانی مهم او در لهستان به آن نیاز داشت. سخنرانی او بر این واقعیت تمرکز داشت که این جنگ توسط پوتین ایجاد شده است و کسی که اکنون به درستی به عنوان جنایتکار جنگی شناخته شده است، جنایاتش باید روزی به دستگیری و محاکمه او در دادگاه کیفری بین المللی منجر شود. این جملهها هیجان انگیز بود و به درستی مورد تشویق مخاطبان لهستانی قرار گرفت. به جای تمرکز بر عدم مشروعیت بین المللی اقدام پوتین و حمایت قوی بایدن از اوکراین، لهستان و

دموکراسی های غربی، اطرافیان بایدن که از واکنش پوتین و «پیشروهای» حزب دموکرات می ترسیدند، با عجله گفتند که آمریکا در کار تغییر رژیم نیست.

امانوئل ماکرون، رئیس جمهور فرانسه، که تا به امروز در بسیاری از تعاملات تبلیغاتی پیش از انتخابات، فعالیت های ناموفقی در زمینه جلوگیری از حمله روسیه به اوکراین و پایان دادن به جنگ انجام داده بود، بطور آشکارا بایدن را به اشتباه مورد سرزنش قرار داد.

انتقاد ماکرون از «تشدید تن» توسط بایدن وقتی از دریچه تخریب کامل ماریوپل توسط پوتین و قتل پنج هزار نفر از ساکنان غیرنظامی آن توسط نیروهای روسی دیده شود، ارزش افزوده ای برای جایگاه سیاسی ماکرون و اعتبار او به عنوان یک واسطه ندارد. سخن های محکوم کننده باعث افزایش روحیه می شود و از دفاع اوکراین در برابر تجاوز روسیه حمایت می کند و به کسانی که در داخل روسیه می توانند سانسور روسیه را دور بزنند، کمک می کند.

بایدن مدعی نشد و نگفت که آمریکا می تواند پوتین را از قدرت برکنار کند یا خواهد کرد. آمریکا نه می تواند تلاش کند و نه تلاش خواهد کرد. با این حال، در غرب کمتر کسی وجود دارد که مایل به تغییر سیاسی در روسیه و پایان دادن به این جنگ غیرضروری نباشد و نباید در گفتن این موضوع هیچ قیدی وجود داشته باشد. همچنین نباید در مورد خطاب قرار دادن مردم روسیه برای اطلاع بهتر از جنایاتی که به نام روسیه انجام می شود، هیچ احتیاطی وجود داشته باشد.

در طول جنگ سرد، رؤسای جمهور آمریکا اغلب خواستار جهانی بهتر و عاری از ستم کمونیستی بودند. در سال ۱۹۶۳، رییس جمهور وقت آمریکا جان اف کندی، در سخنرانی معروف خود در برلین، از انتظار روزی که این شهر و این کشور و قاره بزرگ اروپا در جهانی صلح آمیز و امیدوار به هم بپیوندند، صحبت کرد. بایدن در مواجهه با رئیس جمهور نظامی دزدسالار روسیه با جاه طلبی های امپریالیستی برای بازآفرینی امپراتوری روسیه و قدم گذاشتن جای پای کاترین و اسکندر مقدونی و تزار نیکلاس اول در حالی که همه منتقدان داخلی خود را دستگیر می کند حق دارد که کلماتی را به زبان بیاورد که منعکس کننده صدای پیشینیان او باشد.

کسانی که در اطراف بایدن و رهبران غربی احساس ناراحتی می کنند باید به خاطر داشته باشند که این پوتین است که بدون شرم و بطور آشکارا جنگ خود را برای تغییر رژیم در کیف، خلع سلاح اوکراین و ایجاد دولت دست نشانده خود آغاز کرد. او همچنین جاه طلبی خود را برای «از بین بردن هویت» و حذف دولت اوکراین پنهان نکرد. نباید هراس داشت که افکار عمومی فریب ادعاهای پوتین مبنی بر اینکه او در حال جنگ علیه تجاوزات اوکراین و غرب که برای بی ثبات کردن روسیه و برکناری او از قدرت تلاش می کنند، را بخورند. هیچ کس در غرب نباید فراموش کند یا آن را به عنوان نوعی راز تلقی کند که پوتین متجاوز است و درگیری را آغاز کرده است. این شامل رئیس جمهور فرانسه نیز می شود که قصد شرکت مجدد در انتخابات را دارد.

انتخابات میان دوره ای کنگره

RealClear Politics

ریال کلیئر پولیتیکس
سروان انترنشنل

حزب جمهوری خواه مجلس، آماده برای نوگیری دیرتر تقسیم‌بندی مجدد

از آنجایی که نوبت به نبرد پر مخاطره بر سر ترسیم مجدد خطوط منطقه‌ای کنگره در سراسر کشور می‌رسد؛ به نظر می‌رسد که جریان برای جمهوری خواهان در حال تغییر است. کارشناسان انتخابات، چند هفته پیش به دموکرات‌ها در درگیری‌های شدید قانون‌گذاری و حقوقی ایالت، به ایالت بر سر تعیین مناطق کنگره برتری دادند. درگیری‌های حزبی در سراسر کشور، نتایج انتخابات میان دوره‌ای آتی را با تعیین واقعی میدان بازی شکل می‌دهند. این فرآیند که هر ۱۰ سال پس از سرشماری انجام می‌شود، جمعیت رأی دهندگان هر ناحیه را بدون احتساب شش ایالت با تنها یک ناحیه کنگره، ترتیب می‌دهد. جمهوری خواهان فقط باید در پاییز امسال تعداد انگشت‌شماری از کرسی‌ها را در سراسر کشور برگردانند تا مجلس نمایندگان را در دست بگیرند و به آن‌ها این قدرت را بدهند که از تصویب دستور کار جو بایدن در دو سال آخر دوره ریاست جمهوری توسط کاخ سفید جلوگیری کنند. کریس کریستی، فرماندار سابق نیوجرسی که رئیس مشترک تلاش‌های حزب جمهوری خواه برای تقسیم‌بندی مجدد است، روز پنجشنبه پس از تصمیم قاضی به خبرنگاران گفت: «این یک پیروزی بزرگ برای مردم ایالت نیویورک است». اصلاحیه قانون اساسی که رأی دهندگان

نیویورک در سال ۲۰۱۴ به تصویب رساندند، با هدف جلوگیری از تظاهرات حزبی اجرا شد. شان پاتریک مالونی، نماینده مجلس نمایندگان که ریاست کمیته مبارزات انتخاباتی کنگره دموکرات‌ها را بر عهده دارد، اذعان کرد: «نقشه‌ها هنوز پای بر جا هستند؛ بنابراین تا زمانی که حکم استیناف نهایی در مورد آن نگیرید، این تصمیم معنایی ندارد و ما مطمئن هستیم که نقشه صد در صد قانونی است».

دموکرات‌ها و جمهوری‌خواهان، دهه‌ها اتهامات موجهی مبنی بر تحریف بی‌رویه ایالت‌هایی که بیشترین کنترل را دارند، مبادله کرده‌اند. جمهوری‌خواهان پس از سرشماری‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰، عمدتاً به لطف شکست‌های دموکرات‌ها در انتخابات میان دوره‌ای سال ۲۰۱۰، امتیازات بزرگی در تقسیم‌بندی مجدد به دست آوردند و حزب را مجبور کردند تا این چرخه را جبران کند. در سال‌های اخیر، رأی دهندگان در بسیاری از ایالت‌ها تلاش کرده‌اند تا سیاستمداران را از جذب مناطق برای مزیت حزبی و حفظ مقام‌های فعلی بازدارند. اعتراض عمومی باعث شده است که هشت ایالت، کمیسیون مستقلی را برای ترسیم خطوط تشکیل دهند و دو ایالت دیگر از یک سیستم ترکیبی استفاده کنند که در آن قوه مقننه اختیارات تقسیم مجدد را با کمیسیون‌ها تقسیم می‌کند.

عضویت در مجمع‌های ظاهراً یک‌دست، اغلب هنوز با یک سوگیری سیاسی آشکار ختم می‌شود، عمدتاً به این دلیل که سیاستمداران به شکلی در انتخاب افرادی که در آن مجمع‌ها حضور دارند، نقش دارند. هنگامی که اعضای کمیسیون به طور عادلانه بر اساس خطوط سیاسی تقسیم می‌شوند، کمیته‌ها اغلب به بن‌بست می‌رسند و این روند را به قوه مقننه و فرمانداران و در نهایت به دادگاه‌ها برای تصمیم‌گیری باز می‌گردانند.

برخی از دموکرات‌ها آشکارا این ایده را رد می‌کنند که حزیشان به همان نوع تقلبی متکی است که جمهوری‌خواهان را به خاطر استفاده از آن محکوم کرده‌اند.

پاتریک مک آلیستر، قاضی موقت دادگاه عالی ایالتی در حکم پنجشنبه خود، به قانون‌گذار دستور داد تا نقشه‌های جدیدی «که از حمایت دو حزبی کافی برخوردار باشد» را تا ۱۱ آوریل ترسیم کند؛ انتظار می‌رود که دموکرات‌ها به تصمیم قاضی اعتراض کنند و درخواست تعلیق کنند تا زمانی که خطوط مشخص شود این روند در حاله‌ای از ابهام بماند. نیویورک انتخابات مقدماتی را در ۲۸ ژوئن برگزار می‌کند؛ اگر نقشه‌ها به سرعت مورد توافق قرار نگیرند، انتخابات مقدماتی ممکن است تا ۲۳ اوت به تعویق بیفتد.

آدام کینکید، مدیر اجرایی مرکز ملی جمهوری‌خواهان می‌گوید: تحلیلگرانی که به دموکرات‌ها برتری اولیه دادند، از معیارهای اشتباه استفاده می‌کنند و پویایی را از طریق منشور بایدن - ترامپ از سال ۲۰۲۰ می‌بینند. او خاطر نشان کرد که اکنون فضای سیاسی بسیار متفاوت از سال ۲۰۲۰ است.

در اوایل سال جاری، دادگاه عالی اوهایو اولین طرح مجدد جمهوری خواهان از ۱۵ حوزه کنگره خود را لغو کرد؛ سپس جمهوری خواهان نقشه جدیدی ارائه کردند، اما دموکرات‌ها و گروه‌های حقوقی، رأی آن را باطل پنداشتند.

دموکرات‌ها نیز امیدی به دادگاه عالی متمایل به حزب جمهوری خواه، برای رسیدگی به پرونده‌های مربوط به تقسیم‌بندی مجدد نژادی و حکم بر خلاف منافع آن‌ها، ندارند. لیبرال‌ها از تصمیم دادگاه عالی در ماه فوریه شکایت کرده‌اند که می‌گوید قانون حقوق رأی را از بین می‌برد و نشان دهنده تمایل نگران کننده دادگاه عالی برای لغو تلاش‌های دادگاه‌های پایین‌تر برای حمایت از قانون است. مایکل لی، مشاور ارشد برنامه دموکراسی مرکز برنان گفت: این تصمیم می‌تواند نشان دهنده تمایل بیشتر دادگاه برای «لغو» بخشی از قانون حق رأی باشد. همان‌طور که وعده داده شده بود، دیسانتیس، فرماندار فلوریدا، در هفته گذشته نقشه جدید کنگره را که توسط مجلس قانون‌گذاری تحت کنترل حزب جمهوری خواه تهیه شده بود را وتو کرد و خواستار برگزاری یک جلسه قانون‌گذاری ویژه در اواسط آوریل شد تا نقشه جدیدی تهیه شود.

اگر قانون‌گذاران به سرعت نقشه را تغییر دهند تا با دیدگاه دیسانتیس مطابقت داشته باشد، جمهوری خواهان می‌توانند این فرصت را داشته باشند تا با پایان یافتن روند تقسیم‌بندی مجدد، چند منطقه، با سهولت برنده شدن را ایجاد کنند.

در حالی که جوئل ورتایمر به دلیل دست‌آوردهای تقسیم مجدد دموکرات‌ها تشویق می‌شود، اما همچنان معتقد است که جمهوری خواهان در نقشه کلی برتری دارند و شکست آن‌ها دشوار خواهد بود. وی افزود: «من هنوز فکر می‌کنم که در نهایت با برتری جزئی جمهوری خواهان به پایان خواهد رسید». او می‌گوید که تنها مزیت واقعی از راه انداختن تهاجمی این مبارزه تقسیم‌بندی مجدد، ممکن است جلوگیری از خونریزی آشکار دموکرات باشد.

وی به عنوان نتیجه‌گیری نهایی بیان کرد که: «حتی اگر دموکرات‌ها امسال قدرت را از دست بدهند، قدرت حزبی نقشه ممکن است به آن‌ها اجازه دهد که در سال ۲۰۲۴، برخلاف سال ۲۰۱۲، مجلس نمایندگان را دوباره به دست آورند». به راه انداختن نبرد تهاجمی تقسیم مجدد، همان‌طور که دموکرات‌ها امسال انجام دادند، تلاشی برای ساختن چیزی فراتر از یک خیال‌واهی است.

<https://cutt.ly/IFWeZeO>

salon

مهر نیکی پارسون
سلارن

جادوی میان دوره‌ای؟ دموکرات‌ها در مقابل

جمهوری خواهان و رسانه‌ها به حالت تدافعی می‌روند

اگر دموکرات‌ها بتوانند به جای اینکه منتظر بمانند تا مورد تجاوز قرار گیرند، آن را به دست جمهوری خواهان برسانند، چیزهای زیادی برای کار دارند

کمپین‌های انتخاباتی میان دوره‌ای در جریان است و ما این را می‌دانیم زیرا هر هفته تعداد زیادی رای گیری جدید منتشر می‌شود. اگر شما یک جمهوری خواه هستید، از آن‌ها بسیار لذت می‌برید. اگر دموکرات هستید، خیر. تاکنون اتفاق نظر بر این است که این یک انتخابات معمولی میان دوره‌ای خواهد بود که به این معنی است که حزب در کاخ سفید احتمالاً کرسی‌های خود را از دست خواهد داد. دنیای سیاسی پس از ترامپ ناپایدار است و رویدادهای جهان راهی برای تغییر مسیر انتخاباتی قابل پیش بینی دارند. از نظر نظرسنجی، وضعیت کشور همچنان در وضعیت بدی است. دو سال مقابله با این بیماری همه گیر عوارض خود را هم از نظر اجتماعی و هم از نظر اقتصادی بر جا گذاشته است. حتی با رشد شدید دستمزدها، تورم گزنده است. و برای نیمی از کشور، حمله به دموکراسی طراحی شده توسط دونالد ترامپ و جمهوری خواهان احساس می‌شود از آستانه خطرناکی عبور کرده است در حالی که نیمی دیگر فکر می‌کنند که انتخابات از برنده واقعی دزدیده شده است. در حالی که ما شاهد یک جنگ هولناک دیگر، این بار در اروپا هستیم، فرهنگ دوباره در خانه بیداد می‌کند و تمام جهان نفس خود را حبس می‌کند به این امید که به سرعت پایان یابد.

شخصاً، فکر می‌کنم پنج سال اخیر تفرقه و هرجومرج به دست ترامپ و جمهوری‌خواهان، کشور را با یک مورد جمعی از بیماری اختلال استرسی پس از حادثه همراه کرد. اما واقعیت این است که در چندین سطح، کشور در حال خروج از ورطه ترامپی است.

اول از همه، ارقام بیکاری عالی است. مشاغل زیادی وجود دارد و دستمزدها نیز در حال افزایش است. مردم آزادی ترک کار و یافتن کار دیگری را دارند و اعتماد به نفس برای انجام این کار چیزی است که بسیاری از قبل بحران مالی بیش از یک دهه پیش را احساس نکرده‌اند. جمعه گذشته، وزارت کار گزارش داد که نرخ بیکاری تنها در ماه مارس با ایجاد ۴۱۶۰۰۰ شغل به ۳.۶ درصد کاهش یافته است. در واقع، ۶.۴ میلیون شغل در سال ۲۰۲۱ و ۱.۷ میلیون شغل تاکنون در سال ۲۰۲۲ ایجاد شده است. این یک چرخش شگفت‌انگیز در مدت زمان بسیار کوتاه است.

متأسفانه به نظر می‌رسد رسانه‌ها همیشه راهی برای دادن یک چرخش منفی به این خبر پیدا می‌کنند. این یکی از اکیسوس گیج‌کننده است:

درک نیاز به قرار دادن کلمه میلیون‌ها در نقل قول در عنوانی مانند آن بسیار سخت است، مگر اینکه بخواهید نشان دهید که این عدد واقعی نیست. سناتور هاوایی، برایان شاتز، یک دموکرات، در پاسخ گفت "تعهد کمپین او برای ایجاد میلیون‌ها شغل با ایجاد میلیون‌ها شغل پیچیده است."

این نوع چرخش از اکیسوس ممکن است توضیح دهد که چرا نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از آمریکایی‌ها فکر می‌کنند مشاغل در سال گذشته از بین رفته‌اند در حالی که فقط ۲۸ درصد فکر می‌کنند شغل به دست آمده است. آن هم با ۳.۶ درصد بیکاری!

اگر فکر می‌کنید که همه اینها یک مخلوط بزرگ متناقض بی‌سواد اقتصادی است، حق با شماست. در اینجا شواهد زنده وجود دارد، با نماینده لیزا مک‌کلین، نماینده حزب دموکرات، در راهپیمایی ترامپ در آخر هفته که به جمعیت گفت که بیکاری در بالاترین حد خود در ۴۰ سال گذشته است و ما با کمبود نیروی کار مواجه هستیم: این هم به نوعی تقصیر بایدن است.

پولیتیکو این ناهماهنگی را نتیجه ناتوانی کاخ سفید بایدن در پیام مناسب برای مشکل جهانی تورم که بر همه نگرانی‌های اقتصادی دیگر ارجحیت دارد، توضیح داد. آن‌ها به نقل از یک عامل شاداب جمهوری‌خواه می‌گویند که "وقتی جمهوری‌خواهان در مورد مردم صحبت می‌کنند که هر دقیقه با افزایش قیمت‌ها روبرو می‌شوند در مقابل دموکرات‌ها در مورد پل‌هایی که ممکن است ظرف سه سال ساخته شوند صحبت می‌کنند، مانند این است که یک تیم از لیگ ملی فوتبال آمریکایی به مصاف یک تیم فوتبال آمریکایی نوجوان می‌رود."

نبازی نیست همه راه‌هایی را که دونالد ترامپ امیدهای جمهوری‌خواهان برای پیروزی بزرگ در نوامبر را پیچیده می‌کند، مرور کنیم. ترامپ از تایید نامزدهای حاشیه‌ای گرفته تا درخواست برای آزمون تورنسل در انتخابات ۲۰۲۰ تا اعتراضات بی‌وقفه‌اش علیه به اصطلاح راینو (لفظی تحقیر آمیز که اعضای محافظه‌کار حزب جمهوری‌خواه برای اعضای غیرمحافظه‌کار به کار می‌برند)، کارزار حزب جمهوری‌خواه را بسیار دشوارتر از آنچه باید باشد، می‌کند.

<https://cutt.ly/1FWeN2s>

The New York Times

جان تان ریسن
نویسنده و سردبیر

هزینه زیاد دموکرات‌ها نشان دهنده عزم جدی آن‌ها جهت حفظ کرسی‌هایشان است

اکثریت مجلس دموکرات‌ها نزدیک به صد و دو میلیون دلار برای رزرو وقت تبلیغاتی در پنجاه و یک بازار رسانه‌ای هزینه می‌کند و میدان نبرد گسترده‌ای را برای انتخابات میان دوره‌ای آینده ایجاد می‌کند.

واشنگتن - کمیته اصلی اقدام سیاسی اکثریت دموکرات‌های مجلس نمایندگان آمریکا (پاک) نزدیک به صد و دو میلیون دلار برای رزرو مکان‌های تبلیغاتی در پنجاه بازار رسانه‌ای شامل بانگور، مین، سن دیگو و کالیفرنیا و غیره هزینه می‌کند. میدان جنگی که به طور قابل توجهی بزرگتر و گرانتر از دو انتخابات کنگره گذشته است.

گسترده‌گی نقشه کنگره دامنه نگرانی دموکرات‌ها را در مورد حفظ کرسی‌ها در انتخابات میان دوره‌ای نشان می‌دهد. مانند تگزاس جنوبی، پیتسبورگ بزرگ و سیاتل مناطقی که زمانی امن در نظر گرفته می‌شدند، شاهد تبلیغات دموکرات خواهند بود.

اما فعالیت دموکرات‌ها نیز به ویژه در کالیفرنیا، جایی که تقسیم مجدد اهداف جمهوری خواهان را باز کرده است، توهین آمیز خواهند بود.

ابی کوران هورل، مدیر اجرایی پاک گفت: «ما هر کاری که لازم است برای حفظ اکثریت انجام

می‌دهیم و فرصت‌هایی در سراسر نقشه وجود دارد. او افزود ما نسبت به فعالیت‌های رقابتی خود اطمینان داریم.»

همتای جمهوری‌خواه او دن کانستون، از صندوق رهبری کنگره، گفت: این هزینه‌های هنگفت نشانه ضعف و اعتراف به این موضوع است که تورم، افزایش نرخ جرم و جنایت و عدم محبوبیت بایدن نه تنها برای دموکرات‌ها هزینه خواهد داشت، بلکه باعث می‌شود که برخی از مناطق را که بایدن در آن‌ها رای آورده بود، به شدت رقابتی کند. او گفت: «من فکر می‌کنم آن‌ها معتقدند که اکثریت را از دست داده‌اند.»

این هزینه‌ها حتی در شرایطی انجام می‌شود که مناطق مختلف که بر اساس نتایج انتخابات در سال ۲۰۲۰ رقابتی در نظر گرفته می‌شوند، کاهش یافته است. نقشه‌های منطقه‌ای مجلس نمایندگان که توسط هر دو حزب تهیه شده است، کمتر از چهل کرسی یا کمتر باقی گذاشته است که در سال ۲۰۲۰ بین رای‌دهندگان جمهوری‌خواه و دموکرات تقسیم می‌شد. اما رزروهای تبلیغاتی جدید به نقشه‌ای اشاره دارد که بسیار فراتر از آن مناطق گسترش یافته است. دموکرات‌هایی که کرسی‌های نوسانی را در دست دارند، پول‌هایی را جهت تبلیغات خرج خواهند بود. در میان ذینفعان، نمایندگانی مانند جرد گلدن از مین، ابیگیل اسپانبرگر و الین لوریا از ویرجینیا، سیندی آکسن از آیووا، شریس دیویدز از کانزاس، انجی کریگ از مینه‌سوتا و الیسا اسلاتکین از میشیگان خواهند بود.

اما با توجه به این‌که محبوبیت آقای بایدن نزدیک به چهل درصد است، پاک تبلیغاتی را برای دفاع از برخی از دموکرات‌های مستقر که قدرت سیاسی آن‌ها نه تنها توسط رئیس‌جمهور، بلکه توسط مناطق تازه تشکیل‌شده تضعیف شده است، اختصاص می‌دهد. به عنوان مثال، نماینده سنفورد بیشاپ، از سال ۱۹۹۳ نماینده بخشی از جنوب جورجیا بوده است. با این حال، پاک در حال رزرو دو میلیون و ششصد هزار دلار از فضای تبلیغاتی در سه بازار رسانه‌ای برای تقویت شرکت مجدد او در انتخابات است.

یکی از اعضای خانواده کیلیدی به مدت ۴۵ سال نماینده منطقه اطراف فلینت، میشیگن بوده است. ابتدا دیل کیلیدی، سپس برادرزاده او دان، که تقریباً یک دهه پیش بر کرسی نشست. اما خطوط جدید منطقه و یک باد مخالف سخت سیاسی، پاک را مجبور کرده است که برای حفظ موقعیت کیلیدی جوان‌تر، بیش از یک میلیون دلار رزرو تبلیغاتی سنگینی انجام دهد. ایستگاه‌های رسانه‌ای در وایکس-پا بری (اسم)، بیش از یک میلیون و هفتصد هزار دلار دریافت خواهند کرد، زیرا پاک تلاش می‌کند تا نماینده مت‌کارترایت، یکی دیگر از کهنه کارها را نجات دهد.

اما تقسیم مجدد و بازنشستگی نماینده ایالت کلورادو، اد پرلموتر، پاک را بر آن داشت تا چهار میلیون و چهار صد هزار دلار در بازار رسانه‌ای دنور برای دفاع از ناحیه هفتم و هشتم ایالت خرج کند.

حرکت مشخص رای دهندگان اسپانیایی تبار به سمت حزب جمهوری خواه دموکرات‌ها را در تگزاس جنوبی مجبور می‌کند تا هزینه‌های تبلیغاتی دو منطقه مجلس نمایندگان را از دره ریو گراند که زمانی قابل اعتماد دموکرات بود تا سن آنتونیو و حومه آن تامین کنند.

دموکرات‌ها همچنین آماده می‌شوند تا برای جلوگیری از شکست‌ها در جنوب کالیفرنیا هزینه‌های کلانی را انجام دهند و توجه خود را بر روی نمایندگان کیتی پورتر و مایک لوین متمرکز کنند.

رزروهای تبلیغاتی همچنین نشان می‌دهد که هزینه‌های دفاع از کرسی‌های سی و یک دموکرات مجلس نمایندگان که بازنشستگی خود را اعلام کرده‌اند یا به دنبال دفاتر دیگری هستند، چقدر سنگین خواهد بود. میلیون‌ها دلار برای نجات کرسی‌های آقای پرلموتر و دیگر دموکرات‌های بازنشسته، از جمله ران کیند از ویسکانسین، آن کرک پاتریک از آریزونا، چری بوستوس از ایلینوی و جی.کی. باترفیلد از کارولینای شمالی هزینه خواهد شد. انبوه نژادها در برخی ایالت‌ها نیز تلاش‌های دموکرات را به چالش می‌کشد.

رزروهای تبلیغاتی همه دفاعی نیستند. تا حد زیادی به لطف کمیسیون تقسیم مجدد غیر حزبی کالیفرنیا، رقابت‌های مجلس نمایندگان در این ایالت ممکن است اموری کاملاً باز باشد. پاک کرسی‌های نمایندگان جمهوری خواهی مانند دیوید والادائو، مایک گارسیا و میشل استیل و همچنین کرسی‌هایی را که دوین نونز، نماینده دیگر جمهوری خواه، در دسامبر تخلیه کرده بودند، هدف قرار داده است.

خانم هورل خاطر نشان کرد که فرصت‌های دیگری ممکن است پس از حل و فصل دعوای مجدد در فلوریدا، اوهایو و مریلند ایجاد شود.

رزروهای زود هنگام باید باعث صرفه جویی در هزینه‌های پاک شود زیرا هزینه‌های تبلیغات نزدیک به انتخابات افزایش می‌یابد. در اوایل این ماه، شان پاتریک مالونی، نماینده نیویورک، رئیس کمیته مبارزات انتخاباتی دموکرات‌ها در کنگره، گفت که: بزرگترین نگرانی او میزان پولی است که توسط گروه‌های جمهوری خواه بیرون جمع‌آوری می‌شود.

صد و یک میلیون دلاری که در روز چهارشنبه خرج شده است، بیش از دو برابر پول نقد پاک است.

<https://cutt.ly/gFWe28M>

نقد جمهوری خواهان

THE HILL

جمهوری خواهان
کندید

جمهوری خواهان امروز، علاقه‌ای به حکومت ندارند

تد کروز (جمهوری خواه تگزاسی) پس از بدرقه کردن کتانجی براون جکسون، اولین زن سیاهپوست کاندید شده برای دادگاه عالی، با صحبتهای غیرمعمول درباره کتابهایی درباره «بچه‌های نژادپرست» دچار لغزش شد و دستش رو شد. همانطور که مجله پپل گزارش داد: «ناظران سنا میگویند که تد کروز در اوایل این هفته و در بحبوحه مذاکرات آتشین جلسات تأیید قاضی کتانجی براون جکسون (نامزد دیوان عالی) بارها در حال چک کردن توئیتر خود مشاهده شده است. عکس‌ها نشان می‌دهند که کروز دیوانه‌وار گوشی خود را در جلسه می‌چرخاند. پیروزی بزرگی که کروز به دنبال آن بود، افزایش نام او در جریان رسانه‌ای جناح راست بود. چیزی که بیش از همه برای او اهمیت دارد، برجسته شدن در محفلی است که تئوری‌های توطئه، نارضایتی‌های نژادی سفیدپوستان و تعصب به انگیزه‌های اقتدارگرایانه رئیس جمهور سابق (ترامپ) را جشن می‌گیرد. مسخره کردن هر کسی خارج از آن باشگاه بخشی از بازی است، موضوعی که جکسون را به یک سوژه تبدیل کرد.

این تلاش برای کسب ستاره شدن در رسانه‌های اجتماعی در میان چند جمهوری خواه یک اشتباه نیست، بلکه این یک روش عملیاتی استاندارد برای حزبی است که به دلیل اعتیاد به نمایش‌های افراطگرایانه ورشکسته شده است. جمهوری خواهان هیچ علاقه‌ای به حکومت نشان نمی‌دهند. هیچ برنامه‌ای برای مقابله با تورم یا سیستم فاسد مهاجرت ندارند. این کارها به دموکرات‌ها واگذار شده است. جمهوری خواهان حتی زمانی که ترامپ هفته گذشته در میانه جنگ روسیه علیه او کراین از ولادیمیر پوتین، رئیس جمهور روسیه درخواست عمومی کرد، واکنشی نشان ندادند. ترامپ که پیش‌تاز نامزدی حزب جمهوری خواه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۴ است، بیشتر پیگیر فساد سیاسی پسر بایدن بود. این در حالی است که اقدامی مشابه در سال ۲۰۱۹ طی یک تماس تلفنی با ولودیمیر زلنسکی (رئیس جمهور

اوکراین) ترامپ را برای اولین بار به استیضاح کشاند. از دیدگاه دموکرات‌ها چنین رفتارهای ظالمانه‌ای آشکار می‌کند که جمهوری خواهان دیگر یک بازیگر سیاسی مسئول نیستند. اما رأی دهندگان همچنان حزب جمهوری خواه را به عنوان یک نیروی سیاسی مشروع می‌بینند که حتی در برخی مقایسه‌ها بر دموکرات‌ها ارجحیت دارد و رسانه‌های خبری آن‌ها را به عنوان یک حزب سیاسی عادی پوشش می‌دهند.

حقیقت این است که مقامات منتخب جمهوری خواه به رأی دهندگان یا رهبران کنگره پاسخی نمی‌دهند. بلکه آن‌ها پاسخگوی مجریان برنامه‌های گفتگوی رادیویی هستند؛ همان‌هایی که به عنوان تحریک‌کنندگان افراطی رتبه‌بندی می‌شوند. این تنها تذکره نیست که ارزش خود را با واکنش رسانه‌های اجتماعی دست راستی می‌سجد، بلکه نمونه‌های دیگری برای موضوع وجود دارد. برای مثال، جاش هاوولی از شواهد گمراه‌کننده برای تحقیر جکسون به سبب رفتار نرم با افرادی که به اتهام آزار جنسی کودکان محکوم شده‌اند، استفاده کرد.

حتی برخی از جمهوری خواهان در ازای ترند شدن در توئیتر، از حکومت دست کشیدند.

نمونه اول، یک نماینده سابق به نام دوین نونز است که عضو هیئت رئیسه قدرتمندترین کمیته کنگره (کمیته راه و روش مجلس نمایندگان) بود. او در ابتدای سال جاری استعفا داد تا مدیر عامل شرکت رسانه‌های اجتماعی نامتعارف ترامپ شود.

نمونه دوم، جینی توماس، همسر کلارنس توماس، قاضی دیوان عالی کشور است.

او در دوره پس از انتخابات ۲۰۲۰ که ترامپ به دنبال بازپس‌گیری قدرت بود، برای مارک میدوز (رئیس وقت کاخ سفید) پیام‌های متنی ارسال کرد. در برخی از آن متون، جینی توماس تئوری‌های توطئه‌آمیز را از تاریک‌ترین فضاهای اینترنت ترویج نمود. اکنون درخواست‌هایی از شوهرش می‌شود که خود را از پرونده‌های بعدی مربوط به شورش‌های ۶ ژانویه کنار بکشد.

رهبران سابق جمهوری خواه (مانند آیزنهاور، ریگان و جورج بوش) حزبی از اصول محافظه‌کارانه ایجاد کردند که مالیات‌های محدود، محافظه‌کاری فرهنگی و اعتقاد قوی به آمریکا به عنوان یک رهبر نظامی و جهانی را تشکیل می‌دهد. اکنون اعضای آن بخش از حزب در رسانه‌های جناح راست به عنوان کسانی که فقط عنوان جمهوری خواه را یدک می‌کشند، تحقیر می‌شوند. بسیاری از نظرسنجی‌ها نشان می‌دهد که حدود ۷۰ درصد جمهوری خواهان با این دروغ که انتخابات ۲۰۲۰ از ترامپ دزدیده شده است موافق هستند. بر اساس یک نظرسنجی در ماه فوریه توسط یک مؤسسه تحقیقاتی عمومی، اکنون ۲۵ درصد از جمهوری خواهان با تئوری‌های توطئه اصلی موافق هستند. پلیس اف‌بی‌آی علناً این جنبش را یک تهدید تروریستی ارزیابی می‌کند.

نانسی پلوسی می‌گوید: وقتی سیاستمدارانی که در حال حاضر خود را جمهوری خواه می‌خوانند و هیچ علاقه‌ای به حکومت ندارند از قدرت دولت فدرال استفاده کنند، چه اتفاقی می‌افتد؟ اگر جمهوری خواهان روزگاری قدرت را در دستشان بگیرند، من برای دموکراسی هراسناک خواهیم بود. ما نمیتوانیم اجازه دهیم این اتفاق بیفتد. دموکراسی در رأی‌گیری ماه نوامبر رقم می‌خورد. پلوسی درست می‌گوید. کلید متوقف کردن جمهوری خواهان ممکن است درک انگیزه آن‌ها باشد. انگیزه آن‌ها ایدئولوژی نیست، بلکه گرفتن «لایک» و ترند شدن در توئیتر است.

RealClear Politics

فیلیپ راکر
ریال کلیر پالیسیس

کاخ سفید: گروه‌های خارجی، فاکتوری برای کاندیدای جکسون نیست

عدالت طلب، گروه مترقی است که با موفقیت قاضی استفان برابر را تحت فشار قرار داد تا بازنشسته شود و سپس بایدن را با معرفی قاضی کتانجی براون جکسون برای پر کردن جای خالی بعدی تمجید کرد. گروه مترقی به اندازه مثلاً جامعه فدرالیست تأثیرگذار نیست.

این عبارت از برایان فالون، مدیر اجرایی تقاضای عدالت بود، که گفت مقایسه گروهش با آن محافظه کار گول پیکر چندان مناسب نیست؛ زیرا «آن‌ها مدت بیشتری در این کار بوده‌اند».

وی همچنین افزود: «ما هنوز راه درازی در پیش داریم تا اینکه به اندازه آن‌ها تأثیرگذار باشیم یا در منابع سرشار باشیم». حزب جمهوری خواه، جکسون و دولت را به دلیل ارتباط احتمالی آن‌ها با گروه‌های «پول تاریک»، مورد انتقاد قرار داد. البته، کاخ سفید چندان این حملات را انجام نداد و گفت: «هیچ هزینه‌ای از سوی هیچ سازمان یا فردی، عامل در این تصمیم نبوده».

قبل از اینکه جمهوری خواهان صحبتی کنند، رئیس قوه قضاییه به جکسون گفت که عده‌ای وجود دارند که «ادعا می‌کنند که شما امروز در مقابل ما به عنوان حاصل کمپین گروه‌های پول تاریک هستید». رئیس ادامه داد: سوابق شما و روندی که منجر به این نامزدی شده، این ادعا را رد می‌کند.

سپس جمهوری خواهان در بیانیه‌های آغازین خود قول دادند که به نقش گروه‌های مترقی پول تاریک در نامزدی جکسون پی ببرند.

سناتور چاک گراسلی از کمیته رتبه‌بندی جمهوری خواه، اول شد و نقش نگران کننده‌ای که گروه‌های پول تاریک چه افراطی مانند عدالت طلبی در روند انتخاب قضایی این دولت ایفا کرده‌اند را محکوم کرد.

جان کورنین، سناتور تگزاس، ادامه داد: «این فعالان از دادگاه می‌خواهند که سیاست‌گذاری کند و نتایجی را ارائه دهد

که نمی‌توانند از طریق مشورت، سازش و سقوط سیاست‌های قانون‌گذاری به دست آورند».

سناتور لیندزی گراهام بی‌پرده صحبت می‌کرد. جمهوری‌خواه کارولینای جنوبی به کاندیدی که در سکوت در مقابل کمیته نشسته بود گفت: «شما می‌گویید قاضی جکسون به خودی خود هیچ فلسفه قضایی ندارد. خوب، یکی از جناح چپ معتقد است که شما این فلسفه را دارید و گرنه پولی خرج نمی‌کردند تا شما روی این صندلی بشینید».

گروه تقاضای عدالت ابتدا یک کمپین فشار برای از پا درآوردن برابری راه‌اندازی کرد و بعداً زمانی که او تصمیم گرفت زودتر از موعد بازنشسته شود، اعتبار را به دست آورد. سپس بایدن را به خاطر نام بردن از پیچ هرویگ، یکی از وکیل‌های ارشد سازمان‌شان و اکنون وکیل ارشد در دفتر مشاور کاخ سفید، برای کمک به رهبری کمیته جستجو برای جایگزینی قاضی، تحسین کردند. اکنون، تقاضای عدالت می‌خواهد یک میلیون دلار برای حمایت از نامزدی جکسون هزینه کند و طبق برخی گزارش‌ها، آماده است هزینه بیشتری هم بکند.

پول‌های تاریک زیادی در واشنگتن، به ویژه در طول نبردهای تأیید، سرازیر می‌شود.

در حالی که بایدن اغلب بالحن‌های محترمانه درباره قانون اساسی صحبت می‌کند، یکی از اعضای هیئت مدیره تقاضای عدالت اخیراً گفت که قانون اساسی متن اصلی که جکسون برای تفسیر آن فراخوانده می‌شود، «نوعی آشغال است». بایدن این دیدگاه را رد می‌کند و به قانون اساسی احترام می‌گذارد. قانون اساسی که برای دهه‌ها بر آن تأکید داشته است؛ همان‌طور که قاضی جکسون نیز تأکید داشته است. سخنگوی کاخ سفید افزود: رئیس‌جمهور زمانی که جای خالی اعلام شد، صراحتاً اعلام کرد که کاندید را در قالب قاضی برای انتخاب خواهد کرد که از قانون اساسی و حاکمیت قانون حمایت کند.

این بحث‌ها، کاخ سفید را در موقعیتی غیر عادی قرار داده است.

تقاضای عدالت در تابستان گذشته دولت را تحت فشار قرار داد تا از لایحه زیرساختی بایدن خارج شود. فالون، سخنگوی سابق کلینتون، در توئیتر نوشت که وضعیت زیرساخت‌ها «روی هوا» است و اصلاحات رأی‌گیری باید اولویت اصلی باشد. در آن زمان، بن لابلوت، یکی از مقامات سابق اوباما، در مصاحبه‌ای گفت که پیشنهاد تقاضای عدالت «کاملاً احمقانه» بود. بایدن آن لایحه را پنج ماه بعد امضا کرد و به قانون تبدیل شد.

شبکه بحران قضایی در جریان آخرین نبرد تأییدیه مورد بررسی دموکرات‌ها قرار گرفت و رئیس آن گروه پول تاریک خاطر نشان کرد که تقاضای عدالت قبلاً شریکی با شبکه میلیارد دلاری آرابلا بود که برای تأثیرگذاری بر ترکیب قضات، بازنشستگی قاضی برابری و نامزدی جکسون به دادگاه، اقداماتی کرده است. سورینو گفت: «جای تعجب نیست» که جمهوری‌خواهان سنا «می‌خواستند در مورد شبکه پول تاریک که به سمت جناح چپ شلیک می‌کند، بیشتر بیاموزند». جمهوری‌خواهان به تقاضای عدالت حمله می‌کنند؛ زیرا می‌ترسند که گروه پول‌های تاریک توطئه کرده باشند تا عدالت لیبرال را در دادگاه قرار دهند که به نقش قوه قضاییه احترام نمی‌گذارد؛ جکسون نیز احتمالاً سعی کرده است تا این نگرانی‌ها را هر چند غیر مستقیم، برطرف کند.

قاضی در سخنان افتتاحیه خود گفت: «در این جلسه، امیدوارم ببینید من چقدر کشورمان و قانون اساسی و حقوقی را که ما را آزاد می‌کند، دوست دارم».

در حاشیه سیاست و سیاستمداران

Newsweek

جاش هم
فیروزیک

داستان لپ‌تاپ هانتر تا بید می‌کند: فن‌آوری بزرگ را مهار کنید یا مردمی آزاد نباشید

در پرنگاه انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ که تعیین‌کننده رژیم بود، فیس بوک و توئیتر «حمله پرل هاربر» خود را علیه رئیس‌جمهور فعلی، دونالد ترامپ، و به نفع نامزد مورد علاقه رژیم مستعفی، جو بایدن، انجام دادند. در اقدامی در ماه اکتبر که پیش‌بینی فروپاشی تمایز «عمومی» و «خصوصی» در دوران ریاست جمهوری بایدن بود، همانطور که در لاف زدن علنی جن ساکی، سخنگوی مطبوعاتی، در تابستان گذشته از تبانی با مارک زاکربرگ برای سانسور «اطلاعات نادرست» کووید مشاهده شد و اریک اشمیت اخیراً نقش کمک به سیاست علمی مدیریتی را فاش کرد. الیگارشی‌های شرکت فناوری بزرگ، روزنامه پرتیراژ نیویورک پست را به دلیل گزارش آن درباره «لپ‌تاپ از جهنم» که اکنون بدنام شده بود، چکش کردند. فایل‌های لپ‌تاپ، تهمت‌زدایی هانتر، سوء استفاده از قدرت و ابهامات کلی در معاملات خارجی‌اش را نشان می‌داد. او و برخی از دوستانش به دلیل تخلفات احتمالی مالیاتی و پولشویی تحت تحقیقات فدرال هستند. در پاسخ به گزارش پست، توئیتر این روزنامه را برای بیش از دو هفته از حساب خود قفل کرد. علاوه بر این، هم فیسبوک و هم توئیتر، انتشار یو آر آل پست برای داستان لپ‌تاپ را به شدت محدود یا کاملاً مسدود کردند. مهم این است که کل این ماجرای کثیف کمتر از یک ماه مانده به روز مهم انتخابات رخ داد. سناتور جاش هاوولی به درستی از کمیسیون انتخابات فدرال درخواست کرد که آیا فیس بوک و توئیتر به طور غیرقانونی کمک‌های غیرقانونی به کمپین بایدن صادر کرده‌اند یا خیر.

مشکلات بی‌شماری در این تصویر وجود دارد. قابل توجه‌ترین، شاید، ماهیت بدون شک اصالت لپ‌تاپ بود؛ هیچ‌کس

در قبیله بایدن، در آن زمان منکر واقعی بودن رایانه هانتر نشد. به طور معمول ممکن است چنین جزئیاتی مهم تلقی شود. اما قدرت‌های فناوری بزرگ، که علاقه‌ای به چیزی پیش پا افتاده مانند «حقیقت» نداشتند، فوراً ضرورت بزرگ‌تری را برای بی‌اعتبار کردن داستان در وجدان عمومی جمعی و حتی حذف آن از حافظه درک کردند.

کل حماسه چشم باز بود. شرکت‌های ظاهراً «خصوصی» دست در دست هم با نامزد مورد علاقه‌شان برای ریاست جمهوری کار کردند و دروغ تمایز «عمومی» و «خصوصی» را آشکار کردند و ماهیت گسترده و فرا نهادی طبقه حاکم آمریکا را افشا کردند. اهداف طبقه حاکم روشن بود: انتخاب جو بایدن به عنوان رئیس جمهور ایالات متحده. پس از تعیین اهداف، ابزارها مجدداً مجهز شدند.

فناوری بزرگ نقش خود را می‌دانست و نقش خود را بی‌عیب و نقص اجرا کرد. نگران نباشید که اگر در سال ۲۰۲۴، با بایدن به عنوان رئیس جمهور فعلی، چنین توهین‌هایی تکرار شود، چنین تبنانی با توصیه دادگاه عالی در سال ۱۹۷۳ در پرونده نوروود علیه هریسون مبنی بر اینکه دولت «می‌تواند اشخاص خصوصی را به انجام کاری که در قانون اساسی انجام آن ممنوع است وادار یا تشویق کند، مغایرت خواهد داشت».

در طول چند هفته گذشته، هم نیویورک تایمز و هم واشنگتن پست، دو تقویت‌کننده برجسته افکار همگن طبقه حاکم در آمریکا، صحت لپ‌تاپ هانتر بایدن را تأیید و تصدیق کردند. «فوش دارو پس از مرگ سهراب» این موضوع را در اینجا قطع نمی‌کند. "یک سال و نیم تاخیر و تریلیون‌ها دلار (در بدهی ملی) کسری" بیشتر شبیه آن است. با توجه به ماهیت بسیار نزدیک انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰، حفاظت از خانواده بایدن توسط فناوری بزرگ احتمالاً برای ترامپ برای دور دوم پر هزینه تمام شد. (این بدان معناست که فناوری بزرگ به قیمت حمله روسیه به اوکراین تمام شد؛ هیچ فرد عاقلی فکر نمی‌کند ولادیمیر پوتین تحت نظارت ترامپ حمله می‌کرد.)

در زندگی سیاسی آمریکا در سال ۲۰۲۲ چند الزام ضروری‌تر از مهار لیگاری‌های شرکت فناوری بزرگ و بازپس‌گیری دموکراسی ریشه دار "ما مردم" از تکنوکراسی دره سیلیکون وجود دارد. بحث فناوری بزرگ اغلب با لفاظی و عبارت‌شناسی «سانسور» و «سخنرانی» پخش می‌شود، اما راه بهتر برای مشاهده این بحث از دریچه حاکمیت و خودگردانی جمهوری خواه است. وقتی صحبت از جنگ‌های شرکت فناوری بزرگ به میان می‌آید، اساسی‌ترین سؤال نسخه‌ای از «چه کسی تصمیم می‌گیرد؟» است.

فروپاشی تمایز "عمومی" - "خصوصی"، حداقل در زمینه بارون‌های دزد فناوری بزرگ، این سوال را حل می‌کند. ما مردم باید تصمیم بگیریم. ما مردم باید مراقب نگهبانان باشیم. قوانینی که بر اساس آن میدان عمومی قرن بیست و یکم کار می‌کند را نمی‌توان به صورت خصوصی توسط دکترای علوم کامپیوتری نوشت. مسائل اساسی در اینجا برای جمهوری و شیوه زندگی ما بسیار اساسی است. ما باید قوانین را بنویسیم. ما باید حاکمیت خود را از گول‌های بیدار صنعت که برای تحمیل یک سیستم اعتباری اجتماعی آمریکایی به سرعت می‌جنگند، پس بگیریم.

اگر فناوری بزرگ بتواند انتخابات را تحت تأثیر قرار دهد و رئیس جمهور ایالات متحده را باز بدارد، کاری نیست که نتواند انجام دهد. همه گزینه‌های سیاست باید روی میز باقی بمانند تا شرکت فناوری بزرگ یک بار برای همیشه در جای خود قرار گیرد.

NEW YORK POST

میراث‌اندوین
نیویورک پست

رسانه‌ها از روابط بین جو بایدن و لپ تاپ هانتز اجتناب کردند

شگفتی‌ها هرگز متوقف نمی‌شوند. اول نیویورک تایمز سپس سی‌ان‌ان. اکنون تنها هجده ماه پس از افشای رسوایی نیویورک پست، واشنگتن پست با داستان لپ تاپ‌هانتز بایدن آشنا شده است.

اما اکنون، پس از اینکه داستان ما توسط بیگ‌تک سانسور شد و توسط منتقد دموکرات آدام شیف و جان برنان مدیر سابق سیا، به عنوان «اطلاعات نادرست روسی» رد شد، ظاهراً می‌توان اعتراف کرد که لپ تاپ واقعی است و ایمیل‌هایی که منتشر کردیم را می‌توان به راحتی احراز هویت کرد.

البته، همه آن‌ها از نتیجه‌ای که از شواهد موجود در لپ تاپ گرفته می‌شود، اجتناب می‌کنند که پسر رئیس جمهور، هانتز در آوریل ۲۰۱۹ در یک تعمیرگاه مک بوک در دلاور رها شده است. جو بایدن، زمانی که معاون رئیس جمهور بود، از یک طرح فاسد چند میلیون دلاری و نفوذ بین‌المللی که توسط هانتز و برادر جو بایدن، جیم بایدن، در کشورهایی مانند روسیه، اوکراین و چین که جو در دولت اوپاما نقش اول را داشت آگاه بود.

لپ تاپ‌هانتز قطعه بزرگی از پازل است که به چنین نتیجه تکان دهنده‌ای منجر می‌شود. اما همانطور که جان هاروود، خبرنگار سی‌ان‌ان در کاخ سفید گفت: علیرغم اذعان به این که مواد روی لپ‌تاپ نشان می‌دهد که هانتز «از نام پدرش برای به دست آوردن پول زیادی استفاده می‌کند»، واشنگتن پست و سی‌ان‌ان هر دو در تلاش بودند تا جو بایدن را از هرگونه دخالت در این طرح تبرئه کنند.

هاروود گفت: «شواهدی وجود ندارد که بایدن در رابطه با کاری که هانتز انجام داده است، اشتباهی انجام داده باشند.»

واشننگتن پست اعلام کرد « شواهدی پیدا نکرده است که جو بایدن شخصاً از معاملات با شرکت انرژی چینی (سی‌ای‌اف‌سی)، که پس از ترک معاونت ریاست‌جمهوری و قبل از اعلام قصد خود برای نامزدی کاخ سفید در سال ۲۰۲۰ انجام شد، بهره برده یا از جزئیات آن اطلاع داشته باشد.

بند یست و چهارم مقاله‌ای از نیویورک تایمز در اوایل این ماه اذعان داشت که اگر توسط هیئت منصفه دلاور که از هانتر به اتهام فرار مالیاتی، پولشویی و نقض قانون ثبت نمایندگان خارجی در حال تحقیق است، مورد اتهام قرار گیرد، صحت مدارک مربوط به لپ‌تاپ به صراحت رئیس‌جمهور را تبرئه نمی‌کند، بلکه صرفاً دفاعیات قانونی را که هانتر می‌تواند ارائه کند، تکرار می‌کند.

از سوی دیگر، هدف اولیه رسانه‌ها برای برکناری رئیس‌جمهور دونالد ترامپ از قدرت، مدت‌ها پیش محقق شد و جو بایدن اکنون آنقدر نامحبوب است که گزارش دادن درباره خانواده او برای دعوت به مهمانی شام دارای خطر کمتری است. از سوی دیگر، وقتی وکیل آمریکا در دلاور تحقیقات خود را درباره هانتر کامل می‌کند، نمی‌توانند مخاطبان خود را از بین ببرند. خدا نکند که خوانندگان و بینندگان آن‌ها از این واقعت بیدار شوند که توسط رسانه‌های انتخابی خود گمراه شده و در تاریکی قرار گرفته‌اند.

کنار گذاشتن حقایق

اما واشنگتن پست به جای اینکه تمام حقیقت را در اختیار خوانندگانش بگذارد، به طرز عجیبی حقایق مهم را در دو داستان مفصل درباره لپ‌تاپ در روز سه‌شنبه که در مجموع نزدیک به هفت هزار کلمه بودند، کنار گذاشت. بررسی داستان اصلی با عنوان « در داخل قراردادهای چندمیلیون دلاری هانتر بایدن با یک شرکت انرژی چینی » توسط واشنگتن پست جزئیات کلیدی را تأیید می‌کند و اسناد جدیدی از تعاملات خانواده بایدن با مدیران چینی ارائه می‌دهد.

این به جزئیات معاملات تجاری هانتر بایدن با شرکت سی‌ای‌اف‌سی می‌پردازد، که در آن اشاره‌ای به پروژه امپریالیستی رئیس‌جمهور شی جین‌پینگ که هدف آن به دام انداختن کشورهای در حال توسعه با وام‌های هنگفت و پیشی گرفتن از آمریکا به عنوان یک قدرت اقتصادی است، نمی‌کند.

اما از مبلغ شش میلیون دلاری که سی‌ای‌اف‌سی به حساب بانکی تجاری دوست خانوادگی بایدن، راب واکر، یک مقام سابق دولت کلینتون واریز شده است، بطوریکه همسرش، بتسی میسی واکر، دستیار جیل بایدن بانوی دوم بوده است، اشاره نمی‌کند. در ۲۳ فوریه ۲۰۱۷ و ۱ مارس ۲۰۱۷، دو مبلغ هر کدام به اندازه سه میلیون دلار، از استیت انرژی، یک شرکت مستقر در شانگهای مرتبط با سی‌ای‌اف‌سی، برای راب واکر واریز شد.

این پول پرداختی برای کارهای انجام شده توسط هانتر و شرکای تجاری او در طول دو سال آخر معاونت جو بایدن در کشورهایی مانند رومانی و روسیه بود، که هانتر کاهایی را با استفاده از نام بایدن باز کردن درها و یافتن خرید برای سی‌ای‌اف‌سی انجام داده است.

همچنین واشنگتن پست به شرکت سینوهاک هولدینگ که در ۱۵ می ۲۰۱۷ برای سرمایه‌گذاری مشترک بین سی‌ای‌اف‌سی، هانتر و شرکای تجاری او تاسیس شد، اشاره‌ای نمی‌کند.

شریک تجاری سابق هانتر، مدیر عامل سینوهاک، تونی بوبولینسکی، علناً گفته است که جو بایدن «مرد بزرگ» است. اما واشنگتن پست به طرز عجیبی از بوبولینسکی نامی نمی‌برد، اگرچه نام او در تمام ایمیل‌ها و اسناد روی لپ تاپ مربوط به سی‌ای‌اف‌سی وجود دارد. همچنین اشاره‌ای به این نکته نمی‌شود که بوبولینسکی دو بار در سال ۲۰۱۷ با جو بایدن ملاقات کرد تا صلاحیت او به عنوان مدیر عامل سینوهاک بررسی شود.

حذفیات عجیب

با توجه به اینکه این واشنگتن پست می‌گوید از ژوئن ۲۰۲۱ هارد دیسک لپ تاپ هانتر را در اختیار دارد، می‌توان نتیجه گرفت که اینها حذفیات عجیبی هستند که نقش جو بایدن را کم‌رنگ می‌کنند. سناتور جمهوری خواه رون جانسون از ویسکانسین که به همراه چاک گراسلی سناتور جمهوری خواه آیووا تحقیقاتی را در مورد هانتر انجام داده، بطوریکه دموکرات هانتر را به فروختن «اطلاعات نادرست روسیه» متهم کرده‌اند می‌گوید: واضح است که رسانه‌های شرکتی در کمک به انتخاب جو بایدن با سرکوب مطالبی که می‌دانستند مخرب است، همدست بودند.

او اضافه می‌کند که: «داستان واشنگتن پست را باید به عنوان چیزی که مشاوران نیکسون زمانی به عنوان «پاتوق محدود اصلاح شده» نامیدند تلقی کرد.»

بخش دیگری از پازل بایدن توسط تحقیقات جانسون و گراسلی ارائه شد که به «گزارش‌های فعالیت مشکوک» محرمان‌های که بانک‌ها ملزم به ارسال به وزارت خزانه‌داری هستند، دسترسی پیدا کرده بودند. این اطلاعات به آن‌ها اجازه داد تا میلیون‌ها دلار از طرف چین، روسیه، اوکراین و قزاقستان را که به حساب‌های مرتبط با هانتر و جیم بایدن و همکارانشان پرداخت می‌شده را ردیابی کنند.

جانسون می‌گوید تحقیقات آن‌ها توسط دموکرات‌ها متوقف شد، آن‌ها جلسات توجیهی جعلی اف‌بی‌آی را برای او تنظیم کردند و سپس جزئیات را به مطبوعات درز کردند تا شاهدانی را که او می‌خواست احضار کند، مانده‌انتر و شرکای او را مورد تردید قرار دهند.

جانسون می‌گوید که تحقیقات آن‌ها توسط دموکرات‌ها که جلسات توجیهی جعلی اف‌بی‌آی را برای او تنظیم کرده بودند، با مانع مواجه شد.

اما اعضای کمیته جمهوری خواه جانسون نیز بودند که مانع شدند و اعدادی را که جانسون برای احضار شهود نیاز داشت در زمانی که حزبش قدرت داشت رد کردند.

جانسون نامی از آن‌ها نمی‌برد، اما سناتورهامیت رامنی و راب پورتمن دو جمهوری‌خواهی بودند که ظاهراً به ماهیت «سیاسی» احضاریه‌ها اعتراض داشتند.

جانسون و گراسلی اکنون تبرئه شده‌اند، اما تصور کنید اگر آن‌ها توسط تیم خودشان حمایت می‌شدند، تاریخ چقدر متفاوت می‌بود و جو بایدن احتمالاً امروز رئیس جمهور نبود.



ام‌اس‌ان
دوهمین سالش

نظریه: ادغام استاندارد دوگانه با اطلاعات لپ‌تاپ هانتربایدن، از آنچه فکر می‌کنید وخیم‌تر است

یک نماینده دموکرات خشمگین به دادستان کل گارلند گفت: «شما کار خود را انجام دهید تا ما هم بتوانیم کار خود را انجام دهیم». الین لوریا، عضو کمیته منتخب نمایندگان مجلس و سایر اعضای کمیته ابراز ناامیدی کردند که چرا مریک گارلند و وزارت دادگستری هنوز در مورد رأی ۱۴ دسامبر ۲۰۲۱ از سوی مجلس که به اتهامات جنایی علیه مارک مدوز، رئیس دفتر سابق کاخ سفید دونالد ترامپ مربوط می‌شود، اقدام نکرده‌اند.

اما ناامیدی اکثریت از گارلند، بسیار فراتر از سکوت سه ماهه مدوز است. این واقعیت که ما کوچک‌ترین چیزی از تحقیق گارلند در مورد ترامپ به دلیل تلاش برای کودتا برای براندازی انتخابات ۲۰۲۰ و جنایات احتمالی در ارتباط با حمله ۶ ژانویه به ساختمان کنگره نمی‌شنویم، فراتر از ناامیدی و نارضایتی است. دادگاه فدرال در روز دوشنبه اذعان کرد که با توجه به تلاش‌های ترامپ برای جلوگیری از تأیید پیروزی جو بایدن، «به احتمال زیاد» مرتکب جرم شده است؛ این اتفاق موجب شد تا توقعات از گارلند برای اقدام کردن، بیش از پیش شود.

در حالی که تمرکز این پرونده درخواست جان ایستمن وکیل سابق ترامپ برای خودداری از برخی اسناد درخواست شده توسط کمیته ۶ ژانویه بود، قاضی دادگاه منطقه‌ای، دیوید کارتر، یک پرونده اتهام برانگیز علیه ترامپ به دلیل رفتار او پیرامون ۶ ژانویه مطرح کرد.

همان‌طور که قاضی نوشت، ترامپ و وکیلش «کارزاری را برای براندازی یک انتخابات دموکراتیک، اقدامی بی‌سابقه در تاریخ آمریکا به راه انداخته بودند» و افزود: «این یک کودتا در پی جستجوی یک نظریه قانونی بود»؛ و قاضی توضیح داد که اگر

طرح ترامپ و ایستمن جواب می‌داد، انتقال مسالمت‌آمیز قدرت برای همیشه خاتمه می‌یافت و دموکراسی و قانون اساسی آمریکا را تضعیف می‌کرد.

قاضی کارتر افزود که اطرافیان ترامپ، از جمله ویلیام بار، دادستان کل وقت ترامپ، به وی اطلاع داده بودند که هیچ مدرکی دال بر تقلب در انتخابات وجود ندارد؛ با این حال، ترامپ به تلاش‌های ناموجه خود برای لغو نتایج انتخابات ادامه داد و مایک پنس، معاون رئیس‌جمهور را تحت فشار قرار داد تا اجازه ندهد کنگره نتایج انتخابات را در ۶ ژانویه تأیید کند.

سپس دادگاه، ضمن پرداختن به آنچه که به عنوان «استثنای جرم کلاه‌برداری» به امتیاز و کیل-موکل شناخته می‌شود، دو جنایت فدرال را که کمیته ۶ ژانویه ادعا می‌کند ترامپ ممکن است مرتکب شده باشد، تحلیل کرد: «ممانعت از رسیدگی رسمی» و «توطئه برای کلاه‌برداری». قاضی پس از بازخوانی دقیق رفتار ترامپ و ایستمن در مورد این جنایات فدرال، صراحتاً نتیجه گرفت که: «غیرقانونی بودن این طرح آشکار بوده است».

تیلور بودویچ، سخنگوی ترامپ در واکنش به حکم قاضی اظهار داشت: «این حکم پوچ و بی‌اساس منصوب‌شده توسط قاضی، نمونه دیگری از این است که چگونه چپ‌ها هر شاخه‌ای از دولت را علیه ترامپ مسلح می‌کنند». ایستمن اظهار داشت که موکلش «با احترام با یافته‌های قاضی مخالف است»، اما از حکم صادره تبعیت خواهد کرد.

سی‌ان‌ان در روز چهارشنبه گزارش داد که تحقیقات وزارت دادگستری درباره فعالیت‌های تجاری پسر رئیس‌جمهور، هانتز بایدن، «در ماه‌های اخیر، با انبوهی از شاهدان که به بازرسان فدرال شهادت می‌دهند و انتظار می‌رود در هفته‌های آینده مصاحبه‌هایی را ارائه کنند، افزایش یافته است». سی‌ان‌ان همچنین به نقل از منابع گزارش داد که هانتز بایدن تخلف را رد کرده است و پدرش به عنوان بخشی از این تحقیقات مورد بازجویی قرار نمی‌گیرد.

گارلند اخیراً گفت که می‌خواهد اطمینان حاصل کند که تصمیمات وزارت دادگستری در مورد پیگرد قانونی «بر اساس حقایق و قانون گرفته می‌شود» و «آن‌ها بر اساس هیچ نوع ملاحظاتی جناحی نیستند». اگر شواهد معتبری وجود داشته باشد که هانتز بایدن، یا هر فرد دیگری، دموکرات یا جمهوری‌خواه، ممکن است مرتکب جنایت فدرال شده باشد، باید تحقیقات وزارت دادگستری انجام شود. بسیاری معتقدند که وزارت دادگستری هیچ مشکلی با تحقیق درباره افرادی به نام بایدن و کلینتون ندارد، اما علیرغم وعده گارلند در ژانویه مبنی بر اینکه «وزارت دادگستری به نگرانی‌ها نگاه نداشته و همه مجرمان ۶ ژانویه در هر سطحی، متعهد است، هیچ نشانه‌ای از تحقیق درباره ترامپ وجود ندارد»؛ و هر چه این استانداردهای دوگانه آشکار ادامه یابد، آمریکایی‌ها بیشتر این سؤال را خواهند داشت که آیا در واقع «ملاحظات جناحی»، تصمیمات وزارت دادگستری را در مورد ترامپ جهت می‌دهد یا خیر.

قاضی کارتر نظر خود را با این جملات به پایان رساند که مطمئنم بسیاری با آن موافق‌اند: «بیش از یک سال پس از حمله به کنگره ما، مردم همچنان به دنبال پاسخگویی هستند»؛ وی سپس به طرز نگران‌کننده‌ای افزود که: «اگر کشور متعهد به تحقیق و پیگیری مسئولین نباشد، دادگاه می‌ترسد که ۶ اتفاق ژانویه تکرار شود».

اگر ترامپ برای کودتا و حمله ۶ ژانویه‌اش پاسخگو نباشد، خود و دیگر رئیس‌جمهورهای آینده به فکر انجام و تکرار این اقدامات می‌افتند. با توجه به اینکه جمهوری دموکراتیک‌ها در تعادل است، چالش‌ها برای بزدل‌ها بسیار زیاد است؛ خواسته همه کسانی که به دنبال حفظ آن هستند این است: «دادستان کل گارلند، وظیفه خود را انجام دهید».

Just the News.

جاست‌انویز
جان‌سولومون

پرسش‌های بی‌پاسخ رون جانسون درباره فساد سال ۲۰۲۰ بیش از هر زمانی برای دولت جو بایدن جنجال درست کرده است

قبل از انتخابات ۲۰۲۰، زمانی که دموکرات‌ها و حامیان رسانه‌های شرکتی خود همچنان ادعا می‌کردند که داستان رسوایی هانتر بایدن اطلاعات غلط روسیه است، سناتور جمهوری خواه، ران جانسون، در نامه‌ای سرگشاده به آمریکا سوالاتی را از جو بایدن، نامزد آن زمان کشور مطرح کرد. در آن زمان پرسش‌ها را مانند سایر رسوایی‌های بایدن نادیده گرفتند. با این حال سوالات بر اساس حقایق و داده‌هایی بود که بازرسان کمیته امنیت داخلی و امور دولتی سنای جانسون در طول دو سال به دست آورده بودند.

اکنون بعد از گذشت دو سال، گول‌های رسانه‌ای مانند نیویورک تایمز، واشنگتن پست و سی‌ان‌ان، به سرعت موضع خود را تغییر دادند و اذعان کردند که فعالیت‌های تجاری بین‌المللی هانتر بایدن سبب مسائل و مشکلات حقوقی شده و شواهدی که در لپ‌تاپش در سال ۲۰۱۹ در تعمیرگاهی از ایالت دلاور باقی مانده بود، تا کنون صحت داشته است. اکنون هیئت منصفه

فدرال در دلاور تحقیقاتی را در خصوص ارتباطات تجاری او در اوکراین و چین، مسائل مالیاتی، لابی گری های خارجی و سایر مسائل به عمل آورده است، اما پرسش های بی پاسخ جانسون بزرگتر و جنجالی تر از همیشه به نظر می رسد. احتمالاً برخی از دموکرات ها برای محاکمه او آماده می شوند. هانتر بایدن اذعان کرده که تحت بازجویی است، اما رفتار غیرقانونی یا ادعاهای حقوقی علیه خود را رد کرده است.

طی آخرین اطلاعات بدست آمده از گزارشات اصلی دو سال گذشته جاست نیوز، سوالاتی که جانسون در نامه ی آگوست ۲۰۲۰ از جو بایدن، پدر هانتر پرسیده به قرار زیر است:

۱. چرا در ۱۶ آوریل ۲۰۱۴ با دوون آرچر، شریک تجاری پسران که اکنون محکوم شده است، در کاخ سفید ملاقات کردید؟ چه مسائلی مطرح شد؟ آیا درباره ی اوکراین، هانتر بایدن یا شرکت نفت و گاز بوریسما صحبت کردید؟

۲. آیا مطلع بودید که دوون آرچر شش روز بعد به هیئت مدیره بوریسما پیوست؟

۳. شما در آوریل ۲۰۱۴ در کیف، طی یک سخنرانی از اوکراین خواستید تولید گاز طبیعی خود را گسترش دهد. به دنبال آن، هانتر بایدن و آرچر در ایمیل های خصوصی به هلدینگ بوریسما، بواسطه ی بیانات شما اعتبار کسب کردند؛ هدف اصلی شما از مطرح کردن این درخواست چه بود؟ آیا این موضوع ارتباطی با پسران یا شریک تجاری اش داشت؟

۴. آیا می دانستید که صاحب شرکت بوریسما، میکولا زلوچفسکی را به عنوان یک چهره ی الیگارشی فاسد می شناختند؟ و حساب بانکی ۲۳ میلیون دلاری او در لندن، پانزده روز قبل از پیوستن هانتر بایدن به هیئت مدیره ی یکی از شرکت های او، توسط مقامات انگلیسی توقیف شده بود؟

۵. آیا هانتر بایدن از توقیف حساب بانکی زلوچفسکی اطلاع داشت؟

۶. چه زمان از فساد زلوچفسکی و بوریسما باخبر شدید؟

۷. به نظر شما اتهامات فساد علیه زلوچفسکی بوریسما واقعی است؟

۸. آیا از پیوستن هانتر بایدن به هیئت مدیره بوریسما در آوریل ۲۰۱۴ اطلاع داشتید؟ دقیقاً چه زمان مطلع شدید که هانتر بایدن به هیئت مدیره بوریسما پیوسته است؟ از چه زمان متوجه شدید که هانتر بایدن باید خساراتی را به بوریسما می پرداخت؟

۹. فکر می کنید چرا بوریسما، آرچر و پسر شما را برای عضویت در هیئت مدیره خود استخدام کرد و به آنها پول پرداخت کرد؟

۱۰. فکر می کنید هانتر بایدن چه مهارت ها یا دانشی داشت که او را واجد شرایط عضویت در هیئت مدیره بوریسما با درآمد ماهیانه ۵۰۰۰۰ تا ۱۶۶۰۰۰ دلاری کرد؟

۱۱. از چه زمان متوجه شدید که پسران برای برخی از مشاغل خود در خارج از کشور (مانند پول دریافتی از بوریسما)، مالیات پرداخت نمی کنند؟

۱۲. اولین بار چه زمانی متوجه شدید که فرزندان توسط دولت فدرال تحت بازجویی است؟
به گفته‌ی مقامات وزارت امور خارجه، خدمات پسران در بوریسما، زمانی که به عنوان معاون رئیس جمهور بر سیاست‌های خارجی آمریکا با اوکراین نظارت داشتید، تضاد منافع را نشان می‌دهد. علاوه بر این، آنها در یک ایمیل محرمانه در سال ۲۰۱۶ نوشتند که این تضاد تلاش‌های ضد فساد آمریکا در اوکراین را تضعیف کرد. این انتقادات را چگونه توجیه می‌کنید؟
۱۴. دادستان کل سابق اوکراین، ویکتور شوکین، دقیقا چه کاری کرد که شما تهدید کردید اگر رئیس جمهور پروشنکو او را برکنار نکند، کمک یک میلیارد دلاری به اوکراین را لغو می‌کنید؟
۱۵. از معاملات تجاری هانتر بایدن در چین می‌دانید چه می‌دانید؟
۱۶. یک سری یادداشت در سال ۲۰۱۷ به یک معامله تجاری چینی اشاره داشت که پسر شما در آن دست داشت و ۱۰٪ از سهام را برای "مرد بزرگ" در نظر گرفته بود. درباره آن چه می‌دانید؟
آیا شما در این طرح نقش داشتید؟
۱۷. در مورد تماس‌های تجاری پسران با النا باتورینا، الیگارش روسی چه اطلاعاتی دارید؟
۱۸. آیا تا به حال با شرکای تجاری خارجی هانتر بایدن در کشورهای چین، روسیه یا اوکراین، مانند وادیم پاژارسکی و باتورینا از شرکت بوریسما و یا شوهر شهردار مسکو، ملاقات کرده‌اید؟
۱۹. از مزایای مالی برادران و خواهر شوهرتان به دلیل روابط خویشاوندی آنها با شما چه می‌دانید؟
۲۰. ایمیل‌هایی که روی لپ‌تاپ پسران یافت شده اکنون در دست اف بی آی است و به حساب‌ها یا صورت‌حساب‌های مشترک او با شما مربوط می‌شود، آیا تا به حال از معاملات تجاری پسران پول، هدیه یا سود مالی دریافت کرده‌اید؟

<https://cutt.ly/xD5b0Nv>

POLITICO

چشم‌انداز
بررسی

دیوان عالی کشور هرگز غیرسیاسی نبوده است

هر روز نیست که همسر یک قاضی دادگاه عالی در حال توطئه برای لغو نتایج یک انتخابات آزاد و عادلانه است. افشای خیره‌کننده پیام‌های متنی بین ویرجینیا توماس، معروف به جینی، و رئیس وقت ستاد، مارک میدوز در ژانویه ۲۰۲۱، تهدیدی برای از بین بردن آخرین بخش از زیر مجموعه‌ای است که بسیاری از آمریکایی‌ها قبلاً اعتماد خود را به آن از دست داده‌اند.

به گفته گالوپ، درصد پاسخ دهندگانی که شیوه اجرای وظایف دیوان عالی را تایید می‌کنند، طی دو دهه گذشته از ۶۰ درصد به تنها ۴۰ درصد کاهش یافته است. در همین دوره، درصد مخالفان از تنها ۲۹ درصد به ۵۳ درصد افزایش یافت. در یک نظرسنجی جداگانه، کوئینسیا کوئینسیپاک دریافت که ۶۱ درصد از پاسخ دهندگان از جمله اکثریت جمهوری خواهان معتقدند که قضات اساساً با انگیزه سیاست هستند. تنها ۳۲ درصد معتقدند که قضات با قانون پیشروی می‌کنند. نگرانی بی دلیل نیست. اما ایده دادگاه غیرسیاسی یک تحول نسبتاً جدید است. در بخش بهتری از تاریخ آمریکا، دادگاه عالی ایالات متحده یک نهاد حزبی و سیاسی بسیار بیشتر از آنچه ما به یاد داریم بود. قضاتی که روی میز آن نشستند، زمانی منتخبان آینده، مشاوران روسای جمهور و حتی خود کاندیدای ریاست جمهوری بودند. از جان مک‌لین و سالمون پی چیس در قرن نوزدهم تا ویلیام داگلاس در قرن بیستم، قضات اغلب کاخ سفید را زیر نظر داشتند. آبه فور تاس خط تلفن مستقیمی با رئیس جمهور ایالات متحده داشت و حتی برخی از سخنرانی‌های خود را نوشت. قضات همچنین درآمد خارجی را پذیرفتند و به گروه‌های ذینفع شخص ثالث وابسته بودند.

اینکه آیا دیوان عالی ایالات متحده باید سیاست را در فاصله دور نگه دارد یا خیر، یک سوال است. این که آیا از نظر تاریخی چنین بوده است، چیز دیگری است.

در اوایل جمهوری، زمانی که تشکیل دهنده‌های دولت جدید تلاش می‌کردند تا مبانی نظری حاکمیتی را که در قانون اساسی ترسیم کرده‌اند در عمل ترجمه کنند، دیوان عالی از سیاست حذف نمی‌شد. جان جی، رئیس اول دادگستری کشور، به عنوان مشاور سیاسی و حقوقی نزدیک جورج واشنگتن، رئیس جمهور سابق، خدمت می‌کرد. او همچنین همزمان در دربار و به عنوان سفیر در بریتانیای کبیر خدمت می‌کرد و در این سمت به مذاکره برای یک معاهده صلح بزرگ بین دو کشور پرداخت. جان مارشال، قاضی اعظم که به طور مشهور حق بازنگری قضایی را که در قانون اساسی مشخص نشده بود، به دادگاه واگذار کرد، در تمام مدت تصدی خود در این دادگاه در سیاست فدرالیست هم در سطح ملی و هم در ایالت ویرجینیا فعال بود.

مطمئناً، اعضای دادگاه به طور ضمنی تصدیق کردند که هر یک از شاخه‌های حکومت مستقل از شاخه‌های دیگر است. اگرچه جان جی مکرراً به واشنگتن مشاوره سیاسی ارائه می‌کرد، زمانی که توماس جفرسون، که در آن زمان وزیر امور خارجه بود، از او خواست به ۲۹ سؤال پیرامون پیامدهای حقوقی جنگ‌های ناپلئونی پاسخ دهد، جی با این استدلال که از آنجایی که قوه قضاییه و قوه مجریه از جهات خاصی علیه یکدیگر بررسی می‌شدند، و اینکه ما در آخرین راه، قضات دادگاه بودیم، استدلال‌های قوی علیه درستی تصمیم‌گیری فراقانونی ما در مورد سؤالات مطرح شده وجود داشت. در غیر این صورت، جی و قاضی‌های همکارش خوشحال بودند که روی سیاست سنجش می‌کردند. اما آن‌ها در مورد قانونی بودن وکیل خود قبل از دعاوی احتمالی اظهار نظر نمی‌کردند.

اما آیا دادگاه غیرسیاسی است؟

تعدادی از اعضای آن چنین فکر می‌کنند. با این حال، افکار عمومی غیر از این است. مناقشه بر سر ویرجینیا توماس آخرین مورد از مجموعه رویدادهایی است که باعث شده بسیاری از آمریکایی‌ها به دادگاه به عنوان ابزاری برای قدرت سیاسی خام نگاه کنند، نه داوری بی‌غرض از قانون. سیاستمداران بیشتر تقصیر را به دوش می‌کشند: جلسات بسیار پرمشقت برای تایید، بازی قدرت میچ مک کانل برای انکار باراک اوباما، رئیس جمهور سابق، فرصتی برای پر کردن جای خالی در سال ۲۰۱۶ و تصمیم بعدی او برای انتقال یک نامزد از طریق فرآیند تایید پس از آن که میلیون‌ها رای دهنده در رای دادن در انتخابات شرکت کردند. در سال ۲۰۲۰، بحث‌های مربوط به گسترش دادگاه همگی به این باور فراینده کمک می‌کند که دادگاه یک دارایی حزبی است.

قضات نیز مسئولیت دارند. استفاده تهاجمی اکثریت محافظه‌کاران از سند سایه برای زیر پا گذاشتن قوانین، به طور منطقی بسیاری از دموکرات‌ها و مستقل‌ها را به این فکر واداشته است که آیا دادگاه اکنون به‌عنوان ابزاری صریح عمل می‌کند تا جمهوری‌خواهان در دادگاه آنچه را که نمی‌توانند از طریق فرآیند قانون‌گذاری به دست آورند، انجام دهند. این نگرانی منطقی وجود دارد که اگر دادگاه عالی مشروعیت خود را از دست بدهد، اکثریت آمریکایی‌ها این نهاد را به عنوان یک نهاد و نه بالاتر از سیاست درک کنند. اگر قضات صرفاً ابزار بی‌پرده در جنگ‌های حزبی ما باشند، نمی‌توانند داوران منصف قانون باشند.

نظام حقوقی آمریکا

substack

آرون سیپاریوم
پارلیس ساراستک

تسخیر سیستم حقوقی آمریکا

دفاع از کمونیست‌ها، تروریست‌ها و قاتلان پلیس هرگز باعث خوشحالی مردم نبوده است، این کاری است که وکلا گاهی باید انجام دهند: دفاع از افرادی که منفور هستند. به عنوان مثال زمانی که جمهوری خواهان کنگره به وکلایی به دلیل وکالت از زندانیان کوانتانامو حمله کردند. اتحادیه آزادی‌های مدنی آمریکا خاطر نشان کرد که جان آدامز به نمایندگی از سربازان انگلیسی متهم به شرکت در کشتار بوستون افتخار می‌کند و این را یکی از بهترین خدماتی که تا به حال برای کشورش انجام داده است می‌نامد. اندرو کوپلمن، محقق برجسته لیبرال قانون اساسی گفت: این ایده که افراد گناهکار نباید وکیل بگیرند، سیستم حقوقی را در ریشه خود مورد حمله قرار می‌دهد. مردم می‌پرسند: چگونه

می‌توانید نماینده کسی باشید که گناهکار است؟ پاسخ این است که جامعه ای که در آن افراد متهم به طور طبیعی دفاعی دریافت نمی‌کنند، جامعه ای نخواهد بود که شما مایل به زندگی در آن باشید. این یک جامعه تمامیت خواه است. یک کابوس.

نظام حقوق متخاصم که در آن هر دو طرف منازعه به شدت توسط وکلایی که منفعت خاصی در برنده شدن موکل خود دارند، نمایندگی می‌شود. این در قلب نظم قانون اساسی آمریکا قرار دارد. از زمان های بسیار قدیم دانشکده های حقوقی سعی کرده اند دانشجویان خود را برای شرکت در این سیستم آماده کنند.

اکنون اما سیاسی شدن و قبیله گرایی زندگی دانشگاهی، انتظارات قدیم را در مورد عدالت و بی طرفی از بین برده است. الزامات نژاد، جنسیت و هویت برای بیشتر دانشجویان حقوق مهمتر از روند قانونی، فرض برائت و همه هنجارها و ارزش هایی است که در اساس آنچه ما به عنوان حاکمیت قانون می‌پنداریم.

البته منتقدان این ارزش ها چیز جدیدی نیستند. نظریه نژاد انتقادی همانطور که در ۱۹۸۰ نامیده شد، با نقد اصول بی طرف عدالت آغاز شد. استدلال به ای صورت بود: از آنجایی که ایالات متحده به صورت سیستمی نژادپرست بود و از آنجایی که نژاد پرستی در نهاد های سیاسی، حقوقی، اقتصادی و فرهنگی کشور پخته شد. بی طرفی و این اعتقاد که سیستم نباید به دنبال سود بردن از هیچ گروهی باشد، استتار و حتی ترکیب شده است. آن نژادپرستی در واقع تنها راه برای خنثی سازی این بود که تظاهر کردن به بی طرفی را کنار بگذاریم و واقعا بی طرف باشیم. اینگونه بود که کفه ترازو را به نفع کسانی که برای شروع هرگز تکان منصفانه ای نداشتند، خم کردیم.

<https://cutt.ly/1DEN8JN>

Washington[®] MONTHLY

واشنگتن مانثلی
کارولین فریزر ریگلسان

دیوان عالی آمریکا

دوباره قانون اساسی را مردمی می‌کند

اخیرا دیوان عالی کشور ایالات متحده‌ی آمریکا، قوانین مربوط به حفظ حق رای، بهداشت باروری و حدود نقش دین در مجامع عمومی را کاملاً زیر پا گذاشته است.

این امر تاثیر چندانی بر شهروندان آمریکایی ندارد و ممکن است مسئله‌ی نگران کننده‌ای برای آن‌ها نباشد، اما توانایی و اختیارات ما را در خصوص تنظیم تجارت و بررسی رشد انحصارات شرکتی به میزان قابل توجهی محدود کرده و در نتیجه سبب نابرابری شدیدی شده است.

جوزف فیشکین و ویلیام ای. فوربث در کتاب جدید خود، قانون اساسی ضد الیگارش‌ی و اعتبار و مشروعیتی که هنوز لیبرال‌ها برای دادگاه قائل هستند را به چالش می‌کشند. در اواسط قرن دوم لیبرال‌ها یاد گرفتند که به نقش دادگاه آمریکا در جامعه احترام بگذارند. اما در ادامه، به استدلال فیشکین و فوربث، لیبرال‌ها شروع به پذیرش گزارش‌ها و قضایایی کردند که اصلاح‌طلبان هرگز به دادگاه عالی کشور نسبت نمی‌دادند.

اول اینکه ما به این باور رسیده‌ایم که قانون اساسی حوزه‌ای و فنی و تخصصی است که به دست سیاستمداران و کارشناسان حقوقی و نخبه به درستی اداره می‌شود. سیاستمداران و فعالان سیاسی پیشنهادات و انتقادات خود را به دادگاه عالی کشور می‌رسانند و در نهایت قضات دیوان عالی بر خلاف روندهای دموکراتیک تصمیم می‌گیرند که کدامیک بر اساس قانون اساسی است و کدام یک نیست.

دوم اینکه، ما به آن تفسیر از قانون اساسی پایبند هستیم که بر اساس آن، کنگره بدون هیچ الزامی برای پیشبرد اهدافی مانند

برابری امکانات و طبقه‌ی متوسط و مرفه جامعه که برای عملکرد یک جمهوری دموکراتیک سالم ضروری است، عمل کند. برای مثال، لیبرال‌های امروزی ادعا می‌کنند که قانون اساسی به دولت فدرال اجازه می‌دهد که کارگران با کارفرمایان خود در سیستم تامین اجتماعی مشارکت کنند و ما به دنبال منصوب قضاتی هستیم که با خواسته‌های ما موافق باشند. اما تعداد کمی فکر می‌کنند که کنگره طبق قانون اساسی ملزم به تصویب قوانینی است که از شهروندان در برابر فقر محافظت می‌کند. جوزف فیشکین و ویلیام ای. فورث، در کتاب خود به نحوه نگرش آمریکایی‌های قرن دوم به قانون و اقتصاد پرداخته‌اند. در قرن دوم نیاکان ما اغلب با خشونت بر سر بسیاری از مسائل، از جمله برده داری و بایدها و نبایدهای حق رای اختلاف نظر داشتند. از میان کسانی که حق رای داشتند و از استقلال مالی کافی برای اجتناب از نوکری ثروتمندان و قدرتمندان برخوردار بودند، تقریباً همه از اینکه دموکراسی به عوام فریبی انحطاط یابد، اتفاق نظر داشتند. از این پس، وظیفه‌ی هر دولت دموکراتیکی این بود که با انحصار مخالفت کند، در غیر این صورت باید بازارهایی ایجاد می‌شد که در آن طبقه‌ی مرفه در مالکیت طبقه‌ی متوسط جامعه پرورش می‌یافتند. آنها استدلال می‌کنند که هر انقلاب یا نهضتی باید بر اساس این عقیده شکل گیرد که دارایی دولت متعلق به مردم است نه اشراف و ثروتمندان.

در اواسط قرن نوزدهم، اعضای حزب جمهوری خواه تازه تأسیس، بر اساس سنت دموکراسی خواستار لغو برده داری و توزیع گسترده زمین‌های عمومی شدند.

بحث بر سر برده داری به جنگ داخلی تبدیل شد، جمهوری خواهان شکل گیری حکومت جمهوری خواهانه را برای هر ایالتی الزامی دیدند تا کنگره هم "حقوق مدنی اساسی و هم کالاهای اساسی اجتماعی" را برای مردم تامین کند. پس از جنگ داخلی، جمهوری خواهان رادیکال دوباره به سنت دموکراسی متوسل شدند؛ آن‌ها نه تنها برای تصویب متمم‌های قانون سیزدهم، چهاردهم و پانزدهم تلاش کردند بلکه برای وضع قوانینی علیه نابرابری به پا خواستند که شامل قانون حقوق مدنی ۱۸۶۶ می‌شد و به موجب آن آزادی رسمی قراردادها و حق مالکیت را تضمین می‌کرد، علاوه بر آن تاسیس مدارس رایگان و توزیع برابر زمین های عمومی غیر اشغالی به پناهندگان و آزادگان انجام شد.

فیشکین، فورث: "لیبرال‌ها ناخواسته پذیرفتند که قضات داوران نهایی وضع قوانین هستند." همچنین گسترش اقتصادی طبقه متوسط پس از جنگ در تغییر نگرش نسبت به دربار نقش داشت. اتحادیه‌ها با کاهش قراردادهای تجاری آزادی خواهانه و مقررات زدایی شروع به کاهش طبقات متوسط کردند که این امر قدرت اتحادیه‌ها را از بین می‌برد. در اواخر قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰، فدرال شاهد بسیاری از برنامه‌های خود بود که توسط دادگاه عالی خنثی شد. بایدن در حال حاضر با چالش مشابه رو به رشدی مواجه است. دادگاه فعلی مصمم است نظرات خود را در مورد "آزادی" اقتصادی در قانون حفظ و تثبیت کند. فیشکین و فورث می‌گویند که ما به دیدگاه مثبت قانون اساسی نیاز داریم تا حکومت مردمی و طبقه متوسط جامعه را بالا ببرد. نویسندگان مکلیسم‌های تخصصی دیگری را برای مهار قدرت دادگاه پیشنهاد می‌کنند، از جمله ایجاد محدودیت‌هایی در صلاحیت و اختیارات آن.

در نهایت، نویسندگان یک بستر قوی برای اصلاحات ساختاری نظام سیاسی ما، از جمله اصلاحات قانون اساسی برای لغو مجمع الکترا و اصلاح مجلس سنا پیشنهاد می‌کنند، درست همانطور که نیاکان ما در اعمال مالیات بر درآمد، انتخاب مستقیم سناتورها و حق رای زنان پیشگام بودند.

افزایش نرخ تورم و بیکاری در آمریکا

Bloomberg

بلاومبرگ
لستینگ میگزین

توصیه‌های تو خالی مربوط به تورم از دهه‌ی ۷۰ وجود داشته و همچنان ادامه دارد.

از آخرین باری که نرخ تورم در ایالات متحده به اندازه‌ی اکنون بالا بوده است، مردم، روزنامه‌نگاران و مقامات دولتی خوش‌نیت تا کنون سیلی از توصیه‌های خود را در مورد چگونگی مقابله با قیمت‌های سرسام‌آور ارائه کرده‌اند.

از آنجا که شهروندان عادی و دولت فدرال با قیمت‌های فزاینده که از اواخر دهه ۱۹۶۰ شروع شد دست و پنجه نرم می‌کردند، بسیاری از توصیه‌ها بر تجارت پیش پا افتاده بودجه‌بندی متمرکز بود. اجبار تلخی برای مردم بود که با کاهش قدرت خرید دلار، سرسختانه تلاش کردند تا از پس امرار معاش برآیند.

امروزه توصیه‌ها و تکنیک‌های مبارزه با تورم در دهه‌ی ۱۹۷۰ ارزش دوباره خواندن را دارند.

صرفه جویی فردی در دهه ۱۹۷۰، گویی یک جنگ میهنی علیه تورم را به تصویر می کشید. دولت نیز برای کمک حضور داشت؛ از کمپین مبارزه با تورم شلاقی جرالند فورد گرفته تا سخنرانی های رئیس جمهور جیمی کارتر در مورد زندگی در حد توان و امکانات فردی. سیاستمداران گفتند با توصیه هایی چون خرید مقرون به صرفه، صرفه جویی در مخارج و کاهش مصارف غیر ضروری می توان درد تورم را کاهش داد. برای مثال، با خرید روتختی جدید دیگر نیاز به تعویض مبلمان اتاق خواب نیست.

لس آنجلس تایمز در مورد خانواده های سطح غیرمرفه که با تورم دست و پنجه نرم می کنند، گزارش داد که با مواد اولیه ی ساده تری غذا می پزند و خریدهای محتاطانه تری پیش گرفته اند. بین سال های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰، قیمت گوشت گاو ۱۳٪ و مرغ ۱۲٪ افزایش یافت. به تبع آن کشاورزی و خرید محصولات غیر گوشتی افزایش پیدا کرد. در سال ۱۹۷۵، غذایی به نام همبرگر هلیپر با هدف مبارزه با تورم تحت عنوان روشی خوشمزه برای مقابله با گرانی در تلویزیون تبلیغ شد. این یکی از محصولات نیمه آماده برند بتی کروکر است که تهیه ماکارونی چرخ کرده را تنها با چند ماده ساده و آسان پیشنهاد می کند. این غذا سریع و آسان آماده می شود و برای کسانی که به دلیل شرایط کاری یا خانوادگی مشغول به کار هستند، انتخابی عالی و مقرون به صرفه است.

مادران برای کودکان شیرخوار خود شیر خشک ارزان قیمت خریدند و آن را با شیر معمولی مخلوط کردند. صنایع غذایی توانست نوعی روغن نباتی به نام مارگارین را به عنوان جایگزین کره به ارمغان بیاورد که در حال حاضر، عنصر مهمی در دستورالعمل تهیه بسیاری از غذاها می باشد. سایر مصرف کنندگان به خرید گوشت از عمده فروشان روی آوردند. تعاونی های مواد غذایی با وعده هایی مبنی بر حذف واسطه ها از فروشگاه ها به وجود آمدند. در اواخر دهه ۱۹۷۰، بسیاری از مصرف کنندگان به این نتیجه رسیدند که می توانند با استفاده از کارت های اعتباری ترفند مشابه با قوانین قدیمی مربوط به ربا را در آن دوران انجام دهند. به این صورت که آن ها نرخ های بهره ای را که بانک ها می توانستند از مشتریان خود دریافت کنند، محدود می کردند. در این حالت مصرف کنندگان با نرخ بهره کمتر از نرخ تورم، با کاهش ارزش وام یا بدهی پیش می رفتند. البته شرکت های کارت اعتباری از این موضوع آگاه بودند. به دنبال آن، بانک شهر مرکزی حل مشکل را بر عهده گرفت و با انتقال این شیوه به داکوتای جنوبی به کاهش سقف نرخ بهره کمک کرد.

پس از یک دهه مبارزه با افزایش بی پایان قیمت ها، کشور در وضعیت بدی قرار گرفت. خرید شیرخشک یا خرید با کوپن تأثیری نداشت. این درسی است که ارزش یادآوری را دارد زیرا با این چشم انداز وحشتناک روبرو هستیم که تورم امروز مانند تورم دیروز و فردا خواهد بود.

THE HILL

دنیال
آشوروزیچ

دموکرات‌های کنگره خارج از کسب و کارهای کوچک آمریکا هستند

اداره آمار کار اخیراً اعلام کرد که شاخص قیمت تولیدکننده که هزینه‌های عمده‌فروشی مشاغل را اندازه‌گیری می‌کند، طی سال گذشته ۱۰ درصد افزایش یافته است. این تورم مصرفی چشمگیر به سرعت در حال تبدیل شدن به یک بحران برای کسب و کارهای کوچک آمریکایی است که با حاشیه سود محدود فعالیت می‌کنند. متأسفانه هفته گذشته، یک جلسه دادرسی کنگره در مورد سلامت مشاغل کوچک نشان داد که دموکرات‌های کنگره کاملاً دور از این نگرانی جدی هستند.

دینا روبیو، صاحب رستوران دان رامون در وست پالم بیچ فلوریدا، درباره موانع تورمی که تجارت کوچکش با آن مواجه است، در کمیته اقتصاد مجلس نمایندگان شهادت داد. او توضیح داد که قیمت‌ها حتی سریع‌تر از آنچه گزارش‌های دولتی نشان می‌دهند در حال افزایش است. برای نمونه، یک جعبه لیمو ترش که او قبلاً ۳۰ دلار می‌خرید، اکنون ۹۰ دلار قیمت دارد. قیمت عمده‌فروشی استیک از حدود ۷ دلار به ۱۲ دلار در هر پوند افزایش یافته است.

برای سودآوری، روبیو مجبور شده است قیمت منوها را افزایش دهد و برخی از مشتریان همیشگی‌اش با حقوق ثابت را که وضعیت مخمسه او را درک نمی‌کنند، غریبه کند. او همچنین مجبور شد برخی از اقلام را از منو حذف کند زیرا فروش آنها دیگر سودی ندارد. او مجبور به جایگزینی مواد شده است، مانند درست کردن موهیتو با آب لیمو به جای لیمو، هرچند طعم آن خوب نباشد. کارآفرینان در سراسر کشور مجبور به ارائه راه حل‌های خلاقانه مشابه برای هزینه‌های سرسام‌آور اقلام هستند.

آنچه اوضاع را بدتر می‌کند، بالاترین تورم مصرف کننده در ۴۰ سال گذشته از جمله قیمت‌های بی‌سابقه بنزین است که مشتریان را فقیرتر می‌کند. زمانی که قیمت‌ها سریع‌تر از دستمزدها افزایش می‌یابند و هزینه یک مخزن بنزین ۷۵ دلار است، مردم کمتر به خرج‌های غیر ضروری مانند غذا خوردن در بیرون از خانه می‌پردازند. کسب‌وکارهای کوچک به طور نامتناسبی تحت تأثیر تورم قرار می‌گیرند، زیرا فاقد اقتصاد کلان و قرارداد خرید امتیازی از رقبای بزرگ‌تر خود هستند.

روبیو به کمیته گفت که سیاست‌گذاران به دلیل تریلیون‌ها دلار مخارج دولت، مخالفت آنها با تولید انرژی داخلی و سیاست‌های رفاه اجتماعی که به مردم برای دور ماندن از نیروی کار پول داده‌اند، شایسته سرزنش برای این تورم دردناک هستند.

او از دولت خواست که اگر نه بیشتر، کمترین تلاش را برای آزاد کردن مشاغل کوچک آمریکایی برای افزایش عرضه کالا و خدمات و کنترل تورم انجام دهد.

متاسفانه رئیس کمیته، نماینده جیم هایمز، به نظر نمی‌رسید که این پیام را دریافت کند. او اشاره کرد که از اینکه روبیو این مشکل دنیای واقعی را مطرح کرد، "تاامید شده است" و خاطرنشان کرد که ترجیح می‌دهد به موانع مثلاً برابری نژادی "ساختاری" که کارآفرینان با آن روبرو هستند بچسبد. علیرغم اینکه تورم تا حد زیادی بزرگترین مشکل پیش روی کسب و کارهای کوچک آمریکایی است، عضو کمیته، نماینده الکساندرا اوکاسیو-کورتز در اظهارات خود هیچ اشاره‌ای به آن نکرد. هایمز بی‌اطلاعی اقتصادی ظاهری خود را با انداختن تقصیر افزایش تورم به گردن صاحبان مشاغل و تامین کنندگان که عمداً قیمت‌های خود را افزایش می‌دهند، نشان داد. در واقع، کسب‌وکارهای کوچک معمولاً از افزایش قیمت متنفرند، زیرا این احتمالاً به معنی جذب مشتریان کمتر است و تنها زمانی این کار را می‌کنند که مجبور به جبران هزینه جانبی خود شوند.

اعضای کمیته جمهوری خواه تصریح کردند که تورم تقصیر مشاغل نیست، بلکه نتیجه پول زیاد است که در کالاها و خدمات بسیار کمی متمرکز می‌شود. هایمز اشاره کرد که روبیو در مخالفت با مخارج تومری دولت دورو بود، زیرا در طول بحران کرونا وام برنامه محافظت از چک (PPP) دریافت کرد. این مقایسه منصفانه ای نیست. P.P.P. راه نجاتی برای کسب‌وکارهای کوچک بود که دولت‌ها در عمق همه‌گیری به اجبار آن را بستند. پول مستقیماً به سمت حفظ حقوق و دستمزد رفت. خرج‌های بعدی، از جمله طرح غیر ضروری ۱.۹ تریلیون دلاری آمریکا در سال گذشته، الکی و غیر ضروری بود.

این دادرسی بدترین ترس صاحبان مشاغل کوچک آمریکایی را تأیید می‌کند که سیاست‌گذاران دموکرات در داخل کمربند واشنگتن درک نمی‌کنند که تورم در دنیای واقعی چقدر دردناک است. ظاهراً فراموش کرده‌اند که تعدیل خودکار حقوق سالانه مخارج زندگی که اعضای کنگره دریافت می‌کنند را همه دریافت نمی‌کنند.

اولین قدم در رفع این تورم این است که کنگره بفهمد که سیاست‌های ریشه اصلی مشکل است. کنار گذاشتن دولت از سر راه و اجازه دادن به سیستم مشاغل آزاد برای کار کردن، باعث تقویت اقتصاد و گسترش کسب‌وکارهای کوچک آمریکا می‌شود و کشور را به پیک قبل از همه‌گیری برمی‌گرداند.



ام‌اس‌ان
ترک‌تامپسون

وقتی بیش از حد جلسات برگزار شود، این اتفاقی است که می‌افتد

پس از دو سال کار در خانه، من یک مدت زمان پیوسته برای انجام کارها ندارم. من چندین تایم زمانی کوتاه دارم. حتی در پایان روز متوجه یک تایم کاری جدید شدم. حدود ساعت ۹ شب، کامپیوترم را باز می‌کنم و می‌بینم که حدود دوازده ایمیل فوری و پیام فراموش شده دارم. بنابراین، یا در پای تلویزیون یا حین پخش یک پادکست، یک ساعت آخر شب یا بیشتر را صرف پاسخ دادن به این پیام‌ها می‌کنم و همان مقدمه را بارها و بارها تایپ می‌کنم: “بخشید بابت تاخیر...” “اوه، پیامتون را ندیدم...” “هی، همین الان متوجه پیامت...”

هفته گذشته، مایکروسافت تحقیقی منتشر کرد که بازتابی ترسناک از زندگی کاری من ارائه می‌داد. به طور جامع، محققان گفتند که کارمندان پشت میز نشین یا به قول امروزی “کارگران دانش”، دو قله بازدهی در روز کاری خود داشته‌اند؛ یکی درست قبل از ناهار و یکی درست بعد از ناهار. اما از زمان همه‌گیری، سومین و کوچک‌تر قله کار در اواخر عصر پدیدار شد. محققان مایکروسافت از این پدیده به عنوان “قلل سه‌گانه روز” یاد می‌کنند. ۳۰٪ از کارمندان تقریباً به همان اندازه که در ساعت ۸ صبح مشغول بودند، در ساعت ۱۰ شب کار می‌کردند.

چند پدیده زیربنایی این سومین کوه کار را بالا می‌برند. یکی انعطاف پذیری کار در خانه است. به عنوان مثال، والدین کودکان خردسال ممکن است روز کاری خود را قطع کنند یا آن را برای برگرداندن فرزندشان از مدرسه، زمان شام، زمان خواب و سایر مراقبت‌های از کودک قطع کنند. این کار باعث می‌شود که آنها بعداً کار را تمام کنند. کارمندان دیگر جغد شب هستند که کوک دوم خود را یا حتی انفجار اولیه خلاقیت خود را درست قبل از

خواب بدست می‌آورند.

این دور مثبت یافته های میکروسافت است: کار معطوف و از راه دور به افراد امکان می‌دهد که روز و شب خود را جابجا کنند و بهره‌وری را با الهام هماهنگ کنند. اما قله سه گانه برای همه مثبت نیست.

درک تامپسون: کارگرایی، آمریکایی ها را بدبخت می‌کند

میکروسافت همچنین دریافته است که همه گیری به سادگی منجر به کار مداوم بیشتری شده است. بر اساس تحقیقات شرکت، میانگین روز کاری از مارس ۲۰۲۰ تا ۱۳٪ (حدود یک ساعت) افزایش یافته است و میانگین کار بعد از ساعت کاری دو برابر بیشتر شده است. افراد ممکن است به چند دلیل ساعات بیشتری کار کنند. در خانه، به خصوص کار نشت دارد: اوقات فراغت به کار کشانده می‌شود (خواندن اخبار سلبریتی ها در طول جلسه زوم) و کار به اوقات فراغت نفوذ می‌کند (پاسخ دادن به ایمیل ها، پشت میز شام).

خانه و محل کار قبلاً مرزهای جغرافیایی و تکنولوژیکی قوی تری داشتند: خانه را ترک می‌کردیم، با ماشین به دفتر یا کارخانه می‌رفتیم و بعد با ترک وسایل کار به خانه برمی‌گشتیم. امروزه بحث بیشتر کارهای دانشی اساساً فقط ارتباط است که باعث می‌شود آن را از اوقات فراغت زیاد متمایز نکند. با همکاری یا دوستت چت می‌کنی. با مشتری یا خواهر و برادرت تماس می‌گیری: بزرگترین تفاوت بین این فعالیت ها، فردی است که در انتهای دیگر سیم قرار دارد. همانطور که کار بیشتر شبیه زندگی می‌شود، بخش بیشتری از زندگی می‌شود.

چیز دیگری که کار را به بعد از ظهر کشانده، کار یقه سفیدان است که تبدیل به رونق جلسات شده است. در ماههای اول همه‌گیری، میکروسافت شاهد افزایش جلسات آنلاین با تعطیلی دفاتر بود. تا پایان سال ۲۰۲۰، تعداد جلسات دو برابر شده بود. در سال ۲۰۲۱ هم همینطور به رشد خود ادامه داد. امسال به بالاترین حد خود رسیده است.

ادرک تامپسون: افسانه‌ای که در آن بیشتر آمریکایی ها از شغل خود متنفرند

مری چروینسکی، مدیر تحقیقات گروه درک و همدلی انسانی در میکروسافت، می‌گوید: "مردم روزانه ۲۵٪ بیشتر از قبل از همه‌گیری جلسات ملاقات دارند." این بدان معناست که همه چیزهای دیگر مانند کدنویسی و ایمیل و نوشتن به زمان دیرتری موکول می‌شود.

خاویر هرناندز، محقق میکروسافت می‌گوید: "آینده کار مستلزم این است که فکر کنیم چه کاری باید در زمان واقعی باشد و چه کاری در هر زمان دیگری باشد. یک راه حل واضح، جلسات کمتر یا حداقل روزهای کمتر برای برگزاری جلسات است. چروینسکی به من گفت که داشتن دو یا حتی سه روز بدون جلسه در طول هفته برای بهره‌وری تیمش مفید بوده است. راه حل دیگر، ضبط جلسات برای پخش بعدی است تا به همکاران اجازه دهد که بعداً به آنها رسیدگی کنند. این به ویژه برای تیم های جهانی که اعضای آن نمی‌توانند همه به طور همزمان بیدار و آنلاین باشند، مفید است.

ما به یک نظریه عمیق تر از کار و زمان نیاز داریم. روزهای کاری کوچک آخر شب ما فقط بیانگر انعطاف پذیری خوش خیم نیست. آنها همچنین پیامد مدیران انعطاف ناپذیری هستند که روز را با جلسات زیادی پر می‌کنند و ما مجبوریم برای انجام کار خود یک "شب کاری" اضافه کنیم.

افزایش قیمت گاز و بزرگترین در آمریکا

Bloomberg

بلاومبرگ
بلاومبرگ

خطر شلیک نادرست سلاح ذخیره نفت آمریکا

در بازارهای نفت، ذخایر استراتژیک نفت ایالات متحده شهرت کمی مانند آنچه قبلاً نیروهای مسلح روسیه داشتند، دارد رقیبی که عاقلانه نیست با آن درگیر شوید.

هاله شکست ناپذیری نظامی روسیه در ماه گذشته در مزارع گل آلود اوکراین ضربه تقریباً مهلکی خورد. دولت بایدن باید مراقب باشد: مهیبترین سلاح انرژی آمریکا نیز ممکن است از بین برود.

کاخ سفید در حال بررسی طرحی برای آزاد سازی حدود یک میلیون بشکه در روز نفت خام از ذخایر آمریکا برای چند ماه آینده برای جلوگیری از افزایش قیمت بنزین است. مردم گفتند که این ممکن است در مجموع به ۱۸۰ میلیون بشکه برسد.

این یک رقم فوق العاده است. یک میلیون بشکه در روز معادل حدود ۱ درصد تقاضای فعلی جهانی نفت است که برای تامین بیشتر مصرف یک اقتصاد با اندازه مناسب مانند استرالیا، ایتالیا، اسپانیا یا تایوان کافی است. چنین انتشار عظیمی بسته به ساختار آن مانند فشار دادن دکمه هسته‌ای در بازارهای نفت است.

اگر دکمه هسته‌ای را فشار دهید و هیچ اتفاقی نیفتد، آن موقع چه می‌شود؟

این همیشه در هنگام استقرار اس پس آر خطر دارد. مداخلات سابقه بدی دارند: به همان اندازه که کاهش قیمت‌ها را افزایش می‌دهد، متداول است. حتی قبل از ورود تانک‌های روسی به اوکراین در اواخر فوریه، نفت خام وست تگزاس اینترمدیت از ۲۳ نوامبر، زمانی که ۵۰ میلیون بشکه برای آرام کردن بازارهای نفت آزاد شد، ۱۸ درصد افزایش داشت.

قیمت‌ها در روز پنجشنبه ۶.۳ درصد کاهش یافت و به ۱۰۱ دلار در هر بشکه رسید، اما فقط به سطوحی که قبل از مارس به بالاترین حد خود در هشت سال گذشته می‌رسید.

این نباید تعجب آور باشد. اس پی آر یک تولید کننده نفت نیست، بلکه انبوهی از ذخایر غیرمعمول بزرگ است، و در بازارهای کالا، ذخایر در حال کاهش تقریباً همیشه برای قیمت‌ها صعودی هستند. فروش ۱۸۰ میلیون بشکه‌ای از ذخایر فعلی، ذخایر را به تنها ۳۸۸ میلیون بشکه کاهش می‌دهد که پایین‌ترین سطح از سال ۱۹۸۴ است. فروش ذخایر که قبلاً توسط کنگره تصویب شده است، اس پی آر را به میزان مشابهی در طی پنج سال آینده کاهش می‌دهد.

به همین دلیل، این احتمال وجود دارد که هر عرضه‌ای به شکل مبادله‌ای مانند مداخله نوامبر باشد، نه فروش کامل. بر اساس این مجموعه، پالایشگاه‌ها باید متعهد شوند که بشکه‌هایی را که در سال‌های آینده دریافت می‌کنند، به علاوه سود به شکل نفت خام اضافی جایگزین کنند. با این حال، چنین مبادلاتی حتی رکورد بدتری نسبت به فروش دارند، زیرا در درازمدت آن‌ها بیش از آن که به آن بیفزایند، از بازار نفت خام خارج می‌کنند. یکی از این برنامه‌ها برای افزایش عرضه نفت گرمایشی در دوره اول جورج دبلیو طبق یک مطالعه در سال ۲۰۱۹ توسط بانک فدرال رزرو دالاس، دولت بوش در نهایت نفت خام را حدود ۸.۵ درصد افزایش داد.

مشکل عمیق‌تر واشنگتن این است که اس پی آر تنها بازیگر این درام یا حتی قدرتمندترین بازیگر نیست. تنها در ایالات متحده، تعداد کمی تولیدکننده نفت وجود دارد که نزدیک به یک میلیون بشکه در روز تولید می‌کنند. اداره اطلاعات انرژی انتظار دارد افزایش تولید از میداین نفتی آمریکا در سال جاری ۴۰۰۰۰۰ هزار بشکه در روز و سال آینده ۱ میلیون بشکه اضافه کند اما اگر تولیدکنندگان حساس به قیمت شیل با رقابت ناشی از فروش ذخایر دولتی مواجه باشند، می‌توانید انتظار داشته باشید که این میزان را مشاهده کنید ارقام با کاهش خروجی به پایین بازنگری شوند. در همین حال، قانونگذاران آمریکا با کاهش وعده داده شده مالیات‌های دولتی بر بنزین، تقاضای جدید برای نفت خام را تقویت می‌کنند حرکتی که خطر کاهش اثر قیمت هر گونه افزایش عرضه را به دنبال دارد.

سوال بزرگتر این است که بازیگران خارج از کشور چگونه پاسخ می‌دهند. مقدار زیادی از انتشار اس پی آر احتمالاً راه خود را به بازارهای جهانی پیدا می‌کند، اگر چه مقدار کامل آن ممکن است برای عبور از خطوط لوله، پالایشگاه و تنگناهای بندر در امتداد سواحل خلیج آمریکا مشکل داشته باشد.

اگر این اقدام اثر مطلوب خود را در کاهش هزینه‌های نفت داشته باشد این امر برای اعضای اوپک پلاس که از تاثیر قیمت‌های بالاتر بر خزانه‌های فرسوده دولت لذت برده‌اند خوشایند نخواهد بود. افزایش تدریجی این کارتل از پایین‌ترین سطح پاندمی آن در حال حاضر به میزان قابل توجهی از سطح هدف گذاری شده در سال گذشته عقب‌تر بود. هنگام حمله روسیه به اوکراین ۴.۵ میلیون بشکه صادرات روزانه آن تحت الشعاع اعمال تحریم‌های آشفته قرار گرفت و اوضاع بدتر شده است.

اگر اوپک تصمیم بگیرد که بلوف جو بایند، رئیس‌جمهور آمریکا را بخواند، تسلط واشنگتن بر بازارهای انرژی می‌تواند به گونه‌ای که از دهه ۱۹۷۰ چنین نبوده است، به خطر بیفتد در حالی که سلاح ذخیره‌اش به سمت سطوح نیمه پر حرکت می‌کند، این خطر را دارد که شبیه یک امپراطور برهنه به نظر برسد.



لېتھون
واشنگتن اکسپریم

تولیدکنندگان انرژی باعث افزایش قیمت گاز نمی‌شوند

خانواده‌ها تحت تاثیر تورم سرسام آور و بالاترین قیمت بنزین در تاریخ هستند. چگونه به اینجا رسیدیم؟ پاسخ ساده است: انتخاب سیاست ضعیف توسط دولت بایدن.

من تعجب نکردم که جن ساکی، سخنگوی کاخ سفید را دیدم که تلاش می‌کند این انتخاب‌های سیاسی را با سرزنش تولیدکنندگان انرژی سرپوش بگذارد. او نکاتی را که اکنون در میان لیبرال‌های واشنگتن فراگیر شده است، گفت که شرکت‌های انرژی بیش از ۹۰۰۰ مجوز استفاده‌نشده برای حفاری نفت و گاز در زمین‌های فدرال دارند و بنابراین نیازی به کمک دولت بایدن ندارند. این ممکن است همراه کننده‌ترین آماری باشد که در واشنگتن منتشر شده است، از زمانی که به مردم گفته شد لایحه «بازسازی بهتر از قبل» هزینه صفر دلاری برای مالیات دهندگان دارد.

ادعای ۹۰۰۰ مجوز استفاده نشده در چندین جبهه همراه کننده است. اولاً، اداره مدیریت زمین‌ها هزاران مجوز دیگر را که برای استفاده از مجوزهای قبلاً تأیید شده لازم است تأیید نمی‌کند. عملیات نفت و گاز بسیار پیچیده و فنی است و برای شروع تولید یک پروژه اغلب به چندین مجوز تأیید شده نیاز دارد. قانون فدرال مستلزم تأیید مجوز در زمین‌های فدرال ظرف ۳۰ روز پس از ارسال است. با این حال، در دولت بایدن، برخی از مجوزها بیش از یک سال است که در وزارت کشور از بین رفته است.

عدم فروش اجاره جدید باعث شده است که برخی از مجوزهای تایید شده نیز بی فایده باشند. با توجه به ماهیت تکه تکه نحوه اجاره زمین و نیاز به حفاری افقی برای بهره برداری از منابع، گاهی اوقات برای زمین‌های مجاور اجاره نامه‌های موجود نیاز است تا استخراج ارزشمند باشد. برای به دست آوردن این زمین، تولیدکنندگان آن را برای دفتر آمایش سرزمین شناسایی می‌کنند تا در فروش اجاره بعدی، که معمولاً هر سه ماه یکبار اتفاق می‌افتد، قرار دهند. با گذشت یک سال از این دولت، هنوز یک فروش اجاره‌ای در زمین‌های فدرال وجود نداشته است، و مجوزهایی را که به زمین اضافی نیاز دارند بی‌ارزش می‌کند.

گروه‌های محیط زیست نیز از سیستم دادگاه فدرال به عنوان سلاحی علیه تولید انرژی داخلی استفاده می‌کنند. گروه‌هایی مانند نگهبانان وایلدارس (سازمان غیرانتفاعی زیست‌محیطی مردمی) از دفتر آمایش سرزمین شکایت کرده‌اند و گفته‌اند که تأثیرات آبهوایی را به‌عنوان بخشی از فرآیند اجاره خود به‌درستی در نظر نمی‌گیرد. اگرچه دادگاه‌ها اعتبار چندین مورد از اجاره‌نامه‌های مورد بحث را تایید کرده‌اند، دولت بایدن همچنان از تایید مجوز برای آن‌ها خودداری می‌کند.

به همین دلیل است که قانون امنیت و شفافیت انرژی آمریکا را معرفی کردم. این قانون با الزام دفتر آمایش سرزمین به از سرگیری فروش اجاره بلافاصله در ایالت‌های تحت پوشش قانون لیزینگ معدنی، از جمله ایالت من در نیومکزیکو، به مقابله با بحران انرژی ما کمک می‌کند. علاوه بر این، دفتر آمایش سرزمین را ملزم می‌کند که فروش اجاره جایگزین را برای جبران پنج فروش از دست رفته از زمان روی کار آمدن جو بایدن، انجام دهد.

این لایحه همچنین از وزارت کشور می‌خواهد که تعداد مجوزهایی را که در هر دفتر آمایش سرزمینی در سراسر کشور منتظر تایید هستند، به کنگره گزارش دهد. این گزارش باید شامل شرح مفصلی از دلیل ارسال مجوزهای خاص به واشنگتن دی سی برای تایید به جای پیروی از رویه عادی تایید در سطح محلی باشد. این تضمین می‌کند که دامنه کامل مجوزهای عقب افتاده شفاف می‌شود.

در نهایت، لایحه من دفتر آمایش سرزمین را ملزم می‌کند که روند عادی تایید مجوزهای اجاره نامه‌هایی را که اعتبار آن‌ها توسط دادگاه فدرال تایید شده است، ادامه دهد. این امر صدها مجوز را در سراسر کشور آزاد می‌کند و تقریباً بلافاصله امکان تولید بیشتر را فراهم می‌کند. قیمت‌های بسیار بالای بنزین امروز یک انتخاب سیاسی بود، نه یک حادثه اجتناب ناپذیر. مهم نیست که مقامات کاخ سفید و لیبرال‌های کنگره چقدر آمار گمراه‌کننده را به سمت مردم پرتاب می‌کنند، مقصر هزینه‌های بالای انرژی بر عهده آن‌هاست. زمان معکوس کردن سیاست‌های شکست خورده آن‌ها فرا رسیده است و قانون امنیت انرژی و شفافیت آمریکا اولین گام بزرگ برای پایان دادن به این بحران و بازگرداندن استقلال انرژی است.

Daily Mail



انگلی پوزر
دیل میل

بایدن، پوتین و شرکتهای نفتی ایالات متحده را به خاطر افزایش قیمت‌ها مقصر می‌داند

اگر کسی به سخنرانی پرزیدنت جو بایدن در روز پنجشنبه گوش داده باشد، ممکن است با این ایده کنار بیاید که پشت درد شدید اقتصادی که آمریکایی‌ها تجربه می‌کنند، دو شرور هستند.

به گفته بایدن، تقصیر ولادیمیر پوتین و شرکتهای نفتی آمریکایی است که قیمت گاز در بالاترین حد خود قرار دارد. رئیس جمهور گفت می‌داند که چقدر دردناک است. برخی از شرکتهای نفتی ایالات متحده نمی‌خواهند عرضه را افزایش دهند زیرا افزایش قیمت پوتین به معنای سود بیشتر است.

اما لفاظی نگران کننده رئیس جمهور از یک ظالم قاتل و مدیران اجرایی ایالات متحده را برای لحظه‌ای کنار بگذارید، نتیجه این است که آنچه رئیس جمهور گفت بسیار گمراه کننده است.

و اکنون می‌توانیم بگوییم که هزینه‌های هنگفت دولت بایدن، نه جنگ در اوکراین یا شرکتهای حریص آمریکایی، تا حد زیادی مسئول تورم است.

یک مطالعه جدید فدرال رزرو سانفرانسیسکو که این هفته منتشر شد، حاوی نموداری است که نشان می‌دهد تورم ایالات متحده در اوایل سال ۲۰۲۱ دقیقاً در همان لحظه‌ای که بایدن لایحه ۱.۹ تریلیون دلاری خود را برای کمک به کووید امضا کرد، افزایش یافت.

این مطالعه با عنوان "چرا تورم ایالات متحده بالاتر از سایر کشورها است؟" تورم در ایالات متحده را با تورم سایر کشورهای سازمان همکاری اقتصادی و توسعه مقایسه می‌کند.

بر خلاف میانگین تورم در کانادا، دانمارک، فنلاند، فرانسه، آلمان، هلند، نروژ، سوئد و بریتانیا، تورم آمریکا از زیر ۲ درصد در اوایل سال ۲۰۲۱ به نزدیک به ۵ درصد در پایان سال ۲۰۲۱ رسید.

اما این مطالعه به این نتیجه رسید که کمک‌های بایدن برای کووید ممکن است تورم ایالات متحده را تا پایان سال ۲۰۲۱ سه درصد افزایش داده باشد.

بنابراین در حالی که میانگین قیمت گاز معمولی از زمان حمله روسیه به اوکراین در ۲۴ فوریه ۲۰۲۲ تقریباً ۲۰ درصد افزایش یافته است - افزایش تورم کنونی مدتها قبل از اینکه پوتین یا هر گونه افزایش قیمت ادعایی شرکتی تأثیری داشته باشد، در جریان بود.

یک نظرسنجی در اواخر ماه مارس از مصرف‌کنندگان دانشگاه میشیگان نشان داد که ۳۲ درصد از آمریکایی‌ها گفتند که انتظار دارند وضعیت مالی شخصی آن‌ها در سال آینده بدتر شود.

بر اساس نظرسنجی دانشگاه میشیگان، بزرگترین نگرانی در ذهن مردم، کاهش استاندارد زندگی به دلیل افزایش تورم است.

بلومبرگ تخمین می‌زند که تورم در سال جاری ۵۲۰۰ دلار هزینه اضافی یا ۴۳۳ دلار در ماه برای خانواده آمریکایی به همراه خواهد داشت.

این بسیار بیشتر از آن چیزی است که بیشتر مردم از مخارج محرک بایدن دریافت کردند، که نشان دهنده حماقت مخرب این غول سیاسی بی پروا است.

قیمت‌های عمده فروشی در سال ۲۰۲۱ به میزان ۹.۷ درصد افزایش یافت. و تاکنون در سال ۲۰۲۲، قیمت‌های عمده فروشی سالانه ۱۰ درصد در ژانویه و فوریه افزایش یافته است.

واقعیت واقعاً ناامیدکننده این است که هیچ‌یک از آن هزینه‌های کمک‌رسانی به کووید به شدت ضروری یا توصیه‌شده نبود، زیرا در حال بیرون آمدن از این همه‌گیری بودیم.

در واقع، بسیاری از اقتصاددانان لیبرال برجسته در آن زمان هشدار دادند که احتمالاً باعث افزایش خطرناک تورم می‌شود، اما بایدن می‌خواست دولت خود را با یک پیروزی سیاسی آغاز کند و معتقد بود این قانون به او اجازه می‌دهد تا اعتباری برای پرداخت‌های محرک سیاسی مردمی بگیرد.

خبر خوب این است که بایدن اکنون اعلام کرده است که آزادسازی ۱ میلیون بشکه نفت در روز از ذخایر استراتژیک نفت را آغاز خواهد کرد، که این یک امتیاز آشکار است که راه کاهش قیمت‌ها در پمپ صرفاً افزایش عرضه نفت است.

تصمیم بایدن برای بهره برداری از ذخایر استراتژیک نفت نیز نشان می‌دهد که او شاید هم به اهمیت بخش انرژی آمریکا و هم به حماقت سیاسی جنگ صلیبی خود علیه تولید انرژی آمریکا پی برده است.

ما باید اعمال سیاست چاره‌ی سطحی و موقتی را متوقف کنیم و علت اصلی مشکل که دولت را از تقاضا و محدود کردن عرضه‌ها جلوگیری می‌کند، درمان کنیم.

تورم مالیاتی است که دردهای ویرانگری را بر خانواده‌های کارگر تحمیل می‌کند و چشم‌انداز آن هر ماه بدتر می‌شود.

کمپانی دیزنی و جنجال بر سر سیاست جنسی در برنامه سازی کودکان



جانان چلیه
لمس لان

تهدیدات دیسانتیس برای دیزنی همان چیزی است که اقتدارگرایی پس از ترامپ به نظر می‌رسد

ران دیسانتیس، فرماندار فلوریدا، خود را به نخبگان جمهوری خواه به‌عنوان نامزد ترامپ‌سیم شایسته معرفی کرده است که نوعی پوپولیسم اقتدارگرایانه برای محافظه‌کارانی است که نگران این هستند که دونالد ترامپ قدرت خود را هدر دهد و از آن استفاده نکند. تصویری از آنچه که در عمل به نظر می‌رسد را می‌توان در تلاش دیسانتیس برای زورگویی به دیزنی به حمایت یا حداقل خودداری از مخالفت با قانون «نگو همجنس‌گرا» مشاهده کرد.

هفته گذشته، دیسانتیس در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرد که دیزنی با گفتن اینکه از لغو قانون گرامی ضد همجنس‌گرایان دیسانتیس حمایت می‌کند، از این خط عبور کرده است. او هشدار داد که وقتی مردم والدین ما را تهدید می‌کنند و بچه‌هایمان را تهدید می‌کنند، ما می‌خواستیم مطمئن شویم که با آن‌ها مقابله می‌کنیم.

به نظر می‌رسد که «مقابله» به معنای رد یا سازماندهی علیه مخالفت دیزنی با قانون نیست. این بدان معناست که دیسانتیس از اکثریت توان قانونگذاری خود برای مجازات دیزنی در مورد مسائل حقوقی نامرتبط استفاده می‌کند. روز جمعه، او ادعا کرد از اینکه متوجه شده دیزنی برای فعالیت در ایالت او استقلال گسترده‌ای یافته است، شوکه شده است. من از دیدن برخی از چیزهایی که در آنجا هستند شوکه شدم. آن‌ها می‌توانند نیروگاه هسته‌ای خود را بسازند. آیا شرکت خصوصی دیگری در ایالت وجود دارد که بتواند به تنهایی یک نیروگاه هسته‌ای بسازد؟ آن‌ها می‌توانند کارهای خاصی را انجام دهند که هیچ کس دیگری قادر به انجام آن نیست. بنابراین فکر می‌کنم حق دارند به این موضوع نگاه کنند و دوباره ارزیابی کنند و یک زمین بازی یکنواخت برای همه داشته باشند، به نظر من خیلی بهتر از

این است که اجازه دهیم یک شرکت برای خودش قانون باشد.

با توجه به اینکه این وضعیت حقوقی برای چندین دهه در ایالتی که دیسانتیس در آن بزرگ شده و اکنون به عنوان مدیر اجرایی فعالیت می‌کند به طور گسترده شناخته شده است، فرماندار بدون شک به همان اندازه که کاپیتان لوئیس رنواز کشف قمار در کازابلانکا شوکه شد، شوکه شده است.

یکی از دلایل آشکار اینکه دیسانتیس واقعاً به وضعیت حقوقی دیزنی اهمیت نمی‌دهد این است که بهانه او برای مجازات شرکت تغییر کرده است. روز جمعه، او به استقلال قانونی ویژه دیزنی اشاره کرد. روز قبل، "رفتار ویژه" لایحه‌ای بود که رسانه‌های اجتماعی را تنظیم می‌کرد و اپراتورهای پارک موضوعی را معاف می‌کرد.

خبر دیگر این است که طبق گزارش تامپا بی تایمز، لایحه اخیر توسط دیسانتیس و با نظرات خاص کارکنانش به قانون تبدیل شد. اگر نفوذ قانونگذاری دیزنی به طرفداری ظالمانه منجر شود، رای دهندگان باید از دیسانتیس خشمگین شوند.

ديسانتیس به سختی تلاش می‌کند تا مقاصد خود را پنهان کند. همانطور که او به فاکس نیوز می‌گوید، شش ماه پیش، غیرقابل تصور بود که قانونگذاران جمهوری خواه فلوریدا مایل به ارزیابی مجدد این امتیازات خاص باشند. تقریباً انگار امتیازات ویژه هیچ ارتباطی با دلیلی که جمهوری خواهان به دنبال مجازات دیزنی هستند ندارد! شاید چیزی وجود داشته باشد که دیزنی بتواند در دست دیسانتیس قرار دهد که باعث شود چیزی که در دست دیگرش است از بین برود.

آنچه مربوط به این تهدید است نه شایستگی مقررات مدرسه دیسانتیس است و نه وضعیت دیزنی در فلوریدا. حتی اگر فکر می‌کنید که لایحه «نگو همجسگرا» دیسانتیس فوق‌العاده است و وضعیت حقوقی دیزنی افتضاح است، ارتباط ارادال و اوباش فرماندار بین این دو باید شما را ترسانده باشد.

ديسانتیس در تلاش است تا این درک را ایجاد کند که شرکت‌های بزرگ می‌توانند انتظار رفتار مطلوب از دولت را داشته باشند تا زمانی که با برنامه‌های سیاسی احزاب حاکم بازی کنند. به آن‌ها اجازه داده می‌شود، مشروط بر اینکه موضع درستی داشته باشند، در سیاست دخالت کنند. اما اگر موضع اشتباهی اتخاذ کنند، خود را تحت نظارت قانونی خواهند دید. ناگهان حلقه تنظیمی سفت می‌شود.

این روشی است که دونالد ترامپ برای ارباب شرکت‌ها با کارمندانی که زندگی او را سخت کردند، استفاده کرد. آمازون یک قرارداد سودآور پنتاگون را به تلافی مالکیت جف بزوس در واشنگتن پست از دست داد و ترامپ تلاش کرد تا از ادغام شرکت مادر سی ان ان برای تکمیل شبکه جلوگیری کند.

این نیز روشی است که دیکتاتورهای مورد علاقه ترامپ مانند ویکتور اربن و ولادیمیر پوتین برای کنترل بحث‌های سیاسی در کشورهای خود از آن استفاده می‌کنند. کریستینا پوشاوا، سخنگوی دیسانتیس، بیش از دوازده توثیت در جشن پیروزی اربن در مجارستان و تمسخر این ایده که رژیم او به هر نحوی سرکوب‌گر یا خطرناک است، منتشر کرده است. هنگامی که محافظه‌کاران آمریکایی به ما می‌گویند که نسخه اربن از اقتدارگرایی رقابتی، شکل حکومتی است که آن‌ها آرزوی آن را دارند، آنگاه به ما نشان دهند که در عمل چگونه به نظر می‌رسد، بهتر است آن‌ها را باور کنیم.

<https://cutt.ly/vFWuvzd>

RealClear Politics

گفتگوی
دریافت‌شده از

دیزنی با شنا کردن برخلاف جریان، «بیداری» را به مرحله جدیدی می‌برد

اگر فکر می‌کردید که جریان «بیداری» دیگر از این بدتر نمی‌شود، پس مجدد فکر کنید. در ملاء عام و در پشت پرده، شرکت والت دیزنی بیداری را به سطح جدیدی می‌برد و میلیون‌ها کودک را با تبلیغات سیاسی خود تهدید می‌کند.

ابتدا مدیر عامل دیزنی از فرماندار فلوریدا، رون دی‌سانتیس در مورد قانون اچ‌بی ۱۵۵۷ یا همان قانون «نگویید همجنسگرا» انتقاد کرد که حقوق والدین در آموزش را تأیید می‌کند و مربیان را از تزریق دیدگاه‌های سیاسی شخصی به دوران آموزشی کودکان باز می‌دارد. بعد نوبت ویویان ور، مدیر تنوع و شمول دیزنی، رسید که تراجنسیتی و فراجنسیتی را در محتوای دیزنی ترویج می‌کرد. این کمپانی سرگرمی اکنون دارد تمام اسامی نقش‌های جنسیتی معمول (پسر و دختر و مرد و زن) را از پارک‌های نمایشی حذف می‌کند.

جریان بیداری دیزنی هرگز چیز جدید نبوده و تعجبی هم ندارد، تأثیر این شرکت در میان جوانان آمریکایی آن را عمیقاً نگران‌کننده می‌کند. برخلاف بسیاری از شرکت‌های «بیدار» دیگر، دیزنی به ده‌ها میلیون کودک آمریکایی دسترسی دارد. نیمی از خانه‌های آمریکایی با کودکان زیر ده سال، اشتراک دیزنی را خریداری می‌کنند و دیزنی امیدوار است تا سال ۲۰۲۴ اشتراک‌های جهانی خریداری شده خود را به ۳۵۰ میلیون افزایش دهد.

محتوایی که دیزنی امروز تولید می‌کند، فردا به مصرف‌کننده‌های نوجوان خورنده می‌شود. قلب و ذهن آنها را شکل می‌دهد و کودکان را موزیانه برای پذیرش سیاست‌های لیبرال با پیام‌های ظریف و نه چندان ظریف نرم



می‌کند. بیداری به نسل‌های آینده منتقل خواهد شد و ممکن است در طول زمان رادیکال‌تر و متعصبانه‌تر شود. با این حال، یک جنبه روشن وجود دارد. جنبه روشنش مردم هستند، مصرف‌کنندگان فردی که خود تصمیم می‌گیرند. مردم در نهایت دیزنی را به عنوان سازمان که سیاسی شده است می‌شناسند و تبلیغات آشکار این شرکت را رد می‌کنند. مفاهیم حاشیه‌ای مانند تراجنسیتی و فراجنسیتی ممکن است برای مصرف‌کنندگان چپ‌گرا مهم باشد، اما برای اکثریت قریب به اتفاق مشتریان آمریکایی اولویت ندارند. دیزنی در حال کاهش سهم بازار خود است، شاید به آرامی و شاید هم هنوز نه، اما مخاطبان شرکت کاهش خواهند یافت.

ما اکنون شاهد نشانه‌های اولیه، حتی در دنیای والت دیزنی هستیم. به گفته خوزه کاستیلو، کارمند فعلی والت دیزنی که برای کنگره در فلوریدا نامزد شده است، "اکثریت خاموش" در کارکنان دیزنی وجود دارد و این کارکنان سیاست "بیداری" را رد می‌کنند. هرچند در وهله اول این که آنها مجبور به "سکوت" هستند جای نگرانی دارد، بسیاری از کارمندان دیزنی با دستور کار سیاسی چاپک و سایر مدیران مخالفند.

این که چرا فرماندار دی‌سانتیس اکنون امتیازات ویژه دیزنی در فلوریدا را هدف قرار داده است دلیل دارد. ایالتی که در آن تعداد رای‌دهندگان جمهوری خواه ثبت شده برای اولین بار ۱۰۰۰۰۰ نفر از دموکرات‌ها بیشتر است. یک فرمان عمومی برای سیاست ضد بیداری وجود دارد، به ویژه وقتی که آینده کودکان در خطر است. از سال ۲۰۱۸، ثبت نام جمهوری خواهان در فلوریدا شاهد افزایش خالص بیش از ۳۶۳۰۰۰ رای دهنده بوده است. این قدم کمی نیست.

من فرمان عمومی را شخصاً دیده‌ام. سازمان من (جامعه کلیدی آزادی)، اخیراً میزبان "شب مبارزه آزادی" در میامی بود که اسطوره‌های قهرمان مبارزه نهایی مانند فرانک میر و تیتو اورتیز را گرد هم آورده بود تا آزادی آمریکا را جشن بگیرند. این رویداد یک موفقیت چشمگیر بود و حمایتی مردمی را در فلوریدا بسیج کرد که حتی نمی‌دانستیم وجود دارد.

مردم، به ویژه والدین در شهرستان‌ها و شهرهای سراسر آمریکا در یک کلام از سیاسی شدن مداوم زندگی روزمره خسته شده‌اند. آنها نمی‌خواهند برنامه‌های دیزنی "بیدار" شوند. آنها فقط محتوایی قوی و خوب می‌خواهند تا فرزندان‌شان را سرگرم نگه دارند. از این رو، دیلی وایر ۱۰۰ میلیون دلار برای محتوای کودکان سرمایه‌گذاری می‌کند که می‌تواند رقیب دیزنی باشد. خواه این سرمایه‌گذاری موفقیت‌آمیز باشد یا نه، مفسران محافظه‌کار مانند بن شاپیرو متوجه فرمان ضد بیداری می‌شوند. آنها می‌دانند که تقریباً دو سوم آمریکایی‌ها از جمله اکثر دموکرات‌ها، از لایحه‌هایی مانند اچ‌بی ۱۵۷۷ بر سر صحبت‌های حزبی دیزنی حمایت می‌کنند. وقتی ۶۵ درصد از آمریکایی‌ها معتقدند "بیداری" شرکت‌ها بیش از حد شده است، شرکت‌هایی مانند دیزنی به ناچار خلاف جریان شنا می‌کنند. حرفم را بخاطر داشته باشید: بیداری شکست می‌خورد. شاید این ماه یا یک سال دیگر نه، اما اعداد دروغ نمی‌گویند. صرفاً اجتماع مردمی بسیار زیادی در جبهه ما فعالیت می‌کند.

اکثر آمریکایی‌ها سیندرلای ترنس نمی‌خواهند. اکثر آمریکایی‌ها به یک شیر شاه دوجنسگرا علاقه‌ای ندارند. آنها فقط سیندرلا و شیر شاه می‌خواهند. همین و بس.

<https://cutt.ly/MD5HIGHh>

NEW YORK POST

نیویورک پست
کارول مارکوویچ

من پس از اینکه متوجه شدم دیزنی، مبنی بر پیشبرد «تئوری جنسیت» به خود می‌بالد، آن را ترک می‌کنم

کریستوفر روفو، به خاطر افشاگری‌هایش در مورد مدارس و شرکت‌های تحت طلسم «نظریه انتقادی نژاد» شناخته می‌شود. او روز سه شنبه ویدئوهای داخلی دیزنی را منتشر کرد که در آن مسئولین درباره نحوه وارد کردن «برنامه‌ی غیر محرمانه هم‌جنس‌گرایان» در برنامه‌های کودکان صحبت می‌کنند. این عبارات توسط لاتویا راونو، تهیه‌کننده اجرایی دیزنی گفته شده است؛ از آنجایی که شرکت «به سختی در حال تلاش است» تا حامی باشد، به لطف دیزنی هر کجا که لازم باشد از واژه «غرابت» استفاده می‌کند.

این فیلم تکان دهنده همچنین ویویان ور، مدیر گوناگونی و دربرداري پارک‌های دیزنی را نشان می‌دهد که می‌گوید این شرکت «تمامی تیریک‌های جنسیتی» را در پارک‌های موضوعی خود حذف کرده است. دیگر خبری از «خانم‌ها و آقایان، پسران و دختران» نیست. دیگر از یک دختر کوچک با لباس ملکه، با جمله «سلام، شاهزاده خانم!» استقبال نمی‌شود. دیزنی به سمت خط جنسیتی چپ سوق داده شده است و دقیقاً این کار را انجام می‌دهد.

هیئت مدیره این اظهارات را در یک جلسه مجازی در سراسر شرکت در روز دوشنبه درباره قانون حقوق والدین در آموزش و پرورش فلوریدا، بیان کردند؛ که در همان روز توسط فرماندار، ران دیسانتیس امضا شد. دیزنی برای تقبیح این قانون نسبتاً ضعیف که می‌گوید: «آموزش کلاس درس توسط کارکنان مدرسه یا

اشخاص ثالث در مورد گرایش جنسی یا هویت جنسی ممکن است در مهد کودک تا کلاس سوم یا به شیوه‌ای که مناسب سن یا رشد مناسب نباشد، رخ ندهد»، تیتز خبرها شده بود.

هیچ چیز بحث برانگیزی در مورد محدود کردن آموزش گرایش جنسی و هویت جنسی برای کودکان کوچک وجود ندارد. اکنون واضح است که تعهد دیزنی به قرار دادن کودکان در معرض تلقینات نامناسب در مورد تغییر جنسیت، بسیار عمیق‌تر از مخالفت آن با قانون فلوریدا است.

تا زمانی که بیداری بر آن غلبه کند، می‌توان روی دیزنی برای سرگرمی ایمن مناسب سن، حساب باز کرد. اما چرا والدین باید همچنان به شرکتی اعتماد کنند که این چنین شستشوی مغزی را در سرگرمی کودکان انجام می‌دهد؟ و چرا دیزنی باید در هر جهتی در زمینه جنسی کردن کودکان باشد؟ رئیس محتوای سرگرمی عمومی دیزنی، کری برک، در این نشست قول داد تا پایان سال حداقل نیمی از شخصیت‌های تولیدات این شرکت را از افراد غیر دگرجنس‌گرا و اقلیت‌های نژادی بسازد (که بازتاب جامعه نیست).

مدیران دیزنی سازمان‌های فعال مبتنی بر هویت را در شرکت ایجاد کردند، اختیارات اخلاقی را به نمایندگان خود تفویض کردند و اکنون آن گروه‌ها شرکت را گروگان ایدئولوژی‌های خود کرده‌اند. به عقیده برخی از کارمندان دیزنی، این شرکت کاملاً از مسیر اصلی خود خارج شده است و با این جهت‌گیری شدید شرکت به جناح چپ، موافق نیستند.

کارمندان محافظه‌کار دیزنی، هفته گذشته نامه‌ای سرگشاده منتشر کردند و گفتند که پاسخ دیزنی به قانون فلوریدا باعث می‌شود احساس کنند به «شرکتی تعلق ندارند که به طور فعال برنامه‌ای سیاسی را بسیار دور از برنامه ما ترویج می‌کند».

نامه ناشناس بود و تعجب هم ندارد: «کارمندانی که می‌خواهند شرکت والت دیزنی اظهارات سیاسی چپ‌گرا داشته باشد، تشویق می‌شوند؛ در حالی که آن‌هایی از ما که می‌خواهیم شرکت بی‌طرف بماند، می‌توانیم این اظهار نظر را فقط در یک زمزمه از ترس بگوییم».

موضوعی که دیزنی به آن توجه ندارد این است که تحمیل اختلال جنسیتی به کودکان کوچک‌تر، هرگز در میان خانواده‌ها که مخاطب اصلی دیزنی را تشکیل می‌دهند، محبوب نخواهد بود.

والدین نمی‌خواهند فرزندان کوچکشان با این ایده مواجه شوند که ممکن است در بدن اشتباهی به دنیا آمده باشند؛ کودکان به شدت مستعد تلقین هستند و والدین نمی‌خواهند به فرزندانشان گفته شود که جنسیت آن‌ها انعطاف‌پذیر است.

برای ما که با دیزنی به عنوان بخشی از زندگی خود بزرگ شده‌ایم، تصور اینکه بچه‌هایمان فیلم‌های دیزنی را تماشا نمی‌کنند یا به پارک‌های تفریحی دیزنی نمی‌روند، غم‌انگیز است؛ اما وجود مدیران دیزنی که آشکارا در مورد شستشوی مغزی کودکان در زمینه تئوری جنسیت بحث می‌کنند، تحریم دیزنی را به یک انتخاب آسان تبدیل می‌کند.



از پیرطربی
سی‌ان‌ان

شیطان سازی دیزنی: فاکس و رسانه‌های جناح راستی به شرکت بزرگ دیزنی به عنوان شرکت «بیدار» که به بچه‌ها تلقین می‌کند، حمله می‌کنند

در حال حاضر فاکس نیوزو مجموعه‌ای از وبسایت‌های راست‌گرا و تاثیر گذار همگی در حال حمله به غول سرگرمی یعنی شرکت دیزنی هستند. موضع دیرهنگام باب چاپک، مدیر عامل دیزنی در برابر لایحه‌ای در فلوریدا تحت عنوان «نگو همجنس‌گرا» جای خود را به رسانه‌های جناح راستی داده است که شرکت را به عنوان یک سازمان «بیدار» معرفی می‌کنند و اینکه به دنبال «فریب» کودکان با آنچه آن‌ها به عنوان یک برنامه رادییکال ال‌جی‌بی‌تی‌کیو توصیف می‌کنند، است.

دیزنی سازنده برنامه‌های کودکان، عمدتاً توسط ران دیسانتیس، فرماندار فلوریدا و سایر سیاستمداران حزب جمهوری‌خواه که به فکر خود هستند، به چالش کشیده شده است. تاکر کارلسون، مجری برنامه فاکس چهارشنبه شب اعلام کرد: «آن‌ها برای کودکان شش ساله برنامه جنسی دارند. شما فکر می‌کنید که این مورد به نوعی غیرقانونی، غیراخلاقی و وحشتناک است. با این حال آن‌ها تامین کننده اصلی برنامه‌های کودکان در کشور هستند. این یک مشکل

است، نه؟»

کارلسون در مورد مدیران دیزنی صحبت کرد که به دنبال عادی سازی سبک زندگی ال جی بی تی کیو با استفاده از تولید فیلم‌ها و پروژه‌های دیگر بوده‌اند. کارلسون گفت: «به نظر می‌رسد این رفتار یک رفتار مجرمانه جنسی است. افراد عادی به کودکان زیر سن قانونی از نظر جنسی تمایلی نشان نمی‌دهند.»

در حالی که کارمندان دیزنی و دیگران در ابتدا دیزنی را به دلیل عدم اتخاذ موضع قاطع در مورد لایحه «نگو همجنسگرا» مورد انتقاد قرار دادند، اما اکنون عکس این موضوع در جناح راست صادق است.

چقدر بر کسب و کار تاثیر می‌گذارد؟

ممکن است که این حملات به دیزنی را نادیده بگیریم، اما من فکر می‌کنم که این مطلب قدرت واقعی را که سران سخنگو و نهادهایی که به شرکت حمله می‌کنند نادیده می‌گیرد. ما طی شش سال گذشته دیدیم که همین افراد چقدر در متقاعد کردن بخش‌های نه چندان مهم کشور مبنی بر «جعلی بودن» بودن اخبار از منابع معتبر مؤثر بودند. این حمله مطمئناً بر نحوه نگاه محافظه‌کاران آمریکایی به رسانه‌های خبری اصلی تأثیر گذاشت.

این بدان معنا نیست که همان سرنوشت منتظر دیزنی خواهد بود. این احتمال وجود دارد که این حمله طی چند روز یا چند هفته به اوج خود برسد. اما جایگاه دیزنی در فرهنگ آمریکایی با مالکیت برندهایی مانند «جنگ ستارگان» و شرکت مارول قوی است. دیزنی از لحاظ تاریخی هم خانواده پسند و هم بطور خاصتر همجنس‌باز دیده می‌شود. این دو هويت با هم تضاد ندارند. در عوض، آن‌ها نباید باشند، اما به نظر می‌رسد دستتیس (اسم) و دیگران در حال ایجاد درگیری هستند.

این نکته را در نظر بگیرید: همانطور که به «پروژه ۱۶۱۹» توسط فاکس و دیگران ضربه وارد شد، آیا می‌توان گفت که این حملات به دیزنی آسیبی می‌رساند؟ اگر دستگاه رسانه‌ای جناح راستی بتواند در ذهن میلیون‌ها نفری که برای دریافت اخبار به آن مراجعه می‌کنند، طعم تلخی ایجاد کند، این حداقل می‌تواند خبر بدی برای دیزنی باشد.

شرط ۱۰۰ میلیون دلاری دیلی وایر

در حالی که جناح راست در حال جنگی همه جانبه با دیزنی است، حداقل یک شرکت به دنبال استفاده از آن است. دیلی وایر، سازمان رسانه‌های راست‌گرا، در یک بیانیه مطبوعاتی اعلام کرد که «حداقل صد میلیون دلار در طی سه سال آینده برای یک برنامه سرگرمی زنده و انیمیشن کودکان سرمایه‌گذاری خواهد کرد». این شرکت گفت که این برنامه‌ها که ماه‌ها زمان برای ساختن آن‌ها صرف شده است، در سال ۲۰۲۳ در دسترس مشترکانش قرار خواهد گرفت. همانطور که سارا فیشر از اکسیوس خاطرنشان کرد، این شرکت جهت جذب پول‌های

مشترکین، برنامه‌های خود را « به سمت سرگرمی تغییر داده است».

جرمی بوری‌نگ، یکی از مدیران شرکت دیلی وایر، در تصمیم‌گیری برای توسعه محتوای کودکان گفت: «آمریکایی‌ها از دادن پول خود به شرکت‌هایی که از آن‌ها متنفرند خسته شده‌اند. آن‌ها از دادن پول خود به شرکت‌های رسانه‌ای که می‌خواهند به فرزندان خود نظریه نژادی و جنسیتی رادیکال تلقین کنند خسته شده‌اند. اما مردم می‌خواهند کاری بیش از لغو آن‌ها انجام دهند. آن‌ها برنامه‌های جایگزین می‌خواهند. دیلی وایر این امکان را به آن‌ها می‌دهد.»

عامل کیو آنون

نادیده گرفتن عامل کیو آنون (نام یک نظریه) دشوار است. جنبش سیاسی، خط مشی حزب جمهوری خواه را به روش‌های مهمی راهنمایی کرد، و به اصلی‌تر شدن این مفهوم در درون حزب کمک کرد که نخبگان، منحرف‌های جنسی هستند که به دنبال استثمار کودکان هستند. این نکته، که دیزنی یک شرکت بیدار است که توسط نخبگان لیبرال‌هالیوود برای تلقین نظریه‌های جنسی رادیکال به کودکان استفاده می‌شود، دقیقاً به آن نظریه گسترده می‌خورد و آن را تقویت می‌کند. فاکس و سایرین در کهنکشان رسانه‌های راست‌گرا ممکن است مستقیماً کیو آنون را تبلیغ نکنند، اما بدون شک پیامهایی را به طرفدارانش می‌رسانند.

در اینجا یک قطعه پس زمینه خوب منتشر شده در سال گذشته از Otilia Steadman BuzzFeed وجود دارد: «نظریه‌های توطئه در مورد قاچاق جنسی و کودک آزاری یکی از ویژگی‌های اصلی‌ای بوده است که در دوران ترامپ شکوفا شد و به عنوان یک ابزار قدرتمند بکار گرفته شد.»

فعالیت ال‌جی‌بی‌تی کیو از جانب خود فاکس

در حالی که کانال گفتگوی فاکس، دیزنی را به دلیل پیشبرد دستور کار طرفدار ال‌جی‌بی‌تی کیو محکوم می‌کند، ظاهراً فراموش کرده یا اینکه ترجیح می‌دهد ناگفته بماند که متعلق به سازمانی است که به «تعهد» خود برای «قهرمانی» چنین جوامعی می‌بالد. به عنوان مثال، در وب سایت فاکس کورپ، همانطور که توسط جان وایت‌هاوس از امام‌اف‌ای اشاره شده است، این شرکت، به خود می‌بالد که توسط شاخص برابری شرکتی بنیاد کمپین حقوق بشر در سال ۲۰۲۱، رتبه ۱۰٪ را دریافت کرده است.

این شرکت اضافه می‌کند که به عنوان «شرکت برتر و دوستدار ال‌جی‌بی‌تی کیو» شناخته شده است. حتی تا آنجا پیش می‌رود که می‌گوید به دنبال ایجاد فرصت‌های تجاری و روابط پایدار با شرکت‌های متعلق به افراد ال‌جی‌بی‌تی کیو است. این شرکت در گزارش «مسئولیت اجتماعی شرکتی» خود می‌گوید: «همه چیز در مورد غرور است.» من روز چهارشنبه از سخنگوی شرکت فاکس پرسیدم که چگونه این شرکت می‌تواند این دو پیام را اصلاح کند، اما پاسخی نشنیدم...



روزنامه دنیای
فکس نیوز

لایحه حقوق والدین:

به کودکان الفبا را آموزش دهید، نه سکس

محافظه کاران متذکر می‌شدند که دموکرات‌هایی که می‌خواستند اندازه فنجان نوشابه شما را تعیین کنند، یک "دولت پرستار بچه" ایجاد می‌کردند. اما اکنون، دموکرات‌ها راضی نیستند که فقط پرستار بچه باشند. آن‌ها می‌خواهند والدین فرزند شما باشند و فکر می‌کنند شما نباید در این مورد نظری داشته باشید.

این بحثی است که در فلوریدا در حال وقوع است. چپ‌گراها از قانون جدید فلوریدا که توسط فرماندار ران دیسانتیس برای حمایت از حقوق والدین امضا شده است، خشمگین هستند، که به طور غیرصادقانه‌ای «نگو همجنس‌گرا» نامیده می‌شود. حتی دیزنی، شرکتی که نقش مهمی در تأثیرگذاری بر کودکان از طریق سرگرمی دارد، به دلیل محکوم کردن این قانون، تیرت خبرها شده است زیرا کارمندان فعال در این شرکت تلاش می‌کنند تا آن را به بازوی تبلیغاتی چپ افراطی تبدیل کنند. این از الگوی تاسف باری پیروی می‌کند که تلاش بیدارهای فوق العاده برای تغییر شکل نهادهای آمریکایی به گونه‌ای که جهان بینی منحرف و افراطی آن‌ها را تطبیق دهد.

اما اجازه دهید واضح بگوییم: قانون جدید فلوریدا حتی هرگز کلمه "همجنس‌گرا" را ذکر نمی‌کند. در عوض، دروس کلاس درس در مورد گرایش جنسی و هویت جنسی را برای کودکان ۵ تا ۸ ساله ممنوع می‌کند، چیزی که نظرسنجی نشان می‌دهد اکثر آمریکایی‌ها از آن حمایت می‌کنند.

یک نظرسنجی توسط دلی وایر نشان داد که ۶۷ درصد از آمریکایی‌ها موافق بودند که این اقدام به درستی "کودکان را از موضوعات نامناسبی که باید توسط والدین مورد بحث قرار گیرد محافظت می‌کند." یک نظرسنجی متفاوت نشان داد که

حتی دموکرات‌های فلوریدا هم با این قانون موافق هستند، وقتی که به طور دقیق توضیح داده شود.“
به عنوان یک مادر، مطمئن هستم که سایر والدین موافق هستند مدارس باید به بچه های خردسال الفبا آموزش دهند، نه سکس.

اما برای دموکرات‌ها، این غیرقابل قبول است. آن‌ها ادعا می‌کنند که “متخصصان” می‌دانند چه چیزی برای فرزند شما بهتر است. چه شرکت‌ها و چه فعالان سیاسی را بیدار کند، این فقط آخرین نمونه از دموکرات‌هاست که دستور کار چپ افراطی خود را بر بهترین منافع کودکان قرار می‌دهند.

بحث در مورد محتوای خاص این لایحه آنقدر نیست که این لایحه جرات اعمال اختیارات والدین بر هیئت مدیره مدارس، فعالان و بوروکرات‌های دولتی را داشته باشد. دموکرات‌ها نسبت به فرزندان دیگر مردم احساس حق و حقوقی می‌کنند. فقط به نحوه رفتار آن‌ها با بچه‌ها در طول همه‌گیری نگاه کنید.

برای بیش از یک سال، دموکرات‌ها بچه‌ها را از کلاس درس دور نگه داشتند. آن‌ها مدارس را تعطیل کردند، فرزندان ما را مجبور کردند به صورت آنلاین یاد بگیرند و ماسک را برای کودکان نوباً اجباری کردند. دولت بایدن حتی با روسای اتحادیه معلمان برای بسته نگه داشتن مدارس تبانی کرد. و بچه‌ها رنج می‌برند.

بیش از ۹۷ درصد از مربیان در طول سال گذشته “تعدادی از نبود یادگیری در بچه‌ها” را مشاهده کردند. یک گزارش مک کینزی نشان داد که دانش آموزان به دلیل از دست دادن یادگیری در سال گذشته، حدود ۶۰۰۰۰ دلار درآمد مادام‌العمر از دست خواهند داد. دانش آموزان سیاه‌پوست بیش‌ترین آسیب را خواهند دید: همین مطالعه ۳.۳ درصد از دست دادن درآمد در سال را در زندگی بزرگسالی آن‌ها پیش‌بینی کرد.

ماه گذشته، یک منطقه مدرسه در ویسکانسین به طرز فجیعی اعلام کرد که والدین «حق ندارند» جنسیت فرزندان خود را بدانند. وزارت آموزش و پرورش نیویورک برای ترویج کتاب‌های جنسی صریح برای دانش‌آموزان دبیرستانی خود به شدت تلاش می‌کند. در لس آنجلس، معلمانی که از استفاده از ضمائر ترنس برای کودکان خردسال خودداری می‌کنند، توسط مدیران مدرسه مورد هدف قرار می‌گیرند. در اورگان، سیستم مدارس دولتی در سراسر ایالت راهنمایی‌هایی را برای ترویج کودکان در سنین مهدکودک با استفاده از ضمائر جنسیتی به انتخاب خود تصویب کرده است.

جای تعجب نیست که چرا دموکرات‌ها نمی‌خواهند والدین بدانند در کلاس‌های درس چه می‌گذرد. به همین دلیل است که معلمان شهرستان لودون، ویرجینیا، یک گروه مخفی در فیس بوک برای حمله به والدین نگران ایجاد کردند. دولت بایدن مادران و پدرانی را که در جلسات هیئت مدیره مدرسه با «برچسب تهدید» اف بی آی صحبت می‌کردند، ردیابی کرد، علی‌رغم اینکه قبلاً ادعا می‌کرد از ابزارهایی استفاده نمی‌کردند که معمولاً برای تروریست‌های داخلی محفوظ است.

این نوع رفتار تهدیدآمیز نسبت به والدینی که به فرزندان خود اهمیت می‌دهند کارساز نیست. باور نمی‌کنی؟ فقط از فرماندار ویرجینیا گلن یانگکین پرسید. دموکرات‌هایی که تلقین و جنسیت‌سازی را بر آموزش و پرورش ترجیح می‌دهند و والدین را در این فرآیند بی‌اهمیت می‌پندارند، خود را در معرض شکست قرار می‌دهند. این فقط سیاست بد نیست. شرم آور است. در همین حال، جمهوری خواهان از مشارکت والدین در آموزش فرزندان خود و محافظت از کودکان در برابر دستور کار نامناسب چپ‌ها، چه در کلاس درس و چه در فیلم‌هایی که تماشا می‌کنند، حمایت می‌کنند.

اعتراف به نژاد پرستی

Quillette

چهارشنبه

کریست

غیبت پدران سیاه پوست

یک روز بعد از ظهر مادرم با من تماس گرفت تا مردی که در اتاق نشیمن ما نشسته بود را ملاقات کنم؛ توضیحات او اضافی بود و بلافاصله فهمیدم آن مرد کیست و از همان لحظه هم از او خوشم نمی‌آمد. غیبت او در زندگی من دردناک بود. خانه‌ای که در آن زندگی می‌کردیم نیز بیانگر آن بود. برای زندگی مناسب نبود؛ یک گودال در حال پوشیدن با سقفی که چکه می‌کرد، همه جایش مورد حمله موریانه‌ها قرار گرفته بود و در حال ویران شدن بود. خجالت می‌کشیدم که کسی غیر از نزدیک‌ترین دوستانم بداند کجا زندگی می‌کنم.

من در آن سال ۱۹۵۶، دوازده ساله بودم. اینجا منطقه جیم کرو جنوبی بود که فقر اوضاع پیش‌فرض سیاه پوست‌ها بود. مردان سیاه پوست به مشاغل پست همچون حفر خندق، سرایدار و کشاورز محدود می‌شدند؛ مگر اینکه مستقیماً به جامعه سیاه پوستان رسیدگی می‌کردند. در این صورت مشاغل واعظ، معلمی و مغازه‌دار نیز میسر می‌شدند. بیشتر آن‌ها در رده‌های سخت کار می‌کردند، بنابراین همه جا فقر بود و از آنجایی که مادرم تنها نان‌آور خانه بود، فقر ما مصیبت‌بار بود.

اما این داستان قربانی شدن سیاه پوستان نیست؛ بلکه این مقاله‌ای است درباره نقصی در فرهنگ سیاه پوستان که شنیدن آن برای من و برادران و خواهران سیاه پوستم ناراحت کننده است. اما یک مشکل قبل از رفع آن، باید تصدیق شود و شکست پدران سیاه پوست یکی از بدترین مشکلاتی است که جامعه ما را رنج می‌دهد.

مادرم خدمتکار بود و از آنجایی که حقوق ۲۵ دلاری او در هفته زیاد نمی‌شد، من یک بچه لاغر مردنی بودم. دائماً سرماخورده بودم که آن را مدیون رژیم غذایی ضعیف و خانه‌ای بودم که در زمستان تبدیل به قطب می‌شد. یک اجاق چوبی در اتاق نشیمن و یکی در آشپزخانه وجود داشت، اما گرمای آن‌ها به اتاق‌ها نمی‌رسید. ما از اجاق گاز آشپزخانه فقط برای پخت و پز استفاده می‌کنیم تا در مصرف سوخت صرفه‌جویی کنیم. برای گرم شدن در زمستان، زیر پنچ پتو می‌خوابیدیم. اگر یک لیوان آب در طول شب کنار می‌گذاشتیم، تا صبح یخ می‌زد. آب گرمی وجود نداشت.

برای من مخرب‌ترین تأثیر روانی، غیبت پدرم بود. بدترین لحظات کودکی من زمانی بود که بچه‌های دیگر از من پرسیدند پدرت کجاست؟ تا پیش از اینکه مفهوم بارداری را بفهمم، می‌توانستم به آن‌ها بگویم که من پدر ندارم. اما بعد از اینکه همه کمی زیست‌شناسی یاد گرفتیم، این سؤال چنان ناراحت کننده شد که در چند مورد مجبور شدم از بازی‌های گروهی فاصله بگیرم.

بزرگ شدن بدون پدر باعث شد احساس کنم انسانیت و مردانگی کامل پسر عموها، دوستان و هم‌کلاسی‌هایم را ندارم. از آنجایی که اعتماد به نفس و عزت نفس هم‌سالان مذکر را نداشتیم، بعدها در زندگی برای جبران به دنبال ماجراجویی بودم. در ارتش، برای یگان‌های چتر باز داوطلب شدم، در ویتنام جنگیدم و چهار بار به دلیل نافرمانی تنبیه شدم. به صورت غیر حرفه‌ای بوکس کار کردم و با برخی از وحشی‌ترین مردانی که می‌توانستم پیدا کنم، معاشرت می‌کردم.

آیا رفتار جنایت‌کارانه برخی از مردان سیاه پوست جوان امروزی مدیون احساس مردانگی از دست رفته است؟ من مطمئن هستم که این‌طور است. یکی از دوستانی که به عنوان استخدام ارتش کار می‌کند به من گفت که بسیاری از مردان سیاه پوست دارای سوابق جنایی هستند، ارتش دیگر ابزاری برای ساختن مرد برتر پنداری نیست که در زمان پیوستن من بود.

در سال ۱۹۶۵، جامعه‌شناس پاتریک مونیهان در گزارشی بیان کرد که بسیاری از مشکلات اجتماعی که سیاه پوستان آمریکایی را تحت تأثیر قرار می‌دهند، ناشی از فروپاشی خانواده سیاه پوستان است. وی افزود: «در قلب زوال بافت جامعه سیاه پوست، زوال خانواده سیاه پوستان است. این منبع اصلی ضعف جامعه سیاه پوست در زمان حاضر است.»

با این حال، آمریکا از زمان جوانی من بسیار تغییر کرده است و به نظر می‌رسد برخی از ما

نمی‌خواهیم غارهای تاریک برده‌داری را پشت سر بگذاریم. بله، نژادپرستی ادامه دارد، اما دیگر علت اصلی لعنت ما نیست. تا زمانی که این را نپذیریم و خود را از قربانی کردن خود رها نکنیم، نمی‌توان پیشرفت کرد.

من سعی کردم با پسرم بهتر رفتار کنم و برای او الگو باشم، اما صادقانه اعتراف می‌کنم که تلاشم در حد عالی نبود. من هرگز قرار نبود به عنوان پدر سال انتخاب شوم، اما در این شرایط بهترین تلاشم را کردم. حداقل من آنجا بودم و مطمئن می‌شدم که پسرم هرگز در زمستان از سرما یخ نمی‌زد و شکمش پر است، اخلاق را درک می‌کند و می‌داند که اگر بچه داشته باشد، باید از آن‌ها مراقبت کند.

اکنون من یک نوهی ۲۳ ساله دارم - که می‌داند که اگر کودکی را به دنیا بیاورد، باید از نظر عاطفی، اجتماعی و مالی از او مراقبت کند. او فقط یک اهداکننده اسپرم دیگر نخواهد بود. آن‌قدر ما را درک می‌کند که بداند این همان چیزی است که اکنون از او انتظار می‌رود. موضوع غیبت پدران در میان بسیاری از فعالان سیاه پوست همچنان از موضوعات ممنوعه است؛ حتی با این وجود که نرخ غیبت پدران در میان سیاه پوستان به طرز وحشتناکی بالا است. برای این فعالان، هرگونه تلاش برای بحث درباره شکست‌های فرهنگی سیاه پوستان نوعی مقصر دانستن قربانی و انحراف از چیزی است که واقعاً جامعه سیاه‌پوست را آزار می‌دهد؛ یعنی تداوم برتری سفید پوستان.

حدود شش ماه پس از ملاقات پدرم، مادرم مرا از جلوی در به داخل خانه صدا زد. وقتی وارد اتاق نشیمن شدم، او با جدیت به من نگاه کرد و گفت: پدرت امروز درگذشت.

جواب دادم: «باشه» و برگشتم تو حیاط بازی کنم. فکر کردم که چیز مهمی نیست. با این حال، این یکی از مهم‌ترین تحولات زندگی من بود.

چند ماه بعد، چک تأمین اجتماعی من به صندوق پستی رسید. بالاخره اولین حس مشروعیتم را تجربه کردم و طبق قانون احراز هویت شده بودم.

اوضاع کمی بهتر شد و ما توانستیم از نردبان اقتصادی - اجتماعی، فقط کمی بالا برویم. اما آیا اوضاع برای مردم من در حال بهبود است؟ من فکر نمی‌کنم تا زمانی که پدران سیاه پوست به کار بازگردند، بهبودی حاصل شود. ما نمی‌توانیم همچنان تمام مشکلات خود را به گردن نژادپرستی بیندازیم. اگر بتوانیم خانواده سیاه پوستان را احیا کنیم و بتوانیم حیثیت و عزت خود را که از دست داده‌ایم، بازیابیم، درمی‌یابیم که بالاخره به سرزمین موعود رسیده‌ایم.

<https://cutt.ly/VFWuVld>



آی‌وی‌سی
ان‌بی‌سی نیوز

زنان سیاه‌پوست در طول جلسه کتانجی براون جکسون برای تأثیرگذاری آماده شده‌اند

این هفته، کتانجی براون جکسون اولین زن سیاه‌پوست و اولین مدافع عمومی سابق شد که در مقابل کمیته قضایی سنا به عنوان نامزد قاضی دیوان عالی ایستاد. این فرصتی است برای کتاب‌های تاریخی که باید به درستی و با صمیمیت جشن گرفته شوند. با این حال، زنان سیاه‌پوست مانند من برای تأثیرگذاری آماده می‌شوند. ما به خوبی می‌دانیم که چگونه در مؤسسات عمدتاً سفیدپوست از چه طناب داری عبور می‌کنیم. یک گام اشتباه باعث نابودیمان می‌شود.

ما نگاهی اجمالی به آن دوشنبه از سناتور مارشا بلکبرن گرفتیم، که پیشنهاد کرد که جکسون ممکن است "برنامه‌ای پنهان" داشته باشد، و در ادامه ادعا کرد که جکسون به صراحت اعلام کرده است که او معتقد است قضاوت باید هنگام تصمیم‌گیری درباره متهمان جنایی، نظریه نژاد انتقادی را در نظر بگیرند. بلکبرن این سوال را دنبال کرد: "آیا برنامه شخصی شما این است که مناطق حساس نژادی را در سیستم‌های قانونی ما بگنجانید؟"

این خط پرسش در روز سه شنبه با سناتور تد کروز از تگزاس ادامه یافت، که در اولین فرصت خود برای بازجویی از نامزد دیوان عالی در صحن علنی، او را با تصاویری از کتاب پرفروش نویسنده ایبرام ایکس کندی، "کودک ضد نژادپرست" بازجویی کرد. و پرسید که آیا جکسون معتقد است که نوزادان نژادپرست هستند؟ وقتی کروز روی نظریه نژاد انتقادی تحت فشار قرار گرفت، جکسون گفت "من هرگز تئوری نژاد انتقادی را مطالعه و استفاده نکرده‌ام." به نظر می‌رسد که بلکبرن و کروز این بحث را از سخنرانی جکسون در مورد احکام فدرال در پرونده‌های جنایی

استخراج کردند. جکسون در این سخنرانی گفت «حکم در سطح فکری بسیار جالب است، تا حدی به این دلیل که انواع بی‌شماری از نه تنها قوانین کیفری بلکه قوانین اداری، قانون اساسی، نظریه‌های نژادی انتقادی، مذاکرات و تا حدودی حتی قراردادها را باهم ترکیب می‌کند.»

واضح بود که او هرگز نگفت که قضات باید نظریه نژاد انتقادی را در نظر بگیرند، بلکه یکی از فلسفه‌هایی است که می‌توان آن را برای صدور حکم بازبینی کرد.

در یک جلسه قوه قضاییه سنا در سال ۲۰۲۱، سناتور جان کورنین از تگزاس از جکسون پرسید «نژاد چه نقشی دارد، در نوع قاضی که شما بوده‌اید و قضاوت شما چگونه خواهد بود؟»

در زندگی‌ام به کرات با این سوال مواجه شده‌ام. اجازه دهید نگرانی واقعی کورنین را ترجمه کنم: هویت شما به عنوان یک زن سیاه پوست چگونه درک شما از سیستم حقوقی در ایالات متحده را شکل داده است؟ این ممکن است برای سفیدپوستان یک سوال منصفانه به نظر برسد، اما برای من و دیگر افراد غیرسفید پوست، این یک ترفند دود و آینه است.

تاثراتر سیاسی شکسپیر روز سه شنبه با سناتور لیندسی گراهام به نمایش خود ادامه داد و از اعتقادات مذهبی جکسون انتقاد کرد. این تلاشی بود برای انتقاد از خط پریشی که سناتورهای دموکرات در جلسه تأیید امی کونی بارت در دادگاه عالی استفاده کردند. اما جکسون در مانور دادن در مورد سؤالات گویا، روشن کردن گاز و سوت سگ متخصص است. در روز دوم جلسه دادرسی، او تأیید کرد که چرا ما به کسی مانند او برای اجرای عدالت از عالی‌ترین دادگاه کشور نیاز داریم.

مدافعان عمومی اغلب با یک عمل متعادل کننده مواجه می‌شوند. آن‌ها که متهم به و کالت متهم هستند، شجاعانه به یکی از اولین و مهمترین وعده‌های قانون اساسی مبنی بر ارائه دفاع پایبند هستند. با این حال، اغلب اوقات در فرآیند انتخاب آن‌ها را به خاطر انجام دقیقاً همان کاری که سوگند خورده‌اند به عنوان نماینده مجرمان و بی‌گناهان به طور یکسان انجام دهند مسخره می‌کنیم.

یکی از موضوعاتی که روز سه شنبه مطرح شد، دوران جکسون به نمایندگی از زندانیان گوانتانامو پس از حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر بود، زمانی که او یک مدافع عمومی فدرال بود. او نمونه‌ای از خرد خود را در این لحظه به اشتراک گذاشت. او گفت: «بعد از ۱۱ سپتامبر، وکلایی وجود داشتند که متوجه شدند ارزش‌های ملت ما مورد حمله قرار گرفته است، ما نمی‌توانیم به تروریست‌ها اجازه دهیم با تغییر شخصیت خودمان پیروز شوند. و معنی آن این بود که افرادی که توسط دولت ما متهم به انجام اقدامات مربوط به این موضوع می‌شوند، بر اساس طرح قانون اساسی حق داشتن نمایندگی عادلانه را دارند. این چیزی است که سیستم ما را به بهترین در جهان تبدیل می‌کند.»

بر اساس گزارش مرکز پیشرفت آمریکا در سال ۲۰۲۰، تنها حدود ۱ درصد از قضات استیناف فدرال قبلاً به عنوان مدافع عمومی یا وکیل کمک حقوقی کار می‌کردند. و طبق یک پایگاه داده مرکز قضایی فدرال که توسط مرکز تحقیقاتی پیو تجزیه و تحلیل شده است، تنها ۷۰ نفر از ۳۸۴۳ نفری که تاکنون به عنوان قاضی فدرال در ایالات متحده خدمت کرده‌اند، زنان سیاه پوست بوده‌اند.



روشنی
کنکس برنده نوبل

نامزدی که زنان سیاهپوست منتظر آن بودند

ما شاهد لحظه‌ای تاریخی هستیم. برای اولین بار در تاریخ کشور، رئیس جمهور زنی سیاه پوست را برای نشست در دادگاه عالی ایالات متحده معرفی کرد.

به عنوان یک وکیل زن سیاه پوست، با اطمینان می‌گویم که زمان زیادی در انتظار این نامزدی بودم. مایا وایلی، وکیل حقوق مدنی، این مسئله را عالی بیان کرد: "این بدان معنا بود که شایستگی‌های ما به جای اینکه به خاطر کلیشه‌ها کنار گذاشته شود، فرصتی یافت تا در نهایت بر اساس موفقیت ما قضاوت شود."

اینکه قاضی کنانجی براون جکسون یک قاضی بسیار شایسته، دارای صلاحیت و قدرتی همه جانبه است، جای تعجب نیست. دانشمندان حقوقی، قضات و مدافعان زن سیاهپوست بسیاری وجود داشته‌اند که به اشتباه نادیده گرفته شده‌اند و سزاوار این فرصت بوده‌اند تا در دادگاه عالی بنشینند. اما باز هم از این که این لحظه اتفاق می‌افتد بسیار سپاسگزارم. پسر ۱۰ ماهه من، در کشوری بزرگ می‌شود که قاضی دیوان عالی شبیه مادرش است و همانطور که مدیر اجرایی سیستم‌های مونیکا سیمپسون این هفته به من گفت، "فراتر از ضرورت است که تلاقی‌های زندگی ما به زبان قانونی منعکس شود."

قاضی جکسون در طول جلسات دادرسی انتخاباتی خود، یک کلاس کارشناسی ارشد را با اقتدار دیپلماتیک در برابر کدهای لفظی نژادپرستانه و جنسیتی تدریس کرد. میشل برچر گودوین، نویسنده و استاد حقوق دانشگاه ارواین کالیفرنیا، گفت: "ما شاهد قدرتی بودیم که زنان سیاه پوست باید به دخترانمان منتقل کنند. به ما یاد داده‌اند که از بین آتش راه برویم. این اقتدار درباره بقا و تلاش برای دستیابی به یک تکه نازک از شکوفایی است، ذره به ذره."

زمانی که سناتور جان کندی از قاضی جکسون به خاطر خوش بیانی "تمجید" کرد، او با صراحت و خونسردی پاسخ داد و به من گفت که تمام عمرش دقیقاً برای همین لحظه تمرین کرده است. پاسخش همراه با حالت چهره‌اش یک

زن سیاه پوست بود. این همان چهره‌ای است که در مادرم دیدم؛ در حالی که لبخند می‌زند و با آرامش پاسخ کارمندان فروشگاه‌های گران‌قیمت را که با شک به ما نگاه می‌کردند و می‌گفتند: "یعنی برای خرید چه چیزی ممکنه اومده باشندا؟" می‌داد.

او همچنین به والدین دوستان دبیرستانی سفیدپوستم لبخندی مودبانه اما از نوع "خوب می‌فهمم منظورت چی است" زد که به ما گفتند از اینکه سیاست‌های اقدام تصدیق (افراد در معرض برخورد ناعادلانه به علت جنسیت یا نژاد را برای کار یا تحصیل انتخاب می‌کنند) وجود دارد خوشحال هستند زیرا به من اجازه دادند به دانشگاهی بروم که فرزندان‌شان در آن قبول نشدند. بی‌توجه ظاهر شدن نسبت به نژادپرستی، جنسیت‌گرایی، طبقه‌گرایی، هوموفوبیا، ترنس‌هراسی و دوجنس‌هراسی تنها راه زنده ماندن به عنوان یک زن سیاه پوست در آمریکا است.

اما روند انتخاب و تأیید قاضی جکسون تنها برای زنان سیاه پوستی مثل من مهم نیست؛ این همچنین گامی ضروری برای دستیابی به هدف بلند مدت نمایندگی و شمولی است که قانون اساسی ما وعده داده است: "ما مردم." ما بیش از این کرسی را در قدرتمندترین میز کشورمان به دست آورده‌ایم و من، مانند سناتور کوری بوکر، اجازه نمی‌دهم هیچ چیز یا هیچ‌کسی لذت سرشار من را از بین ببرد.

در اینجا سؤال من و پاسخ و کلا و مدافعان زن سیاه پوست درباره مفهوم این لحظه برای آنها وجود دارد، به امید اینکه شما نیز زمانی را به تأمل در این واقعه خاص اختصاص دهید.

به عنوان وکیل و یا مدافع زن سیاه پوست، نامزدی قاضی کتانجی براون جکسون برای شما چه معنایی دارد؟ مانیکا سیمپسون، مدیر اجرایی زنان سیستم‌سانگ از عدالت باروری رنگی جمعی: "من بسیار خوشحالم. تماشای صورت او، دیدن موهای طبیعی و پوست قهوه‌ای او و تماشای چنین زن سیاه پوست زیبایی که خونسردی خود را حفظ می‌کند، در منصب قدرت خود می‌نشیند و در طول این جلسات آن را در کنترل نگه می‌دارد، همه چیز است. به‌عنوان یک الهام بخش سیاه‌پوست همجنس‌گرای جنوبی، من ریشه در شعار قاطعانه (#اعتماد به زنان سیاه‌پوست) دارم، زیرا کارم را در زمینه عدالت پاروری انجام می‌دهم و او برای من مظهر آن است. اگر (#اعتماد به زنان سیاه‌پوست) چهره‌ای داشت، چهره او بود."

ویکتوریا کربی بورک، معاون مدیر اجرایی ائتلاف ملی عدالت سیاه: "تاریخ قضایی ما مملو از صفحات عمدتاً سفیدپوستان است که قوانینی را تعریف می‌کنند که تأثیرات معینی بر رنگین‌پوستان، به ویژه سیاه‌پوستان داشته است. تأیید قاضی براون جکسون به این معنی است که حداقل در بالاترین دادگاه، ما بیش از هر زمان دیگری به برابری جنسیتی و نژادی نزدیک می‌شویم، با چشم‌انداز دیگری از فردی که با ثروت نسلی متولد نشده است."

کیم تیگنور، یکی از بنیانگذاران (#آن_زن_برمی_خیزد): وقتی ما (#SheWillRise) را شروع کردیم، چون به یک زن سیاه‌پوست در دادگاه عالی نیاز داریم، یکی از اولین سوالاتی که حتی از خود سیاه‌پوستان می‌گرفتیم این بود که آیا این زن وجود دارد؟ بله او نه تنها وجود دارد بلکه ما مجموعه‌ای کامل از زنان ایجاد کردیم که می‌توانستند جای او باشند. هدف این است که دیگر هیچ‌کسی این سؤال را از ما نپرسد. قاضی کتانجی براون جکسون اولین نفر است، اما آخرین نفر نخواهد بود.

substack

انگور سالیوان
سایستک

مشکل جان استوارت

من چندین هفته پیش در تعطیلات ناهار خود در روز پنج شنبه مشغول پیاده با سگم بودم و درگیر قطعه ای بودم که می‌خواستیم در ذهنم بنویسم. تلفن زنگ خورد و یک کاتب دیوانه روی خط بود. آیا می‌توانم فردا به نیویورک بروم تا با جان استوارت در مسابقه مصاحبه کنم؟ من با صدای بلند خندیدم. "نه نمیتونم." و به هر حال چرا باید این کار را انجام دهم؟ چرا من فقط برای اینکه نژادپرست نامیده شوم به یک برنامه بروم؟ "نه، نه، نه،" او پاسخ داد. چنین اتفاقی نمی‌افتد. این فقط شما هستید که با جان تک به تک صحبت می‌کنید و او هرگز این کار را نمی‌کند. گفتم باید در موردش فکر کنم مخصوصاً از آنجایی که فقط ۲۴ ساعت مانده به ضبط فیلم ناامید به نظر می‌رسیدند و بعداً زنگ زدم تا مطمئن شوم که آیا فقط جان است. من به او اعتماد دارم که منصف باشد. من فرصت خواندن دعوت نامه‌های ایمیل را نداشتم، بنابراین به کلمه رزرو کنندگان اعتماد کردم.

اما درست قبل از ضبط نوار در واقع متوجه شدم که دو مهمان دیگر نیز وجود خواهند داشت و این در واقع یک مناظره خواهد بود. همانطور که نمایش شروع شد، برای اولین بار متوجه شدم که یک تماشاگر زنده استودیویی وجود دارد و این اپیزود "مشکل مردم سفید پوست" نام دارد، عنوانی که اگر از قبل می‌دانستم، هرگز به آن مهمانی نمی‌رفتم.

من به تمیبه کنندگان اعتراض کردم که غافلگیر شده‌ام. و اگر منصف باشم، آن‌ها به من این حق انتخاب را

دادند که در آخرین لحظه از آن عقب نشینی کنم. اما من نمی‌خواستم آن‌ها را به حال خود رها کنم، به خودم اطمینان دادم که استوارت یک حرفه‌ای است و گفتم ادامه می‌دهم.

در مورد سوال مسابقه، استوارت تصمیم گرفته است که حتی از رایین دی آنجلو نیز با ضد سفیدی پرشور خود عبور کند. مونولوگ آغازین او گاهی اوقات با لحنی غم‌انگیز بیان می‌شد، گویی او حقایق سختی را بیان می‌کرد که فقط افراد متعصب می‌توانستند با آن مخالفت کنند. او استدلال کرد که هیچ کس در آمریکا تا سال ۲۰۲۰ آماده گفتگوی صادقانه در مورد نژاد نبوده است. او همچنین پیشنهاد کرد که از سال ۱۶۱۹ تا کنون هیچ کاری توسط سفیدپوستان برای حمایت از آمریکایی‌های آفریقایی تبار انجام نشده است. اصرار جان استوارت مبنی بر اینکه آمریکایی‌ها تا قبل از سال ۲۰۲۰ هرگز به شدت در مورد نژادپرستی بحث نکرده‌اند نیز بسیار نادرست است. آمریکایی‌ها قرن هاست که با صدای بلند درباره آن بحث می‌کنند. چیزی به نام جنگ داخلی بر سر آن وجود داشت. ادعای او مبنی بر اینکه آمریکای سفید هرگز هیچ کاری در دفاع از سیاه‌پوستان آمریکایی انجام نداده است و او ملزم به نادیده گرفتن بیش از ۳۰۰۰۰۰۰ مرد سفیدپوست می‌کند که جان خود را برای شکست کنفدراسیون برده دار دادند. از استوارت می‌خواهد که سفیدپوستان بی‌شماری (اغلب یهودی) را که در جنبش حقوق مدنی جان خود را فدا کردند، نادیده بگیرد. لازم است که او بزرگترین رئیس جمهور تاریخ آمریکا را از ذهن‌ها پاک کند. اخراج همه سفیدپوستان آمریکایی در طول تاریخ، حتی آن‌هایی که همه چیز را به خطر انداختند تا برابری را گسترش دهند، وقتی به آن فکر کنید، ناپسند است.

ادعای استوارت مبنی بر این که سفیدپوستان هرگز برای بهبود رنج سیاه‌پوستان تلاش نکرده‌اند تا کنون او را ملزم کرده است که از بیش از ۱۹ تریلیون دلار از بودجه عمومی را که در جنگ طولانی علیه فقر صرف شده است، به ویژه برای سیاه‌پوستان آمریکایی صرف‌نظر کند.

استوارت سپس از معیارهای خام نابرابری استفاده کرد تا به سبک‌کنندگی، بدون هیچ مدرکی، استدلال کند که تنها چیزی که احتمالاً می‌تواند نابرابری نژادی امروز در آمریکا را توضیح دهد، هنوز برتری سفیدپوستان است. عوامل دیگر مثل فقر، نرخ فوق‌العاده بالای جنایت و خشونت، فروپاشی حاد خانواده، فرهنگ نوجوانی که موفقیت را با سفیدی برابر می‌داند، فقدان مراقبت‌های مقرون‌به‌صرفه از کودکان یا به‌عنوان بیان بدیهی تعصب مورد تمسخر قرار نگرفت. او سپس جداسازی قانونی رسمی را با جداسازی داوطلبانه مسکونی یکی دانست، گویی که جیم کرو هنوز در حال اجراست. و او استدلال متقابل را اینگونه بیان کرد آمریکای سفید پوست معتقد است که آفریقایی-آمریکایی‌ها تنها مسئول مبارزات جوامع خود هستند.

یک لحظه آن را جذب کنید. این ذات‌گرایی نژادی کثیف، این دیدگاه آمریکایی‌های سفیدپوست و استفاده از آن برای کسب درآمد بیشتر برای سفیدپوستان ثروتمند، تهیه سلاحی برای برخی از سفیدپوستان نخبه برای از بین بردن رقبای شغلی خود، و کمک به ساختن یک سیستم غنائم نژادی جدید که هرگونه مفهوم کوررنگی یا حقوق فردی را پشت سر می‌گذارد.

the FEDERALIST

ال ریپبلن
فکر الیست

اگر کتانجی براون جکسون معنای کلمه زن را نمی‌داند، چرا اینقدر از این کلمه استفاده می‌کند؟

قاضی کتانجی براون جکسون، نامزد اخیر دادگاه عالی، که رئیس جمهور اذعان داشت تا حدی به دلیل زن بودن نامزد شده است، روز سه شنبه هنگامی که از ارائه تعریفی از چیستی زن خودداری کرد، شنوندگان را شگفت زده کرد. جکسون پس از اینکه سناتور جمهوریخواه مارشا بلکبرن از او خواست تعریفی از کلمه زن ارائه دهد، گفت: "من نمیتونم... من یک زیست شناس نیستم".

اما جکسون به دلیل اینکه نمی‌داند زن چیست، دوست دارد از این کلمه استفاده کند. در اینجا ۱۴ بار ذکر شده است که او فقط در دو روز اول جلسات تأیید خود از جنس منصف استناد می‌کند، به علاوه ۳۴ بار که او این کلمه را در نظرات حقوقی خود به عنوان قاضی به کار برده است.

جکسون در بیانیه افتتاحیه خود در روز اول جلسه تأیید اظهار داشت که من بر روی شانه های بسیاری از کسانی که قبل از من آمده‌اند، از جمله قاضی کنستنس بیکر موتلی، که اولین زن آفریقایی-آمریکایی بود که به سمت قضاوت منصوب شد، ایستاده‌ام.

در روز دوم، جکسون نمی‌توانست در مورد سابقه دادگاه عالی در مورد سقط جنین بدون اشاره به زنان صحبت کند. او گفت که پرونده «رو و کیسی» قانون حل شده دادگاه عالی در مورد حق خاتمه بارداری زنان هستند. او همچنین به یک شاهد زن در پرونده ای مربوط به جنایات جنسی کودکان اشاره کرد، حوزه ای از قانون که در آن او به صدور احکام سبک برای مجرمان پورنوگرافی کودکان متهم شده است.

جکسون همچنین از مفهوم زنانگی استفاده کرد تا به خاطر نامزد شدن از خود تعریف کند. او گفت که من متواضع و مفتخرم که این فرصت را دارم که در این سمت خدمت کنم و اولین و تنها زن سیاه پوستی باشم که در دادگاه عالی ایالات متحده خدمت می‌کند.

و سپس سه بار در همان جمله من یک سخنرانی در مورد زنان سیاهپوست در جنبش حقوق مدنی انجام دادم، بیشتر سخنرانی بر زنان آفریقایی آمریکایی متمرکز بود، کمک‌های آن‌ها به جنبش حقوق مدنی، مشارکت‌های نامعلوم در بسیاری از موارد، و برخی از زنان آفریقایی-آمریکایی که ادعاهایی را مطرح کرده‌اند و کارهایی را در جامعه ما انجام داده‌اند. او حتی نه تنها وجود زنان، بلکه وجود مردان را نیز تصدیق کرد. او به سناتورهای گفت ما معتقدیم که دولت قانون داریم و نه دولت اشخاص. و با این حال مردان و زنانی هستند که در چارچوب نظام ما به عنوان قاضی عمل می‌کنند. هنگامی که او از مادری خود و دختران خود صحبت می‌کرد، به طور ضمنی به ارتباط قوی‌ای که غایت مادری با زنانگی دارد اعتراف کرد. او در مورد توازن بین تعهدات شغلی و برنامه‌های کودکان گفت: "من زنان جوان بسیاری را می‌شناسم، به ویژه در این کشور، که بچه‌های کوچکی دارند که این رویدادهای مهم را در پیش دارند و باید انتخاب کنند.

و بعد از اینکه بلکبرن از جکسون در مورد نظری که او امضا کرده بود و در آن به حامیان زندگی به عنوان جمعیتی متخاصم و پر سر و صدا از معترضان اشاره شده بود، سوال کرد، جکسون در پاسخ خود به زنانی اشاره کرد که می‌خواستند وارد کلینیک‌های سقط جنین شوند.

اما این تنها سند در پرونده حقوقی جکسون نیست که در آن او از اصطلاحات زن و زنان استفاده کرده است و فرض می‌کند که هیچ سردرگمی در مورد منظور او وجود نخواهد داشت.

جکسون به نظر خود در پرونده «سیاست و تحقیق، شرکت با مسئولیت محدود در مقابل سازمان خدمات انسانی و سلامت ایالات متحده» به برنامه‌هایی اشاره کرد که به دنبال کاهش شیوع حاملگی نوجوانان در میان زنان هجده و نوزده ساله آفریقایی آمریکایی و لاتین هستند.

او در پرونده «آزاده علیه دولت جمهوری اسلامی ایران» چهار بار از کلمه زن و دو بار از کلمه زنان استفاده کرده است. در پرونده «جیمز علیه ایالات متحده»، او ۱۱ بار نوشت زن.

در پرونده «شهر و شهرستان سانفرانسیسکو در مقابل آزار»، جکسون به زنان باردار، رابطه بین پزشکان و زنانی که به دنبال سقط جنین هستند، موانعی که زنان در دفاع از حق خود برای سقط جنین دارند، زنانی که به دنبال سقط جنین هستند و زنی که به دنبال سقط اورژانسی هست اشاره کرد. علاوه بر این بیان می‌کند که زنان به طور کلی نمی‌توانند بدون کمک پزشکان سقط جنین را با خیال راحت انجام دهند.

در پرونده «گارسیا علیه رابرتز»، او در مورد شیوه‌ای نوشت که قوانین پذیرش و کالت در قرن نوزدهم به طور غیرقانونی علیه زنان و متقاضیان آمریکایی آفریقایی تبار تبعیض قائل می‌شدند.

استفاده مکرر از کلمه ای که او می‌گوید نمی‌تواند تعریف کند، برای یک قاضی بالقوه دیوان عالی جالب نیست. بلکبرن باید از جکسون بپرسد منظورت از زن در تمام آن دفعاتی که آن را گفتمی و نوشتی چه بود؟

موضوعات دیگر



THE Nation.

جان والشی
دویش

کیتی هوچول

پس از سخنان مقدماتی، هوچول با افرادی روبرو شد که خواستار حمایت از مستاجران و صندوق کارگران محروم دولت بودند. آن‌ها فریاد زدند که «کارگران محروم این شهر را اداره کردند». این اولین باری بود که هوچول را می‌دیدم که سر و صدا می‌کرد. اما او نگرانی‌های معترضان را نپذیرفت. مدافعان و قانونگذاران به طور یکسان کار در پارلمان ایالتی کومو را خیلی بد توصیف کردند. هوچول به عنوان یک فرد خونگرم، دانشگاهی و فوق‌العاده شایسته مورد ستایش قرار می‌گیرد. اما فقدان اقتدار، فضا را برای روح تازه‌ای از شورش باز کرده است.

سوچی ننامکا، مدیر حزب خانواده‌های کارگری نیویورک، درباره فرماندار جدید گفت: «همه ما از کومو آسیب دیده‌ایم. هوچول از نظر سیاسی بسیار متفاوت حرکت می‌کند. او توانایی واقعی برای همکاری را نشان داده است.» هوچول علاوه بر بودجه کمپین خود، خزانه عمومی را به لطف کمک‌های فدرال برای مبارزه با بیماری کووید و هزینه‌های زیرساختی گسترش داده است. (در اوایل سال ۲۰۲۲، هوچول بودجه دپیست و شانزده میلیارد دلاری را پیشنهاد کرد.) در گذشته، غیرممکن است که فراموش کنیم که کومو، به دلیل بدرفتاری با زنان سرنگون شده، آشکارترین کارزار قلدری خود را علیه معاون فرماندار زن خود انجام داد. او در سال ۲۰۱۴ هوچول را انتخاب کرد و به دموکرات‌های نیویورک گفت: «او» نیازهای» مناطق شمالی و غربی نیویورک را که در آن بزرگ شده می‌داند. سپس سعی کرد در سال ۲۰۱۸، بطور علنی، و دوباره در سال ۲۰۲۱، او را از دور خارج کند...

زمانی، هوچول در میان پیشروها محبوب بود. هوچول که اولین بار در سال ۱۹۹۴ به عضویت هیئت مدیره شهر هامبورگ، حومه بوفالو انتخاب شد، به عنوان منشی شهرستان ایری در سال ۲۰۰۷ با مقاومت در برابر درخواست فرماندار وقت الیوت اسپیتزر مبنی بر صدور گواهینامه رانندگی برای نیویورکی‌های غیرمجاز و تهدید به گزارش دادن مورد توجه قرار گرفت. او

همچنین به مسائل مربوط به حمل اسلحه و ازدواج همجنسگرایان توجه داشت.

دموکرات‌های ارشد به او گفتند که نامزد نشود. پس از اینکه منطقه او به نفع جمهوری خواهان طراحی شد، او می‌دانست که حمایت قوی او از حقوق باروری احتمالاً، انتخاب مجدد او در آن سال را تحت تاثیر قرار خواهد داد. در نهایت، او با اختلاف کمتر از دو درصد در مقابل کریس کالینز جمهوری خواه شکست خورد.

اعتار هوچول بوسیله روزنامه نیویورک تایمز در سال ۲۰۱۴ کمی لکه دار شده است. او واقعاً در طول سال‌ها تغییر کرده است و به حمایت از ازدواج همجنس‌گرایان، حمایت از گواهینامه‌های رانندگی برای افراد غیرقانونی و همچنین حمایت از وضع قوانین سخت‌گیرانه‌تر ایمنی اسلحه پرداخته است. او پس از فرماندار شدن به خبرنگاران گفت: من موضعی گرفته بودم که اکنون تکامل یافته است. و این تکامل با تکامل بسیاری از مردم در ایالت نیویورک همزمان است.

هفته‌ها پس از روی کار آمدن، هوچول به دلیل امضای لایحه اصلاحات آزادی مشروط و همچنین قانون به اصطلاح «سن پایین‌تر» که درباره خروج کودکان زیر دوازده سال از سیستم قضایی نوجوانان و برخورد اصلاحی با آنان است، به جز کسانی که متهم به قتل هستند، مورد تحسین قرار گرفت. با این حال، تنها چند روز پس از آن که او طرح خود را برای زندان اعلام کرد، هوچول با واکنش شدید جناح راست روبرو شد زیرا مسائل مربوط به جنایت، اسلحه و امنیت عمومی در شهر نیویورک زیاد شد. زمانی که نیویورک پست یادداشتی به دست آورد که در آن هوچول پیشنهاد بازگرداندن وثیقه برای دسته‌های بیشتری از جرایم، به ویژه جنایت‌های مربوط به اسلحه و دادن اختیار بیشتر به قضات برای تعیین وثیقه در صورتی که متهمی چندین بار دستگیر شده باشد را داده بود، به نظر می‌رسید که این پیشنهاد یک «خطر» برای امنیت عمومی باشد. پیشروها همچنین در مورد صندوق مبارزات انتخاباتی هوچول، که مملو از پول نقد بسیاری از اهداکنندگان وفادار کومو است، تعجب می‌کنند.

افزایش ثروت برای هوچول باعث شرمساری بود زیرا تنها پس از چند ماه از فرمانداری او به دست آمد. منتقدان می‌گویند که آن‌ها انتظار دارند سیاست‌های مشابه طرفدار توسعه دهندگان را داشته باشند. پیشروها همچنین برخی از انتصابات هوچول را زیر سوال برده‌اند.

هوچول به نوبه خود اصرار دارد که اختلافات او با پیشروها جزئی است. برای مثال، او حزب خانواده‌های کارگری را ستایش کرد و خاطر نشان کرد که «در اولین باری که برای کنگره نامزد شد، در کرسی‌ای که هیچ کس فکر نمی‌کرد که بتوانند برنده شوند، آن‌ها از او حمایت کردند.» او ادامه داد: «من آنچه را که برای پیروزی بزرگ نیاز دارم انجام خواهم داد و حزب خانواده‌های کارگر بخش مهمی از این ائتلاف است.»

بیشتر پیشروهایی که با آن‌ها صحبت کردم می‌گویند که هوچول علیرغم گذشته میانه رو و اقدامات ناامیدکننده اخیرش در زمینه اصلاحات وثیقه، ارزش تلاش برای همکاری با او را دارد. او دلسوز و قابل تغییر است و همچنان باعث بهبود وضعیت جوامع آسیب‌پذیر نیویورک نسبت به زمان کومو شود. اکثر فعالان پیشرو انتظار دارند که هوچول چه در انتخابات مقدماتی ژوئن و چه در برابر هر جمهوری خواه ترامپی که در ماه نوامبر با آن روبرو شود، پیروز شود.

سولیس، برای مثال، هنوز معتقد است که هوچول می‌تواند تصمیمات درستی را در مورد مهم‌ترین مسائل برای نیویورکی‌های کم درآمد اتخاذ کند.

the FEDERALIST

فدرالیست
مجله فکری و سیاسی

کلاهبرداری آلفا بانک نمونه‌ای مشابه از پرونده کراس فایر هاریکن است

مایکل ساسمن، وکیل سابق مبارزات انتخاباتی هیلاری کلینتون، هفته گذشته فاش کرد که مأموران فدرال هرگز از ساسمن منشأ اطلاعاتی را که او به افبی‌آی در رابطه با حقه آلفا بانک ارائه کرده بود، نپرسیدند. فراتر از برجسته کردن هکرهای گروه تحقیقات «کراس فایر هاریکن»، این افشاگری نگرانی‌های بسیاری را در مورد رابطه خودمانی بین دولت و کارشناسان خصوصی امنیت سایبری ایجاد می‌کند.

در طی بحث شفاهی هفته گذشته در مورد درخواست ساسمن برای اخراج، باسورث، وکیل ساسمن با این استدلال که به دلیل اینکه افبی‌آی هرگز از ساسمن در مورد منبع اطلاعات آلفا بانک سؤالی نکرده است، اظهارات نادرست ساسمن برای افبی‌آی «بی‌ارزش» و نامربوط به تحقیقات بوده و در نتیجه جرم محسوب نمی‌شود.

باسورث استدلال کرد که شواهد یک بار هم نشان نمی‌دهند که کسی در افبی‌آی تا به حال از آقای ساسمن منشأ اطلاعاتش را پرسیده باشد و این نشان می‌دهد که منبع اطلاعات وی برای تحقیقات دولت، حیاتی نبوده است.

باسورث به دو نکته عالی اشاره کرد؛ یک، ناکامی افبی‌آی در پرسیدن «سؤالات اساسی» در مورد داده‌ها و اوراق سفیدی که ساسمن در مورد ارتباطات محرمانه ادعایی ترامپ و آلفا بانک ارائه کرد و دو، بی‌کفایتی (یا فساد سیاسی) گروه کراس‌فایر هاریکن.

قاضی وقت دادگاه نظارت بر اطلاعات خارجی آمریکا، رزماری کالیر، افبی‌آی را به دلیل رسیدگی به درخواست‌های دادگاه نظارت اطلاعات خارجی آمریکا مورد انتقاد قرار داد. وی همچنین تأکید کرد: «عملکرد کارکنان افبی‌آی بدون پشتوانه و مغایر با اطلاعاتی است که در اختیار دارند و آن‌ها اطلاعاتی را که برای پرونده‌شان زین‌بار است، پنهان می‌کنند».

شهادت ساسمن در کنگره تأیید کرد که او از زمان خروج از وزارت دادگستری، ارتباطات مختلفی با اعضای مجری قانون و جامعه اطلاعاتی به نمایندگی از تعدادی از مشتریان مختلف داشته است؛ ساسمن همچنین در پرونده‌های دادگاه فاش کرد که جوفه فردی بود که افبی‌آی با او یک رابطه بلند مدت حرفه‌ای داشت و یکی از کارشناسان برجسته جهان در مورد انواع اطلاعاتی بود که آقای ساسمن به افبی‌آی ارائه می‌کرد.

در حالی که اسنادی که در دسترس عموم قرار دارند، عمدتاً محدود به اسنادی هستند که از مؤسسه فناوری جورجیا در دسترس هستند، این مطالب همچنان نمایی اجمالی از ارتباط عمیق بین کارشناسان امنیت سایبری خصوصی و اعضای مجری قانون فدرال و آژانس‌های اطلاعاتی را ارائه می‌دهد.

ایمیل‌ها نشان می‌دهند که مانوس آنتوناکاکیس، محقق فناوری جورجیا که یکی از اوراق سفید ساسمن را که بعداً ساسمن به بیکر ارائه کرد، بررسی کرد، سال‌ها با مأموران افبی‌آی کار می‌کرده است؛ او همچنین در مورد درخواست‌های مختلف برای کمک به تحقیقات افبی‌آی یا وزارت دادگستری با آژانس پروژه‌های پژوهشی پیشرفته دفاعی ارتباط برقرار کرد و تحلیل‌هایی را که در موضوعات مختلف جنایی مورد استفاده قرار می‌گرفت، ارائه کرد.

همان‌طور که وال‌استریت ژورنال اخیراً گزارش داده است، این همکاری بین نهادهای دولتی و کارشناسان امنیت سایبری خصوصی، «ارزش اطلاعاتی عظیمی» دارد و «می‌تواند به دولت‌ها و شرکت‌ها در شناسایی و مقابله با حملات سایبری کمک کند»؛ این تحلیل رسوایی بزرگ‌تر و جدی‌تر را از قلم انداخت: افرادی که دسترسی وسیعی به داده‌های حساس دولتی و اختصاصی دارند، می‌توانند از این داده‌ها برای هدف قرار دادن یک رقیب سیاسی سوء استفاده کنند. آن‌ها می‌توانند «گزارش‌های رسمی دولتی» گمراه کننده تهیه کنند، داده‌ها و گزارش هیئت دولت را به افبی‌آی و سیا که با آن‌ها رابطه قابل اعتمادی دارند ارائه دهند و در نتیجه موجب

برانگیختن تحقیقات جنایی یا امنیت ملی شوند.

جوفه بعدها یک «گزارش هیئت دولت» را به سایر محققان ارائه داد که ظاهراً مبنای تئوری ترامپ - آلفا بانک را توضیح می‌داد و از آن‌ها بازخورد می‌خواست؛ آنتونا کاکیس این اوراق را تأیید نکرد و فکر می‌کرد که «مناسب نیستند»؛ با این حال، جوفه با دانستن کاستی‌های اوراق سفید، از ساسمن خواسته بود تا آن را به مشاور عمومی افبی‌آی تحویل دهد؛ که سپس تحقیقات فدرال را در مورد ارتباط احتمالی ترامپ و آلفا بانک آغاز کرد.

ساسمن همچنین مجموعه دومی از داده‌ها را به سیا ارائه کرد که ظاهراً شامل ترافیک اینترنتی مورد سوء استفاده جوفه، داگون و لورنزن مربوط به برج ترامپ، آپارتمان دونالد ترامپ در سنترال پارک غربی و دفتر اجرایی رئیس جمهور آمریکا بود. ساسمن به مأموران گفت که این داده‌ها «نشان می‌دهد که ترامپ و یا همکارانش از تلفن‌های بی‌سیم کمیاب و ساخت روسیه (یوتا) در مجاورت با کاخ سفید و سایر مکان‌ها استفاده می‌کردند».

به گفته وکیل ویژه، نه تنها «هیچ حمایتی از این ادعاها نمی‌شود»، بلکه داده‌های ارائه شده به سیا برای ایجاد ظاهر ارتباط ترامپ و روسیه انتخاب شده است؛ در حالی که داده‌های جمع‌آوری شده توسط محققان با نظریه تلفن همراه یوتا در تضاد بود.

این ادعاها نشان می‌دهد که مانند پرونده استیل، بازیگران با انگیزه سیاسی، اطلاعات نادرست یا گمراه کننده‌ای را به مأموران فدرال ارائه کردند تا تحقیقاتی را درباره ترامپ انجام دهند؛ گفته می‌شود که لورنزن، داگون، جوفه و ساسمن داده‌ها را برای تطبیق با یک روایت و احتمالاً پیش‌نویس «اوراق سفید» گمراه کننده که ساسمن به نمایندگی از جوفه، برای اهداف سیاسی به افبی‌آی و سیا ارائه کرده بود، جمع‌آوری کردند. این موضوع باعث از بین رفتن اعتماد عمومی به کارشناسان امنیت سایبری می‌شود. ناکامی افبی‌آی در پرسیدن حتی ابتدایی‌ترین سؤالات هنگام دریافت داده‌ها و «اوراق سفید» بدون امضا از ساسمن، آن‌ها را نیز مشکوک می‌کند.

وستبی به درستی بیان می‌کند: کشور ما در معرض خطر حملات سایبری بیشتری قرار دارد؛ اما مقصر این امر قاطعانه متوجه کارشناسان امنیت سایبری است که از قدرت بزرگی که به آن‌ها سپرده شده بود برای آسیب رساندن به ترامپ سوء استفاده کردند. هر کارشناس امنیت سایبری که حقه آلفا بانک را تقویت کرد، از افشای کاستی‌ها خودداری کرد، نتوانست همکاران خود را به دلیل سوء استفاده از اعتماد دولت و مردم بازخواست کند و در عوض متخصصان ویژه را مقصر دانست، در این خطا سهیم است.

<https://cutt.ly/HFWipbl>

the American Mind

PODCAST

امریکای ما
شماره ۱۳۷

فرقه سقط جنین

همانطور که تا الان همه ما فهمیده‌ایم، زنان باردار و بچه‌دار نمی‌شوند بلکه افراد مولد این چنین می‌کنند. فقط زنان نیستند که پرپود می‌شوند، بلکه هم مردان و هم زنان پرپود می‌شوند. زنان به نوزادان شیر نمی‌دهند، بلکه "شیردهندگان" شیر می‌دهند. ولی حداقل تا الان، سقط جنین هنوز به طور انحصاری مربوط به سلامت زنان است. در ماه مه سال ۲۰۲۱، کوری بوش، نماینده مجلس، در جلسه دادرسی کنگره در مورد مرگ مادر در میان زنان و نوزادان سیاه پوست شهادت داد. او در توییتی نوشت: "هر روز سیاه‌پوستان و نوزادان ما می‌میرند، زیرا پزشکان ما درد ما را باور نمی‌کنند. من و بچه‌هایم جزئی از این آمار هستیم." اما بوش، یک قانون‌گذار سوسیالیست رادیکال که به "به پلیس اعتبار ندهید" به عنوان یک شعار پایبند است، از برخی اصطلاحات کدی در جایگزین "فرد زایمان کننده" به جای "مادر" معمولی استفاده نمی‌کند. این جایگزینی ظاهراً نشان دهنده سیاست رسمی دولت ایالات متحده در دولت بایدن است که از آن در اسناد مالی ۲۰۲۲ استفاده می‌کرد.

شرکت‌های تامپون نیز این عقیده را پذیرفته‌اند که محصولات آنها به طور بالقوه برای همه است. تمپکس در توییت خود نوشت: "در حقیقت همه زنان پرپود نمی‌شوند. همچنین این یک واقعیت است که همه افراد پرپودی زن نیستند. بیایید تنوع همه افرادی که خونریزی می‌کنند را جشن بگیریم!" ACLU "برابری قاعدگی" را به عنوان یک موضوع حقوق مدنی پذیرفته است و می‌پرسد: "چگونه با نادیده گرفتن تجربیات زندگی مردان ترنس که عادت ماهانه می‌شوند و زنانی که عادت ماهانه نمی‌شوند، می‌توانیم تشخیص دهیم که موانع دسترسی به قاعدگی نوعی تبعیض جنسیتی است؟" بسیاری از کالج‌ها دستگاه‌های تامپون را در حمام‌های مردانه نیز نصب کرده‌اند.

شیردهی مفهومی مشکل‌زا شده است، با وجود این موضوع که اصولاً هم مردان و هم زنان به دارای بافت پستان هستند،

باز هم اصطلاح "شیردهی" را در اختصاص به جنسی که ترجیح بدهند به کار می‌برند. مقاله‌ای در سال ۲۰۱۶ در جمله آنلاننتیک توضیح می‌دهد که چگونه یک فرد تازه متولد شده از مانیتوبا به نام ترور مک دونالد با غدد پستانی و مجاری شیر مورد نیاز برای شیردهی به دنیا آمد، اما سینه‌هایش را برداشتند. هنگامی که او در آینده بچه خود را به دنیا آورد، کادر مراقبتی درمانی به او کمک کردند به تنهایی از نوزاد خود مراقبت کند و به او شیر دهد، اما خودش باید می‌فهمد که چگونه این عمل امکان دارد.

غم انگیز است که حتی در کانادا، با وجود سیاست‌های جنسی به روز و مراقبت‌های بهداشتی همگانی، افرادی که به صورت داوطلبانه عمل جراحی ماستکتومی مضاعف انجام می‌دهند، به حال خود رها می‌شوند تا خودشان یاد بگیرند چگونه به تنهایی به نوزادانشان شیر بدهند.

در هر صورت، هنوز صحبت زیادی در مورد چگونگی سقط جنین برای "همه افرادی که دیگر مایل به زایمان نیستند" وجود ندارد. این مسئله به عنوان یک سوال درباره مردان یا موضوعی که مورد توجه جهانی قرار می‌گیرد، مطرح نمی‌شود. وقتی صحبت از سقط جنین به میان می‌آید، بحث همچنان مانند ۵۰ سال گذشته به عنوان یک حق اساسی برای زنان مطرح است.

نارال، بزرگترین سازمان فعال حامی سقط جنین در کشور، به شدت از استفاده کوری بوش از اصطلاح "فرد متولد کننده" حمایت کرد، اما هنوز از اصطلاحات دوتایی قدیمی برای پایان دادن به این وضعیت استفاده می‌کند. نارال به طور عجیبی اصرار می‌ورزد که وقتی حق سقط جنین به خطر می‌افتد، برابری اساسی زنان به خطر می‌افتد. اگر زن از حق اولیه تصمیم‌گیری برای خود و خانواده اش محروم باشد، هرگز نمی‌تواند برابر باشد.

بتو اورورک، نماینده سابق کنگره ال پاسو که ناموفق در انتخابات مجلس سنا و رئیس جمهور ایالات متحده بود، اکنون به دنبال فرمانداری تگزاس است. اورورک در مورد ممنوعیت جدید سقط جنین در تگزاس در تویییتی نوشت: "حمله حزب جمهوری خواه تگزاس به زنان کشنده است. این تصمیمات پزشکی، زندگی یا مرگ را با اجبار زنان به انجام زایمان‌های خطرناک و غیرقابل تحمل پیچیده می‌کند.

بدیهی است که سقط جنین یک موضوع مهم حزبی است که دموکرات‌ها از آن برای جلب نظر کمپ خود که عمدتاً زنان هستند، استفاده می‌کنند. اما همچنین سقط جنین از دیدگاه چپ‌گرایان آمریکا در مورد آزادی انسان آنقدر مهم است که عملاً یک امر مقدس شده و هرگونه محدودیت در سقط جنین حتی تا لحظه زایمان غیرقابل قبول است. اگر اظهارات بیل کلینتون مبنی بر اینکه سقط جنین باید قانونی، ایمن و نادر باشد، امروز گفته شود، احتمالاً یک دموکرات را از نامزدی برای مناصب مهم سلب صلاحیت می‌کند. برای جناح چپ، درخواست برای سقط جنین کمتر، برابر با دعوت به سقط جنین نکردن است.

سقط جنین چنان اختلال عمیقی در طبیعت و جوهر الهی زنانه است که باید به جایگاهی از احترام فرهنگی بالا برود. ترویج سقط جنین راحت و همگامی، ساختن دینی جدید از آوارهای قدیمی در تصویر وارونه آن است. به این ترتیب طرفداران سقط جنین باید جبر بیولوژیکی زن را به عنوان زندگی بخش حفظ، اما او را به عنوان ویرانگر زندگی، نه به وجود آورنده آن، ولی به همان اندازه مقدس معرفی کنند.

RealClear Politics

اخبار
روزنامه‌های آمریکا

سازمان دیده‌بان بر دولت محلی پنسیلوانیا تمرکز می‌کند

« یک جمهوری، اگر بتوانید آن را حفظ کنید.» کرک آلن و جان کرافت هر تمرین «ادگار کانتی» دیده‌بان را با همین نقل‌قول بنجامین فرانکلین آغاز می‌کنند. این فعالان اخلاق دولتی محلی، با ابراز تاسف از دست‌دادن اصول مدنی آمریکایی، به سراسر کشور سفر می‌کنند و «آموزش‌های نگهبان شهروندی» را برگزار می‌کنند، در حالی که در ایلینوی جنوبی برای تحقیق و شکایت از مقامات دولتی بازنگشته‌اند.

با آگاهی از داستان‌های موفقیت «ادگار کانتی» دیده‌بان، در یک دوره آموزشی این ماه پیتسبورگ، شرکت کرده‌ام تا بفهمم که گروه جدید منطقه چه چیزی یاد خواهند گرفت. اولین درس آن‌ها چیست؟ آلن به مخاطبانش یادآوری کرده است که: «پاسخ‌گویی جناحی نیست. قانون باید برای همه، بدون توجه به این که به چه کسی رای داده است، به طور یکسان اعمال شود.» سازمان دیده‌بان در سراسر طیف سیاسی، از مدافعان حقوق اسلحه تا معترضان

عدالت نژادی، کار کرده است.

آلن و کرافت بر اساس یک قانون زندگی می‌کنند: اگر مالیات‌دهندگان به شما کمک مالی می‌کنند، شما باید نسبت به مالیات‌دهندگان پاسخ‌گو باشید. آن‌ها به حاضران هشدار داده‌اند که مقامات محلی می‌توانند در دفاع از خانواده‌های خود سرسخت باشند، بنابراین باید برای یک جنگ فرسایشی آماده باشید.

این حرف معمولاً به معنای فرآیند طولانی درخواست برای «حق دانستن» (براساس قانون حق‌دانستن، همه سوابق دولتی در اختیار یک آژانس مشترک‌المنافع یا محلی فرض می‌شود که برای عموم قابل دسترسی است)، یادگیری نحوه بیان و تجدیدنظر در آن‌ها و مراجعه به دادگاه در صورت پنهان‌ماندن اطلاعات است. شرکت‌کنندگان دقیقاً یاد گرفته‌اند که این فرآیند چگونه کار می‌کند و چگونه می‌توان آن‌را با آگاهی کامل از قانون، تقویت کرد.

سازمان دیده‌بان خود را برای پنسیلوانیا سفارشی کرده است. آن‌ها بررسی‌های درخشانی از قانون «اخلاق ایالت» ارائه کرده‌اند که مجازات‌های جنایی سخت‌تری را نسبت به اکثر ایالت‌ها برای مقامات دولتی که قوانین شفافیت، تضاد منافع و استفاده نادرست را نقض می‌کنند، اعمال می‌کند.

همراه با این حقایق و ابزارهای ارزشمند، آلن و کرافت نمونه‌هایی از اخباری را ارائه کرده‌اند که معتقدند شهروندان باید دنبال کنند، مانند نقض ادعایی قانون «سان‌شاین» پنسیلوانیا در شهرستان مرسر.

یکی از شرکت‌کنندگان، شلیا هانلون، ۶۷ سال است که در شهرستان آگنی زندگی می‌کند. او نزدیک به ۲۰ سال پیش به عنوان یک مدیر شهرک خدمت می‌کرده، اما می‌گوید موقعیت او توسط مقاماتی که قصد داشته‌اند مدیر سازگارتر را انتخاب کنند، از منتخب به منصوب تغییر یافته است. شلیا گفته است که: «جمهوری خواهان باید در مورد مسائل محلی آموزش ببینند. پاسخ‌گویی به مالیات‌دهندگان در سطح محلی، یکی از اساسی‌ترین حقوق ما به عنوان شهروندان آمریکا است.»

آلن هشدار داده است که اگر جنبش پاسخ‌گویی شهروندان از ایلینویز به پنسیلوانیا غربی گسترش یابد، «انتظار نداشته باشید رسانه‌های محلی یا ملی از شما حمایت کنند.» او گفته است که طبق تجربه آن‌ها، رسانه‌های محلی با ساختارهای قدرت محلی پیوند خورده‌اند و جلب توجه رسانه ملی می‌تواند دشوار باشد.

اما اگر سازمان دیده‌بان به فشار خود بر فساد دولتی ادامه دهد، رسانه ملی نمی‌تواند آن‌ها را نادیده بگیرد. اگر جنبش جدیدی از ناظران شهروندی به مقامات دولتی فشار بیاورند، ممکن است صداقت به سیاست آمریکا بازگردد.

American Thinker

آنگره آریویرک
آمریکه پیشتر

چه اتفاقی برای تفنگداران دریایی می افتد؟

اخیراً، زمانی که به آنچه برای ارتش آمریکا در دوران بایدن می گذرد فکر می کنیم، روی وسواس های پنتاگون در مورد نژاد، (به ویژه ترنس جنسیتی)، حقوق زنان، و تفکر غلط سیاسی (یعنی محافظه کاری) تمرکز کرده ایم. این وسواس همواره سیاست اجتماعی مترقی را مقدم بر انسجام و آمادگی نظامی قرار داده است. با این حال، جیم وب، که یک افسر پیاده نظام تفنگدار دریایی در زمانی که در ویتنام بود، سپس وزیر نیروی دریایی در زمان رونالد ریگان و در نهایت، یک سناتور ویرجینیا در سال های اوباما بود، مقاله ای درباره نگرانی متفاوتی نوشته است: تغییرات بالقوه مخرب و صرفاً عملیاتی فرماندهی تفنگداران دریایی ژنرال دیوید برگر قصد دارد به سپاه تحمیل کند.

وب این مسائل را در یک مقاله نظری وال استریت ژورنال مطرح می کند. برگر تغییراتی از جمله (۱) حذف گردان های پیاده نظام، (۲) کاهش تعداد تفنگداران دریایی در گردان های باقی مانده، و (۳) حذف دو گردان جزء ذخیره، ۱۶ گردان توپخانه توپ (که با ۱۴ گردان توپخانه موشکی جایگزین می شود) پیشنهاد کرد. تمام تانک های تفنگداران دریایی و چندین اسکادران چرخشی، هلیکوپتر و بالگردهای تهاجمی.

از بیرون که به داخل نگاه می کنیم، به نظر می رسد که کاهش نیروی بسیار قابل توجهی است. تفنگداران دریایی همچنین نگران برنامه های برگر هستند:

در میان تفنگداران دریایی سؤالات جدی در مورد خرد و خطر طولانی مدت کاهش چشمگیر در ساختار نیرو، سیستم های تسلیحاتی و سطح نیروی انسانی در واحدهایی وجود دارد که در اکثر سناریوهای جنگی تلفات ثابتی

را متحمل می‌شوند. و تقریباً برای همه افراد دارای تجربه در برنامه ریزی نظامی مشخص نیست که چه بازنگری و هماهنگی رسمی لازم بود قبل از اینکه ژنرال برگر به طور یکجانبه سیاستی را اعلام کند که بسیاری از مشارکت‌های قدیمی سپاه تفنگداران دریایی را تغییر می‌دهد.

چیزی که در مورد تفنگداران دریایی وجود دارد این است که آن‌ها باید یک نیروی جنگی همه منظوره باشند که می‌تواند به سرعت حرکت کنند و به هر جایی بروند و هر کاری انجام دهند، هم در خشکی و هم در دریا می‌جنگند. با این حال، به گفته وب، تصمیم‌گیری یکجانبه برگر به طرز چشمگیری انعطاف‌پذیری غیرعادی تفنگداران دریایی را کاهش می‌دهد و آن‌ها را به نوعی نیروی جنگی عمومی و سطح پایین مرتبط با نیروی دریایی تبدیل می‌کند. و سپس سیاست کل ماجرا وجود دارد. هنگامی که اخبار در مورد برنامه‌های برگر به گوش رسید، بسیاری از افسران ارشد بازنشسته سعی کردند با او در مورد آنچه در حال رخ دادن بود صحبت کنند. هنگامی که آن‌ها به بن بست رسیدند، به جای اینکه بی‌سر و صدا بروند، همین افسران به شدت عقب نشینی کردند.

اخیراً، ۲۲ ژنرال چهار ستاره بازنشسته تفنگدار دریایی، نامه‌ای غیرعلمی درباره نگرانی ژنرال برگر امضا کردند و بسیاری دیگر از این نامه حمایت کردند. یک کارگروه روزانه شامل ۱۷ ژنرال بازنشسته تشکیل شده است تا نگرانی‌های خود را به رهبران ملی اعلام کند. یک ژنرال سه ستاره بازنشسته بسیار محترم به من تخمین زد که نسبت افسران ژنرال بازنشسته که به شدت نگران جهت‌گیری سپاه در دو سال و نیم گذشته هستند بالای ۹۰ درصد خواهد بود.

تا آنجا که به وب و این افسران بازنشسته دیگر مربوط می‌شود، تغییرات برنامه ریزی شده برگر آنقدر مهم هستند که هرگز نباید بدون بررسی کامل و بحث در دفاتر مختلف پنتاگون و حتی نظارت‌کننده انجام می‌شد. در واقع، من جمع‌آوری کردم که برگر ممکن است از خرابی‌های حاکمیتی به دلیل کووید (مثلاً نمایندگان کنگره که از ترس فرار می‌کنند) به عنوان فرصتی برای دور زدن این نظارت استفاده کرده باشد.

وب مقاله خود را با اشاره به این نکته پایان می‌دهد که اگر برگر از کانال‌ها عبور می‌کرد و در مورد تغییرات خود، از جمله توضیح ضرورت آن‌ها یا سود حاصل از آن‌ها آشکار بود، ۹۰ درصد از ژنرال‌های بازنشسته از او حمایت می‌کردند. (در هر حال، حداقل بر روی کاغذ، برگر مقادیر زیادی دانش و تجربه عملی و نظری در مورد تفنگداران دریایی دارد.) با این حال، وب می‌نویسد، واقعیت‌های نبرد بی‌رحمانه و طیف گسترده‌ای از چالش‌های جهانی که سپاه تفنگداران دریایی روزانه با آن مواجه است، با یک آزمایش اعتقادی که ممکن است در یک بازی جنگی رایانه‌ای در کوانتیکو (مجموعه تلویزیونی هیجان‌انگیز آمریکایی) خوب به نظر برسد به شدت بحث می‌کنند.

شاید این افسران بازنشسته صرفاً زمان‌های نابه‌هنجاری را که در آن زندگی می‌کنیم منعکس می‌کنند و بیش از حد به چیزها فکر می‌کنند. از سوی دیگر، با توجه به دشمنی‌چپ‌ها با ارتشی که برای حفاظت از آمریکا می‌جنگد، و با توجه به بیدار شدن پنتاگون تحت رهبری آستین و میلی، من تمایل دارم به این باور برسم که هرگونه تغییر بزرگی که در دولت بایدن بر ارتش تحمیل شود، باید مضر فرض شود و بنابراین، باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد و در صورت لزوم، در هر مرحله با آن مبارزه کرد.

AG AMERICAN GREATNESS

چراغ کلن
آمریکه گریتنس

رسوایی های بیشتر اف بی آی ننگین را در بر می گیرد

” تو در دردسر خیلی بزرگی هستی“

یکی از ماموران اف بی آی به جولیان خاتر، یکی از دو مردی که متهم به حمله به افسران پلیس کنگره با اسپری فلفل در ۶ ژانویه، در یک بازجویی پرتنش سال گذشته بودند، گفت. اف بی آی که از اینکه افسر پلیس کنگره برایان سیکنیک در جریان اعتراضات کنگره کشته شده است، ادعا کرد که فیلم های ویدئویی در اختیار دارد که نشان می دهد خاتر و دوستش جورج تانیوس با اسپری شیمیایی به سیکنیک و دیگر افسران حمله کردند. خاتر در ۱۴ مارس ۲۰۲۱ پس از اینکه از سفری به فلوریدا به خانه رسید، در یک هواپیما در فرودگاه نیوآرک دستگیر شد.

خاتر که سابقه کیفری ندارد، بیش از دو ساعت در بند فلزی در اتاق منجمد در دفتر صحرایی اف بی آی نیوجرسی، بدون حضور وکیل مورد بازجویی قرار گرفت. رایلی پالمتری، مامور ویژه اف بی آی، از گفتن دلیل دستگیری خاتر خودداری کرد تا اینکه او موافقت کرد بدون وکیل در اتاق ادامه دهد، که خاتر با اکراه انجام داد. ویدئویی که اخیراً منتشر شده تایید می کند که خاتر در ابتدا به ماموران گفت که اگر وکیلی از طرف او به سوالات پاسخ دهد، احساس راحتی بیشتری می کند. یک ساعت بعد، خاطر دوباره گفت که وکیلش را می خواهد.

اما پالمتری با ارائه فیلم ها و عکس هایی که خاتر را در حمله ادعایی دخیل می دانست، عقب نشینی کرد. خاتر

با امضای بیانیه ای اعتراف کرد که با اسبیری فلفل به افسران حمله کرده است.

اما وکیل خاتر، جوزف تاکوپینا، اکنون از دادگاه می‌خواهد که بازجویی را به عنوان مدرک بیاورد و استدلال می‌کند که اف‌بی‌آی از اجبار و فریب برای وادار کردن خاتر به چشم پوشی از حقوق میراندا استفاده کرده است. علاوه بر این، تاکوپینا در یک حرکت ۲۲ فوریه نوشت که پالمرتری در گزارش اف بی آی خود به دروغ مدعی شد که او قبل از اینکه از خاتر بخواهد از حقوق خود چشم پوشی کند، در مورد ماهیت مصاحبه مشاوره داده است.

اعترافات خلاف قانون اساسی خاتر آخرین نمونه از این است که چگونه این آژانس سرکش مملو از پلیس‌های کثیف بدون مجازات عمل می‌کند. تنها در چند هفته گذشته، تعدادی رسوایی جدید اف بی آی ظاهر شده است.

ممیزی داخلی اف بی آی در سال ۲۰۱۹ صدها تخلف مربوط به موضوعات حساس تحقیقاتی را شناسایی کرد که تحقیقات در مورد مقامات منتخب، نامزدها یا سازمان‌های سیاسی است. بررسی ۳۵۳ پرونده حساس، ۷۴۷ مورد تخلف را کشف کرد. واشنگتن تایمز در این ماه گزارش داد که اکثر موارد مورد مطالعه مربوط به مقامات دولتی داخلی بوده است. ده‌ها پرونده مربوط به سازمان‌های مذهبی یا اعضای برجسته آن‌ها و ده‌ها پرونده مربوط به سازمان‌ها و افراد سیاسی داخلی است. ده پرونده مربوط به نامزدهای سیاسی داخلی و ۱۱ پرونده مربوط به رسانه‌های خبری بود. سناتور چارلز گراسلی (آیووا) در توییتر گفت که او و سناتور ریچارد دوربین خواستار پاسخ‌های بازرسی کل هستند.

برایان وورندران، دستیار مدیر بخش سایبری اف بی آی، این هفته به کمیته قضایی مجلس نمایندگان گفت که از محل نگهداری لپ‌تاپ هانتر بایدن، دستگاهی که آژانس در دسامبر ۲۰۱۹ توقیف کرده بود، اطلاعی ندارد. وورندران مکرراً از سؤالات مبنی بر اینکه آیا وزارتخانه محتویات رایانه را بررسی کرده است برای تعیین اینکه آیا خانواده بایدن به دلیل مکاتبات گسترده با منافع خارجی از چین، روسیه و اوکراین به خطر افتاده یا تهدیدی امنیتی است طفره رفت. وورندران به گاتز گفت که در حیطة مسئولیت من نیست که به سؤالاتی که می‌پرسید بپردازم.

در همین حال، تحقیقات عمیق واشنگتن پست که این هفته منتشر شد، آنچه را که نیویورک پست قبل از انتخابات در مورد لپ‌تاپ هانتر بایدن گزارش کرده بود، تأیید می‌کند اما اسناد جدید راه‌هایی را نشان می‌دهند که خانواده او از روابطی که در طول دهه‌ها خدمت عمومی جو بایدن ایجاد کرده بود، سود می‌برد. در نهایت، پست اعتراف کرد که توافق چند میلیون دلاری هانتر با یک شرکت انرژی وابسته به حزب کمونیست چین بود. متأسفانه، جمهوری خواهان تا حد زیادی مسئول افزایش سرعت فساد و تخلفات در اف بی آی هستند. سال‌ها، جمهوری خواهان کنگره قول می‌دادند که مقامات اف‌بی‌آی را برای رسوایی‌های مختلف مقصر بدانند، اما موفق نشدند. زمانی که جمهوری خواهان کنترل کنگره را در سال آینده به دست بگیرند، نوشتن نامه‌های بد و غرغر کردن در رسانه‌های اجتماعی باعث کاهش آن نخواهد شد.

substack

مصطفی
تاج‌پور

کسل‌کننده‌ترین سرمقاله جهان، وحشت‌به‌پا می‌کند

در دنباله‌ی ناکامی نامه هارپر، سرمقاله نیویورک تایمز خشمی را برمی‌انگیزد که تز «تسکین‌دهنده» خود را ثابت می‌کند.

نیویورک تایمز هفته گذشته سرمقاله‌ای را به نفع آزادی بیان منتشر کرده است. یک واکنش هوشیارانه: «آمریکا مشکل آزادی بیان دارد.»

کارشناسان، دانشگاهیان و سیاستمداران در سرتاسر جریان فرهنگی به نظر می‌رسد با واتسون موافق و به خاطر یک سرمقاله ماهانه درگیر یک هرج‌ومرج چندروزه شده باشند.

بدیهی است که در آمریکا هیچ حق قانونی برای ابراز عقیده بدون انتقاد وجود ندارد، بنابراین این سرمقاله یک کار اشتباه و به عنوان خط اول سرمقاله اصلی نیویورک تایمز شرم‌آور است. از سوی دیگر، بسیاری از متفکران بزرگ لیبرال، تاکتیک‌های شرم‌آور را کاملاً مخالف روح آزادی بیان می‌دانند و هشدار جان استوارت میل در مورد «مهیبت‌تر بودن استبداد اجتماعی نسبت به سرکوب‌های سیاسی» تنها یک نمونه از آن است.

پیش‌فرض این مقاله این است که «حزب چپ و راست در حلقه‌ای مخرب از محکومیت و سرزنش گرفتار شده‌اند». با استناد به یک نظرسنجی، ۸۴ درصد از آمریکایی‌ها (از جمله ۸۴ درصد از سیاه‌پوستان آمریکایی) گفته‌اند مشکل ترس مردم از ابراز عقیده به خاطر انتقاد شدیدی که به آن‌ها می‌شود، بسیار جدی است. تایمز می‌گوید: «وقتی عقاید خفه شوند یا وقتی با مخالفان برخورد شود، جامعه توانایی خود را برای حل تعارض از دست

می‌دهد و با خطر خشونت سیاسی مواجه می‌شود».

کاملاً واضح است که این مقاله تایمز یک طرفداری برای بازیابی جای پای خود در سال‌های اخیر است. با این حال، تایمز مراقب بوده به این نکته اشاره کند که موضوع سخنرانی منحصر به یک جناح سیاسی نیست. آن‌ها نوشته‌اند که جمهوری خواهان، «علیرغم تمام حرف‌هایشان در مورد فرهنگ لغو کردن، نسخه‌ای شدیدتری از سانسور را» در قالب ممنوعیت رسمی برخی کتاب‌ها یا ایده‌های کلاس درس پذیرفته‌اند.

نویسندگان نامه هارپر در تلاشی برای جلوگیری از بازخورد، اقدام به ایجاد بی‌اهمیت‌ترین بیانیه قابل تصور در حمایت از آزادی بیان کرده‌اند، تا جایی که بیش از دوازده رسانه اصلی از «دیلی بیست» گرفته تا «واشنگتن پست» و «نیویورکر» از اصطلاح «تسکین‌دهنده» برای توصیف آن استفاده کرده‌اند.

توماس چترتون ویلیامز، یکی از نویسندگان «نامه هارپر» می‌گوید: «ما ده‌ها پیش‌نویس را با نظرات بسیاری از امضاکنندگان مختلف بررسی کردیم تا بتوانیم به یک حد تعادل برسیم.» او گفته که علت انجام این کار این بوده که مشخص شود این نامه حمله یک‌طرفه به حزب چپ نبوده، بلکه تلاشی برای جلب توجه به مشکلی فراتر از حزب‌های سیاسی بوده است.

این حجم از احتیاط نه تنها کمکی نکرده، بلکه اوضاع را نیز بدتر کرده است. این نامه جنجال‌های عجیب‌وغریبی، از جمله شکایات کارکنان «ووکس» به خاطر استعفا یکی از امضاکننده‌گان و بنیان‌گذاران موسسه، مت‌ایگلسیاس، که جرمش حضور در نامه هارپر بوده است، را برانگیخته است.

منتقدان این نامه، ذکر ممنوعیت‌های قانونی جمهوری خواهان در کنار خبر لغو آن‌ها را توهمی وحشتناک و یک پرونده جنایت‌آمیز دوطرف‌گرایی می‌دانند.

وقتی که از فرومکین پرسیدم آیا برنامه شما این است که از میان سردبیران نظرات تایمز، فردی را انتخاب کنید که در جهتی که دوست دارید متمرکز باشد، او پاسخ داد: «بله، من مایلم فردی جایگزین شود که مواضع جسورانه، قابل دفاع و سنجیده‌ای را مطرح و طیف گسترده‌ای از دیدگاه‌های دیگران را منتشر کند.»

این همان وحشت تفکر بی‌منطقی است که همه‌چیز را برانگیخته است، از کمپین‌ها برای اعمال کنترل‌های بیشتر بر جو روگان گرفته تا کوه‌هایی از برچسب که پلتفرم‌های توییتر، فیس‌بوک، و یوتیوب به او زده‌اند و حتی جنبش عجیب‌وغریب جدید «بررسی واقعیت» که حقایق را در نظر می‌گیرد و به آن‌ها به دلیل بی‌ربط بودن اعتراض می‌کند. فرض اساسی همه این حرف‌ها این باور است که اگر پیام صحیح به مصرف‌کننده رسانه‌های معمولی گفته نشود، تصمیمات اشتباهی خواهد گرفت.

ممکن است دلایل زیادی وجود داشته باشد که چشمان خود را نسبت به این مقاله تایمز بیوشانیم، اما اعداد نظرسنجی موجود درباره آن، فرسودگی آن و این واقعیت که شما با آن مخالف هستید، دلیلی بر این است که باید نسبت به موقعیت نظر خود تغییری ایجاد کنید. واقعا هضم این مطلب که بعضی از مردم شغل‌های خود را به خاطر این مقاله بی‌هدف از دست داده‌اند، دیوانه‌کننده است. اگر تصور فردی از تابو این وضعیت باشد، مسیر اشتباهی را طی کرده‌ایم.

NEW YORK POST

کلین مان
شیرین کهنه

سردبیر بابلون بی: ما در برابر سانسور یک جوک توسط توئیتر تعظیم نمی‌کنیم.

دیروز توئیتر حساب طنز بابلون بی را به دلیل پستی که راشل لوین، دستیار تراجنسیتی وزیر بهداشت را به شوخی مرد سال نامید، تعلیق کرد. در اینجا کالی مان، سردبیر توضیح می‌دهد که چرا از خواسته‌های غول رسانه‌های اجتماعی عقب نشینی نمی‌کند. او گفت: به خاطر برچسب زدن یک مرد بیولوژیکی به عنوان یک مرد، از طریق یک تیتز، ما دسترسی به تمام ۱.۳ میلیون دنبال کننده خود در توئیتر را از دست داده ایم.

دنیا بی که بتوانید یک واقعیت ساده زیستی را بیان کنید و با سانسور، از دست دادن درآمد و معیشت خود و تکفیر از میدان عمومی برای بیان حقیقت روبرو شوید، مهم نیست لحن شما چقدر طنز آمیز باشد، این واقعا ترسناک است. همانطور که ضرب المثل معروف ران پل می‌گوید: حقیقت خیانت در امپراطوری دروغ است.

البته یک نکته اینجا وجود دارد. ما طنز هستیم. ما کمدی هستیم. هدف اصلی طنز ما آوردن نشاط و خنده برای مخاطب است. این واقعیت که یک حساب کمدی برای شوخی کردن ممنوع شود واقعا تند است. این باید همه ما را در مورد سلامت جامعه نگران کند. وقتی انقلاب‌های فرهنگی اتفاق می‌افتد، کمیک‌ها و سرگرمی‌ها اولین چیزهایی هستند که مورد هدف انقلابیون قرار می‌گیرند. کسانی که به دنبال انحطاط جامعه ما هستند قدرت سرگرمی و طنز را می‌شناسند. زیرا از آن برای انتشار ایده‌های خود به نسل بعدی استفاده می‌کنند.

کمدین‌ها را کنترل کنید. پیغام‌ها را کنترل کنید. ذهن مردم را کنترل خواهید کرد. این همان چیزی است که توئیتر می‌خواهد. کنترل ذهن ما. آنها نمی‌خواهند که تنها یک توییتر توهین آمیز را حذف کنند و اجازه دهند دوباره وارد حساب خود شویم. از ما می‌خواهند تا وقتی که وارد حساب خود شدیم، خودمان روی دکمه حذف کلیک کنیم.

<https://cutt.ly/2DENBjI>



ام‌ان‌اس‌ان
چین‌لتر

حقیقتاً، همه گیری تمام نشده است

پس از موج امیکرون در آمریکا، نگرانی عمومی انگار از بین رفته است. به نظر اراده سیاسی برای مبارزه با ویروس کرونا به حدی کم شده که کنگره حتی دیگر بودجه همه گیری را در اولویت قرار نمی‌دهد. ظاهراً بخش وسیعی از جامعه اخیراً نتیجه گرفته‌اند که همه گیری تمام شده است. درست است که اکنون نسبت به دو سال، یک سال یا حتی شش ماه قبل در وضعیت بهتری هستیم، اما این همه‌گیری قطعاً تمام نشده است. نگرانی‌های موجهی وجود دارد که نوع اشتقاق یافته امیکرون BA.۲ منجر به موج دیگری از عفونت در ایالات متحده شود. من با پزشک بیماری‌های عفونی استنفورد، ابرار کاران گفتگو کردم تا بدانیم چرا باید ماسک‌های N۹۵ را در دسترس داشته باشیم.

بسیاری از کارشناسان کووید دارند برای یافتن پاسخ خود را به در و دیوار می‌زنند. شما در چه حال هستید؟

— من اساساً احساس می‌کنم که کووید دارد برنده می‌شود، زیرا از افرادی که پیوند عضو انجام داده‌اند و دارای نقص ایمنی هستند مراقبت می‌کنم. در حال حاضر تماس‌های بسیار کمی با کووید وجود دارد، زیرا با کاهش میزان بروز، افراد کمتری مبتلا می‌شوند. بنابراین احتمال مشاهده موارد کووید در بیمارستان در حال حاضر کمتر است، اما من همچنان می‌دانم که ما این موج

ها را در جاهایی داریم که در آن عوامل متعددی به طور همزمان در حال نقش آفرینی هستند.

این عوامل چه هستند؟

— یکی مصونیت از عفونت قبلی، واکسیناسیون یا واکسن تقویتی است. دیگری این است که با چه نوع دیگری سروکار داریم، چقدر مصونیت گریز است و چگونه زمان بندی این دو چیز با هم تداخل دارند؟ چقدر واکسن ها در برابر آن نوع محافظت می کنند و سپس اقدامات کاهشی هستند. من فکر می کنم مشکل این است که ما اگر به صورت فردی و جمعی در مورد مداخلات غیر دارویی مانند پوشاندن و فاصله گذاری و زمانی که میزان شیوع کم است، کمی عقب نشینی نکنیم، مردم احساس می کنند همیشه تحت فشار قرار می گیرند تا در حالت آماده باش باشند. همانطور که اشاره کردید، هنوز مرگ و میر و بستری شدن در بیمارستان وجود دارد، اما اینها همه نسبی است. مردم همیشه نسبی فکر می کنند، آنها می خواهند آنچه را که از بهار گذشته یا از دلتا تا کنون تجربه کردند با الان مقایسه کنند. من نگرانم که BA.2، که مطمئناً در اینجا وجود دارد، سریع تر از آن چیزی که قادر به تشخیص یا واکنش به آن باشیم، حرکت می کند. هم از نظر سیاسی و هم از نظر بهداشت عمومی.

درسته. به خصوص زمانی که به نظر می رسد بسیاری از مردم تصمیم گرفته اند دیگر نگران کووید نباشند.

— حداقل با دلتا و امیکرون، بسیاری از مردم در آن زمان واکسینه می شدند یا به تازگی با دوز دوم خود واکسینه شده بودند. ما اساساً با هزینه های بلندمدت ناشناخته برای سلامت مردم قمار می کنیم. به عنوان مثال، ما افرادی را می بینیم که با مشکلات لخته شدن، مشکلات مربوط به بیماری های خودایمنی که قبلاً شناسایی نکرده بودند و سپس سایر اثرات عروقی، اثرات شناختی برخورد می کنیم. ما شاهد مطالعات فیزیولوژیکی هستیم که اثراتی را بر روی مغز و قلب و سایر اندام ها نشان می دهد، بنابراین هزینه های زیادی در اینجا وجود دارد. این سرماخوردگی نیست که ما با آن سر و کار داریم، یا حتی آنفولانزا. بله من نگرانم.

به طور خاص چقدر نگران BA.2 هستید؟

— به نظر کاملاً متمایز از BA.1 است. درست در آستانه سقوط موج BA.1 است، بنابراین به جمعیتی ضربه می زند که خسته، کوفته و آماده پایان دادن به اقدامات کاهشی و با تقویت ضعیف هستند. این مشکل بزرگی است که از سیاست عقب می ماند، زیرا بسیاری از سیاستمداران احتمالاً دارند به انتخابات میان دوره ای و آنچه محبوب است فکر می کنند.

در موج امیکرون، توجه زیادی حداقل از سوی دولت بایدن و در برخی ایالت ها به اهمیت استفاده از ماسک های بهتر صورت گرفت. دولت فدرال در نهایت شروع به تلاش برای توزیع ماسک های رایگان N95 برای عموم کرد. اما بعد در همه جا دستورات ماسک به سرعت کاهش یافت. نظر تون چیست؟

... من فکر نمی‌کنم بزرگ‌ترین مشکل عقب‌نشینی اقدامات کاهشی باشد، مشکل این است که وقتی موارد جدید شروع به افزایش تصاعدی سریع می‌کنند، زمانی که اقدامات کاهش‌دهنده را مجدداً در جای خود قرار می‌دهید، با تاخیر است. زمانی که در آن تاخیر گرفتار شدید، آنگاه گسترش تصاعدی فراگیر می‌شود و دیگر برای انجام کاری برای آن دیر شده است. دولت‌ها می‌توانند دوباره از مردم بخواهند که ماسک بپوشند، اما آنها هفته‌ها عقب خواهند ماند. گسترش بسیار سریع خواهد بود.

و این با فرض این است که رهبران سیاسی حتی سعی کنند مردم را دوباره وادار به زدن ماسک کنند.

... بله، کی می‌داند که آیا آنها اصلاً قرار است حتی تلاش کنند؟ سیاستمداران ممکن است حس کنند که استراتژی‌هایی که قبلاً استفاده می‌کردند هزینه زیادی برای آنها دارد و به نظر نمی‌رسد که مانع از گسترش آن شود یا جلوی هر شیوع بزرگی را بگیرد.

به دنبال افزایش اخیر مرگ و میر ناشی از کووید در برخی کشورها، بحث‌های تازه‌ای در مورد تفاوت

بین مرگ ناشی از کووید یا با کووید وجود دارد. نظر شما چیست؟

... من فکر می‌کنم شیوه ساده نمودن آن توسط افرادی که پزشک نیستند، یک توصیف نادرست است زیرا شما می‌توانید بیماران بسیار مریضی داشته باشید که پس از آن کووید به آنها غلبه کرده است. بعد از آن کووید باعث التهاب می‌شود، کووید باعث انواع اثرات دیگر می‌شود و در نهایت می‌میرند.

به نظر شما در این مرحله، چه زمان و کجا مردم باید همچنان ماسک بزنند؟

... برخی ممکن است بگویند کمی زود است که ماسک زدن را در مکان‌های شلوغ سرپوشیده توصیه کنیم، اما من فکر می‌کنم که خیلی سریع درگیر می‌شویم. کی قرار است این اتفاق بیفتد؟ حدس من این است که تا آوریل یا اواسط آوریل، شاهد افزایش قابل توجهی باشیم. نمی‌گویم خانه خود را ترک نکنید، معاشرت نکنید، کاری انجام ندهید. من فکر می‌کنم مردم باید این کارها را بکنند، زیرا در حال حاضر به طور نسبی، بروز کمتر است. اما فکر می‌کنم همه باید بدانند که BA.۲ یک تهدید است و اگر در چند هفته آینده بارها و بارها در محیط‌های داخلی پرخطر قرار بگیرند، ممکن است به آن مبتلا شوند.

درسته. و مقامات بهداشت عمومی و سیاستمداران باید در مورد این واقعیت که BA.۲ در حال گسترش است و خطر آن چقدر است، هشیار باشند. این یکی از چیزهایی است که من را عصبانی می‌کند. در صورت وقوع بوران بزرگ یا طوفان، هشدارهایی را با صدای بلند شده و مناسب دریافت می‌کنیم. این به مردم فرصت برای آماده شدن می‌دهد و عملاً زندگی را نجات می‌دهد. اگر سیستمی مانند این برای اطلاع‌رسانی خطرات کووید داشتیم، مردم می‌توانستند تصمیمات آگاهانه‌تری در مورد اینکه چه زمانی اقدامات احتیاطی را انجام دهند اتخاذ کنند، حتی اگر رهبران ایالتی آنها تهدید را جدی نگیرند.

<https://cutt.ly/vDqx1Wj>

